



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

و تألیف کتب درسی

# تعلیم و تربیه اسلامی

## صنف یازدهم

تعلیم و تربیه اسلامی - صنف یازدهم

کتابهای درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جداً ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.

سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ. ش



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ایماق، هم پشه پان  
لکه لمر پر شنه آسمان  
لکه زره وي جاویدان  
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د تورې  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجر دي  
براهوي دي، قزلباش دي  
دا هیواد به تل ځلیري  
په سینه کې د آسیا به  
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# تعلیم و تربیة اسلامی

صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.

## مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیه اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیه اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ‌خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.



## پیام وزیر معارف

اقراً باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویدا است، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراها و والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت‌کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت‌پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

# فهرست

## بخش عقاید

- درس اول: کتاب‌های آسمانی ..... ۱
- درس دوم: وحی ..... ۵
- درس سوم: ایمان به انبیا و رسولان ..... ۸
- درس چهارم: صفات انبیا و رسولان ..... ۱۳
- درس پنجم: پیامبران اولوالعزم ..... ۱۸
- درس ششم: معجزه و سحر ..... ۲۱
- درس هفتم: کرامت و استدراج ..... ۲۵
- درس هشتم: قضا و قدر ..... ۲۷
- درس نهم: برزخ ..... ۳۱
- درس دهم: بعث و حشر ..... ۳۶
- درس یازدهم: شفاعت حضرت محمد ﷺ ..... ۳۹

## بخش حدیث

- درس دوازدهم: غیبت گناه بزرگ است ..... ۴۴
- درس سیزدهم: مسلمان آئینهٔ مسلمان است ..... ۴۸
- درس چهاردهم: اهمیت مشوره ..... ۵۱
- درس پانزدهم: کمک به مساکین ..... ۵۴
- درس شانزدهم: تعلیم و تربیت دختران ..... ۵۷
- درس هفدهم: کسب روزی حلال ..... ۶۱
- درس هژدهم: آسانی در دین ..... ۶۴
- درس نوزدهم: لعنت گفتن ..... ۶۸
- درس بیستم: اعتدال در کارها ..... ۷۱
- درس بیست و یکم: اسباب برخورداری از سایهٔ عرش الهی در آخرت ..... ۷۴

- ۷۸..... درس بیست و دوم: آداب نشستن در راه
- ۸۲..... **بخش فقه**
- ۸۳..... درس بیست و سوم: خانواده
- ۸۷..... درس بیست و چهارم: نکاح
- ۹۰..... درس بیست و پنجم: مقدمات نکاح
- ۹۵..... درس بیست و ششم: ارکان و شرایط نکاح
- ۹۸..... درس بیست و هفتم: ولایت
- ۱۰۱..... درس بیست و هشتم: کفالت
- ۱۰۳..... درس بیست و نهم: محرمات نکاح
- ۱۰۶..... درس سی ام: محرمات رضاعی
- ۱۰۸..... درس سی و یکم: محرمات موقت
- ۱۱۲..... درس سی و دوم: مُتعه
- ۱۱۴..... درس سی و سوم: مهر
- ۱۱۸..... درس سی و چهارم: ولیمه
- ۱۲۱..... درس سی و پنجم: حقوق زن و شوهر
- ۱۲۴..... درس سی و ششم: حقوق شوهر بر زن
- ۱۲۸..... درس سی و هفتم: حجاب
- ۱۳۳..... درس سی و هشتم: راه حل مشکلات میان زن و شوهر
- ۱۳۸..... درس سی و نهم: طلاق
- ۱۴۱..... درس چهلم: انواع طلاق
- ۱۴۳..... درس چهل و یکم: انواع دیگر تفریق <sup>(۱)</sup>
- ۱۴۶..... درس چهل و دوم: انواع دیگر تفریق <sup>(۲)</sup>

# کتاب‌های آسمانی

الله ﷻ برای راهنمایی بنده گانش در زمان‌های مختلف کتاب‌هایی را فرستاده است تا مردم در روشنی رهنمایی این کتاب‌ها، زنده‌گی خویش را تنظیم نموده، به خوشبختی دنیا و آخرت نایل گردند.

## تعریف کتاب

کتاب در لغت از کتابت گرفته شده و به معنای نوشتن است.

کتاب آسمانی در اصطلاح، عبارت از کلام رهنمودی خداوند است که به یکی از پیامبرانش فرستاده است تا آن را به مردم برساند، کتاب‌های آسمانی نازل شده عبارت اند از تورات بر حضرت موسی عليه السلام زبور بر حضرت داوود عليه السلام، انجیل بر حضرت عیسی عليه السلام و قرآن بر حضرت محمد صلى الله عليه وآله، علاوه از این کتب صحافی نیز بر بعضی انبیاء علیهم السلام نازل شده است.

## شرح تعریف

مقصد از کتاب‌های آسمانی در اینجا کلام الله ﷻ است که سراسر نور و رهنمایی می‌باشد. الله ﷻ در زمان‌های مختلف، این کتاب‌های آسمانی را برای راهنمایی بنده گانش نازل کرده که آن‌ها این کتاب‌های آسمانی را به عنوان قانون مقدس خود بپذیرند و از آن پیروی کنند تا در راه پر فراز و نشیب این دنیا، راه گم نشوند.

## دلایل اثبات کتاب‌های آسمانی

جهت اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی، در قرآن کریم و احادیث نبوی دلایل زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها قرار ذیل است:

## قرآن کریم

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶]

ترجمه: «بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اولادش نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی



پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم. میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم»

در این آیه مبارکه، خداوند متعال مؤمنان را مأمور ساخته است تا به قرآن کریم و کتاب‌هایی که پیش از قرآن نازل شده است، ایمان بیاورند.

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْكُمُوهُ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵]

ترجمه: «پیامبر خدا به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده است، و مؤمنان همه‌گی به خدا و فرشته‌گان و کتاب‌ها و فرستاده‌گانش ایمان آورده‌اند و گفتند: (میان هیچ یک از فرستاده‌گانش فرق نمی‌گذاریم) و گفتند: (شنیدیم و گردن نهاده‌ایم، پروردگارا، آمرزش تو را خواستاریم و فرجام به سوی تو است.»

الله ﷻ در این آیه صفت ایمان پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان را بیان نموده و تصریح می‌دارد که آنان به ایمان آوردن به الله ﷻ، فرشته‌ها، کتاب‌ها و پیامبران مأمور اند.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۶]

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب‌هایی که پیش از آن نازل کرده، ایمان بیاورید و هر کس به خدا و فرشته‌گان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است»

### حدیث شریف

هنگامی که جبرئیل عليه السلام از نبی اکرم ﷺ در باره ایمان پرسید، رسول الله ﷺ فرمود: «أَنْ تُوْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُوْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «ایمان این است که به الله ﷻ، فرشته‌ها، کتاب‌ها، پیامبران، روز آخرت و این که خیر و شر از جانب الله است، باور و یقین داشته باشی»

## حکم ایمان به کتاب های آسمانی

ایمان آوردن به همه کتاب‌های آسمانی که از جانب الله ﷻ نازل شده، فرض است و بخشی از عقیده اسلامی می‌باشد.

## ضرورت مردم به کتاب‌های آسمانی

از بررسی تاریخ بشر معلوم می‌گردد که انسان از یک طرف انانیت و خودخواهی دارد و در صورت توان اغلب آزادی و حقوق دیگران را در نظر نمی‌گیرد و از طرف دیگر دانش بشر ناقص است و در باره کاینات و خالق آن بدون راهنمایی پیامبران نمی‌تواند، به حقیقت دست یابد. از همین رو، علمش در باره اصول و قوانین اجتماعی نارس است و به تنهایی نمی‌تواند، راه اصلی و برتر را پیدا کند. به همین خاطر خداوند متعال به این نقص و کمبود بشر توجه ما را جلب نموده، می‌فرماید: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ **أَمْ لَكُمْ نُفُفَةٌ مِّنْ مَّيِّ يَمِينٍ** [القیامة: ۳۶-۳۷] ترجمه: «آیا انسان گمان می‌کند، بی‌هدف رها می‌شود، آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود، نبوده»

## قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی

قرآن کریم آخرین کتاب خداوندی است که غرض رهنمایی بشریت تا روز قیامت بر حضرت محمد ﷺ که آخرین پیامبران است، نازل گردیده است. قرآن کریم در طی (۲۳) سال به صورت تدریجی توسط جبرئیل علیّه بر حضرت محمد ﷺ فرود آمده و با نزول آن تمام کتاب‌های آسمانی منسوخ شده است. خطاب و دعوت قرآن کریم عام بوده و برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد. ایمان آوردن به قرآن کریم به حیث آخرین کتاب آسمانی به هر انسان فرض است. کسی که به قرآن ایمان نداشته باشد، از دائرة ایمان خارج و کافر می‌باشد.

## فعالیت

شاگردان به ترتیب در باره سؤال‌های ذیل باهم بحث کنند:

۱. آیا فلاسفه‌یی که با تکیه به عقل در باره زنده‌گی بشر قوانین وضع می‌کنند، در باره اصول زنده‌گی باهم متفق هستند؟

بشر نیاز داشت که الله ﷻ برای رهنمایی و نجات آنها از حیرت و سردرگمی در زمان‌های مختلف پیامبرانی بفرستد و شریعت‌ها و کتاب‌هایی را از طریق آنها به مردم نازل کند. خداوند می‌فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [نساء: ۱۶۵]

ترجمه: «پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران در مقابل خدا [بهبانه و] حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است» علاوه بر آن در کتاب الله ﷻ برکت‌هایی نهفته است؛ تلاوت آن ذکر و مایه آرامش دل‌ها بوده و در دنیا سبب نزول رحمت و در آخرت وسیله نجات می‌گردد.

## سؤال‌ها

۱. دلایل اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی را بیان کنید.
۲. رسول الله ﷺ در جواب سؤال جبرئیل در باره ایمان چه فرمود؟
۳. حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی چیست؟
۴. مردم چه نیازی به کتاب‌های آسمانی دارند؟

## کارخانه‌گی

شاگردان تحت عنوان نیاز انسان به کتاب‌های آسمانی یک مقاله بنویسند که از بیست سطر کمتر نباشد.

## وحی

بعد از ایمان به کتابها در باره ایمان به وحی بحث می‌کنیم و یاد می‌گیریم که وحی چیست؟ و از جانب کی بر چه کسانی نازل می‌شود؟

### تعریف وحی

وحی در لغت به معانی زیادی استعمال شده است، از قبیل: اشاره، رسالت، الهام، کلام خفی، امر و کتابت.

و در اصطلاح علم عقاید، عبارت است از: سخن گفتن خداوند با پیامبر به شکل خفیه و خارق العاده.

### شرح تعریف

وحی به سخنی گفته می‌شود که خداوند متعال با کسی که وی را به نبوت برگزیده است، در باره آنچه اراده اوست به شکل خفی و بالاتر از توان بنده‌گان، انجام داده است.

### دلیل ثبوت وحی

**دلیل نقلی:** حضرت محمد ﷺ اولین پیامبر و اولین انسان نبود که با مردم از وحی سخن گفته و آنان را از سخنان آسمانی آگاه کرده باشد؛ بلکه از نوح علیه السلام گرفته تا حضرت محمد ﷺ پیامبران زیادی آمده و مردم را از وحی آگاه ساخته اند. این پیامبران هیچ‌گاهی از جانب خود سخن نگفته، بلکه وحیی را که به سوی شان فرستاده می‌شد، به مردم تبلیغ می‌کردند، چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا ۗ وَرُسُلًا قَدْ فَصَّصْنَا لَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۗ وَرُسُلًا لَمْ نَقْضُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۴-۱۶۳]

ترجمه: « ما وحی فرستادیم سوی تو، چنانچه وحی فرستادیم به سوی نوح و پیامبرانی که بعد از وی بودند و وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و بر فرزندان او و به عیسی و به ایوب و به یونس و به هارون و به سلیمان و دادیم به داود زبور را. و پیامبرانی را فرستادیم که در حقیقت ماجرای آنان را پیش از این بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی را نیز که سرگذشت ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت»

در آیه دیگر در باره محمد ﷺ می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]

ترجمه: «و از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود، نیست.»  
و نیز می‌فرماید: ﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ﴾ [یونس: ۲]  
ترجمه: «آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده اند، مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان عزت و سربلندی است. کافران گفتند: این [مرد] بدون شک افسونگری آشکار است.»

### دلیل عقلی

وحی یک واقعیت است، کسی که به وجود خدا و به کمال قدرت او ایمان دارد، منکر وجود وحی نمی‌شود؛ زیرا خداوند ﷻ قادر مطلق است و هر طوری که اراده‌اش باشد، پیام خویش را به بنده‌گان ابلاغ می‌فرماید.

### فعالیت

شاگردان در باره دلایل وحی باهم بحث کنند.

### حکم ایمان به وحی

ایمان آوردن به همه کتاب‌های نازل شده و به همه وحی‌های فرستاده شده، به شکل اجمالی فرض است.

### انواع وحی

خداوند به پیامبرانش به سه طریق وحی کرده است:

#### ۱. وحی به طریق الهام و خواب

الف. الهام: طوری که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: بدون شک، جبرئیل این سخن را در دلم افگند که هیچ نفسی تا وقتی نمی‌میرد که اجل و وقت معین خود را تکمیل نکرده و رزقش را به طور کامل نگرفته باشد، پس رزق را از راه حلال بجویید، آهسته و یا کم شدن رزق، هیچ یک از شما را وادار نسازد که آن را از راه حرام و گناه بطلبید؛ چون نمی‌توان از هیچ راهی به آنچه در نزد خداوند ﷻ است، رسید. جز از راه اطاعتش.

ب. در خواب دیدن: طوری که خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام در خواب وحی کرد که فرزندش اسماعیل را ذبح کند و پیش از آغاز وحی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز چنین خواب‌هایی می‌دید.

۲. سخن گفتن از پشت پرده: به گونه‌یی که بین الله جل جلاله و پیامبر واسطه‌یی وجود نداشته باشد، بلکه بدون واسطه خداوند متعال به پیامبرش وحی کرده باشد. چنان که حضرت موسی علیه السلام سخنان خداوند را بدون واسطه شنیده است.

۳. وحی به واسطه فرشته: خداوند متعال فرشته را به سوی پیامبر می‌فرستاد و توسط او وحی را بر رسولش نازل می‌کرد که این، کار جبرئیل علیه السلام است.

سه طریق وحی را که در بالا ذکر شد، خداوند متعال در این آیه چنین بیان می‌کند:

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأُذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [الشوری: ۵۱]

ترجمه: «و هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از پشت حجابی یا فرستاده‌یی بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد، وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار» باید دانست که قرآن کریم به این طریقه؛ یعنی توسط فرشته مکلف جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده است.

## فعالیت

شاگردان در باره نیاز جامعه انسانی به وحی و رهنمودهای آسمانی بحث و گفتگو نموده، نتایج آن را نکته‌وار یاد داشت نمایند.



۱. وحی را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. دلایل وجود وحی را بیان نمایید.
۳. حکم ایمان به وحی چیست؟
۴. انواع وحی را بیان کنید.
۵. آیه‌یی را ذکر کنید که خداوند متعال در آن از انواع وحی سخن گفته است.

## کارخانه‌گی



شاگردان در باره وحی مقاله‌یی بنویسند که از ده سطر کم‌تر نباشد.

## ایمان به انبیا و رسولان

نبی و رسول به چه کسی گفته می‌شود؟  
آیا نبوت و پیامبری با کار و کوشش به دست می‌آید؟

### ۱. تعریف نبی و رسول

**الف. نبی:** نبی، واژه عربی بوده که از «نبأ» گرفته شده است و نبأ به خبر گفته می‌شود. و در اصطلاح علم عقاید، نبی به شخصی گفته می‌شود که از طرف الله ﷻ برای وحی شده باشد.

**ب. رسول:** به شخصی گفته می‌شود که الله ﷻ برای رساندن احکامش به بنده گان، او را همراه با شریعت جدید فرستاده باشد.

### ۲. فرق بین نبی و رسول

رسول به شخصی گفته می‌شود که الله ﷻ با شریعت تازه‌یی او را به سوی بنده گانش می‌فرستد، و نبی کسی است که خداوند او را برای راهنمایی بنده گانش فرستاده است، فرق نمی‌کند که شریعت انبیای پیشین را به مردم تبلیغ کند و یا شریعت تازه‌یی به او داده شده باشد؛ بنابراین به هر رسول نبی گفته می‌شود؛ اما به هر نبی رسول گفته نمی‌شود.

### ۳. تعداد انبیا

در قرآن کریم از ۲۵ پیامبر تذکر رفته است و نام ۱۸ تن شان در آیه ذیل ذکر است:

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۸۳﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۸۴﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿۸۵﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۸۶﴾﴾ [الانعام: ۸۳-۸۶]

ترجمه: «و آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم درجات هر کس را که بخواهیم بالا می‌بریم؛ زیرا پروردگار تو حکیم داناست، و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را به راه راست درآوردیم و نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم، و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایسته‌گان بودند، و اسماعیل و یسع و یونس و لوط که جمله‌گی را بر جهانیان برتری دادیم»

نام‌های هفت تن از پیامبران در جاهای دیگر ذکر شده است، که عبارتند از: آدم، ادریس، هود، صالح، شعیب، ذوالکفل او محمد خاتم النبیین (علیهم جمیعاً صلوات الله وسلامه).

در قرآن کریم از موجودیت دیگر پیامبران هم خبر داده شده است: ﴿وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ﴾ [النساء: ۱۶۴]

ترجمه: «و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز فرستاده ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده ایم» ایمان به همه انبیاء علیهم السلام فرض است چه آن‌هایی که در قرآن کریم ذکر شده اند و چه آنانی که در قرآن نام‌های شان ذکر نشده است. البته آن پیامبرانی که در قرآن کریم ذکر شان نیامده است، باید به صورت اجمالی به آنان ایمان داشته باشیم.

#### ۴. دلایل اثبات ایمان به پیامبران

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵]

ترجمه: «پیامبر خدا به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است، و مؤمنان همه‌گی به خدا و فرشته‌گان و کتاب‌ها و فرستاده‌گانش ایمان آورده‌اند و گفتند: میان هیچ یک از فرستاده‌گانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را خواستاریم و فرجام به سوی تو است.»



## فعالیت

شاگردان در مورد تأثیرات مهم و مثبتی که پیامبران در جوامع انسانی گذاشتند، بحث نمایند.

### ۵. حکم ایمان به انبیا و رسولان

ایمان آوردن به همهٔ انبیا و پیامبران فرض و از ارکان عقیدهٔ اسلامی می‌باشد؛ لذا انکار یک نبی یا رسول انکار همهٔ پیامبران محسوب می‌گردد از همین رو مسلمان مطابق عقیده اش گواهی می‌دهد که در ایمان آوردن بین هیچ نبی تفاوتی قایل نیست و به همه پیامبران ایمان دارد، چون همه‌گی از سوی الله ﷻ فرستاده شده اند.

### ۶. نبوت یک عطیة الهی است

نبوت یک عطیة الهی است و به هر کسی که او بخواهد، می‌دهد و با شوق و کوشش شخصی؛ یعنی با عبادت و ریاضت به دست نمی‌آید. الله ﷻ در توصیف انبیای بزرگوار می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۷] ترجمه: «بدون تردید، آن‌ها در نزد ما از برگزیده‌گان اند»

**فعالیت:** شاگردان در بارهٔ حکم ایمان به انبیا و رسولان باهم بحث کنند.

### ۷. تفصیل ایمان به انبیا و رسولان

تفصیل ایمان به انبیا و رسولان در روشنی قرآن و سنت به گونه فشرده چنین است:

۱. ایمان داشتن به هر پیامبری که نامش در قرآن ذکر است و جمعاً به بیست و پنج تن می‌رسد و هم‌چنان ایمان داشتن به این که خداوند متعال غیر از پیامبران مذکور پیامبران دیگری هم فرستاده است.

۲. ایمان و یقین کامل داشتن به این که محور دعوت همه انبیا توحید و یگانگی خداوند و عبادت اوست.

۳. بدون کدام تفاوت، ایمان داشتن به همه رسولان و تصدیق نبوت و رسالت آنها و یا به این که بعضی از آنها فضیلت بیش تری نسبت به بعضی دیگر دارند و برترین شان حضرت محمد ﷺ است.

۴. باور به این که همه آنها انسان هستند و هیچ نوع خصوصیت الوهیت در آنان وجود ندارد.

۵. ایمان داشتن به این که انبیا و رسولان نسبت به همه مردم از لحاظ علم، عمل و اخلاق، کامل اند و رسالت خود را با کمال امانتداری ادا نموده اند.

۶. باورداشتن به این که الله ﷻ برای تصدیق انبیا معجزه هایی به آنان داده است.

۷. ایمان داشتن به این که سلسله نبوت با حضرت محمد ﷺ به پایان رسیده و ایشان به سوی همه مردم فرستاده شده اند و بعد از رحلت ایشان تا قیامت هیچ نبی و رسول دیگری نمی آید و سلسله وحی هم به آخر رسیده است.

## فعالیت

در قرآن کریم نام چند تن پیامبران ذکر شده است؟

## ۸. معنای ایمان به انبیا و پیامبران

الله ﷻ در قرآن کریم می فرماید:

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ

وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶]

ترجمه: «بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اولادش نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده ایم، میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم»

معنای ایمان به انبیا و پیامبران این است که انسان باید یقین داشته باشد که خداوند به بعضی از بنده گانش وحی می کند تا مردم را به نعمت های الهی مژده بدهند و از عذاب او بترسانند و همه

این‌ها به خاطر رسیدن به یک مقصد انجام می‌گیرد که عبارت است از: عبادت الله، اقامهٔ دین و یگانه دانستن الله ﷻ در الوهیت، و اسماء و صفاتش.

## سؤالها

۱. نبی و رسول را تعریف کنید.
۲. نبی و رسول چه فرقی دارند؟ مختصر بیان کنید.
۳. آیا نبوت با کوشش شخصی حاصل می‌شود؟
۴. دلایل وجوب ایمان به انبیا و پیامبران را ذکر کنید.
۵. نام چند پیامبر در قرآن کریم آمده است؟ معلومات ارایه بدارید.
۶. حکم ایمان به انبیا و پیامبران چیست؟

## کارخانه‌گی

شاگردان دربارهٔ وظائف انبیاء علیهم السلام یک مقاله بنویسند.

## صفات انبیا و رسولان

الله ﷻ پیامبران را با صفات والا و نیکویی آراسته است تا بتوانند به خوبی مردم را به راه‌های نیک دعوت کنند. و همچنان خداوند متعال آنان را از تمام صفاتی که مناسب مقام نبوت نیست، پاک نگهداشته است.

### صفات انبیا

برخی از صفات پیامبران در قرآن کریم ذکر گردیده که قرار ذیل می‌باشد:

**۱. بشر بودن:** همه پیامبران بشر اند، می‌خورند و می‌آشامند، می‌خوابند و بیدار می‌شوند، گرسنه و تشنه می‌شوند، نکاح می‌کنند، غیب نمی‌دانند و از همه صفات بشری برخوردار اند. این به آن خاطر است که آن‌ها بتوانند با مردم صلۀ رحمی کنند و از احساس شان آگاه شوند. آن‌ها راه مستقیم را به مردم نشان می‌دهند. خداوند متعال با فرستادن آنان حجت خود را بر بنده‌گان قایم کرده است تا عذر و بهانه‌یی نداشته باشند. خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

[التوبة: ۱۲۸]

ترجمه: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است، شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است»

و نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ [الکهف: ۱۱۰]

ترجمه: «بگو من هم مثل شما بشری هستم [ولی همینقدر که] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است»

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً﴾ [الرعد: ۳۸]

ترجمه: «و قطعاً پیش از تو [نیز] پیامبرانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم»

**۲. تبلیغ:** پیامبران مأمور اند تا احکام الهی را به مردم برسانند تا آنان را به خوشبختی‌های دنیا و آخرت رهنمون گردند. این کاری است که همه پیامبران بدون کم و کاست انجام داده اند. الله ﷻ در این باره می‌فرماید:

﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾ [المائدة: ۹۹]

ترجمه: «بر پیامبر [وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست»

در آیه دیگر همین سوره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ [المائدة: ۶۷]

ترجمه: «ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای»

۳. **فطانت** (زیرکی): هر نبی باید هوشیار، عاقل و دور اندیش باشد، نه غافل و بی پروا. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُونَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الانبیاء: ۷۹]

ترجمه: «پس آن [داوری] را به سلیمان فهمانیدیم و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم و کوهها و پرندگان را با داوود به نیایش وا داشتیم و ما کننده [این کار] بودیم»  
و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ﴾ [ص: ۲۰]

ترجمه: «و پادشاهی اش را استوار کردیم و او را حکمت و کلام فیصله کن، عطا کردیم»  
و نیز می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵]

ترجمه: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌یی] که نیکوتر است گفتگو و مناقشه نما»

۴. **مرد بودن**: همه علماء به این اتفاق دارند که نبی باید مرد باشد، و زن نمی‌تواند به منصب رسالت برسد. چون خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ﴾ [یوسف: ۱۰۹]

ترجمه: «و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم»  
چنانکه می‌بینید در این آیات لفظ رجل ذکر شده است و در عربی رجل به مرد گفته می‌شود.  
در آیه دیگر آمده است: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا جَعَلْنَاهُ رِجُلًا﴾ [الأنعام: ۹]

ترجمه: «و اگر او را فرشته‌یی قرار می‌دادیم، حتما وی را [به صورت] مردی در می‌آوردیم»  
در این آیه مبارکه هم لفظ مرد ذکر شده است.

۵. **پاک بودن از عیوب**: پیامبر باید از عیوب ذیل پاک باشد:

الف: هر پیامبر در وقت بعثتش باید از همه مردم زمانش از لحاظ خلقت برتر و بالاتر باشد.  
 ب: هر پیامبر باید از عیوبی همچون پیسی، جذام و غیره که طبیعت انسانی از آن نفرت دارد، پاک باشد.  
 ج: نبی دارای چنان کسبی نباشد که عرف آن را بد بدانند. مانند: نعل کوبی و غیره.  
 د. نبی باید سخت دل نباشد، چون اگر نبی قسی القلب و بی رحم باشد، مردم از او گریزان می‌شوند خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]

ترجمه: «پس به [برکت] رحمت الهی آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی قطعاً از دور و بر تو پراکنده می‌شدند».

۶- **عصمت:** الله ﷻ به پیامبرانش در کنار دیگر صفات نیکو، صفت دیگری را نیز به آنان داده است که سایر انسان‌ها از آن برخوردار نیستند. و آن، صفت عصمت است و ویژه هر پیامبر می‌باشد.

### تعریف عصمت

عصمت در لغت به حفظ و نگهداری گفته می‌شود.

و در اصطلاح علم عقاید عبارت است از: آن لطف الهی که پیامبر را به انجام کارهای نیک تشویق و از کارهای بد ننگه می‌دارد؛ اما اختیار را از انسان ساقط نمی‌سازد تا حقیقت امتحان و آزمایش باقی بماند.

### شرح تعریف

الله ﷻ همه پیامبرانش را به فضل و کرم خود پیش و بعد از نبوت از همه گناهان دور نگه داشته و چنان قدرتی به آنان داده است که آنان را به انجام کارهای نیک تشویق نموده و از کارهای بد باز می‌دارد؛ اما اختیار را از آن‌ها سلب نمی‌کند.

### عصمت انبیا ﷺ از گناهان

برای وضاحت بیشتر، عصمت انبیا را این گونه شرح می‌دهیم:

۱. **گناهان کبیره:** به گناهی گفته می‌شود که در دنیا برایش حد تعیین شده و یا به مرتکب آن وعید آتش داده شده باشد یا هم این که انجام دهنده آن مورد لعن و غضب قرار گرفته باشد.
۲. **گناهان صغیره:** گناهی است که در دنیا برایش حد تعیین نشده و در آخرت هم عذابی برای آن مشخص نگردیده باشد.

پس انبیا -علیهم السلام- از همه گناهان اعم از کبیره و صغیره کبیره مانند: کفر، دروغ و غیره پاک اند و از روی قصد و اشتباه چنین گناهی از آنان سرنزده، آنان معصوم می‌باشند.

### دلایل این عصمت

چنانکه یکی از مهم ترین دلایل پیامبران رساندن پیام خدا به مردم است؛ قرآن کریم در این باره به صدق و راستی آن‌ها گواهی می‌دهد: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]

ترجمه: «و از سر هوس سخن نمی‌گویند، این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود، نیست»  
و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿۱﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿۲﴾ ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿۳﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ [الحاقة: ۴۴-۴۷]

ترجمه: «و اگر [او] پاره‌یی گفته‌ها (را از خود ساخته و) بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم، و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شدید»  
هم‌چنان در حدیث شریفی آمده است: «عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قالوا: یا رسول الله إنک تداعبنا؟ قال: لا أقول إلا حقاً»

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که اصحاب فرمودند: ای رسول خدا! شما با ما شوخی می‌کنید؟ رسول خدا فرمود: من چیزی جز حق نمی‌گویم.

از جانب دیگر، انبیا برای دیگران سرمشق و نمونه هستند؛ لذا خداوند آنان را از هر گناهی پاک نگه داشته است. الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ﴾ [الانعام: ۹۰]  
ترجمه: پیامبران کسانی اند که خداوند راه را به آنان نشان داده است، پس تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن!»

و نیز در توصیف آنان می‌فرماید: ﴿وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۸]

ترجمه: و هر یک از آنان از بنده‌گان برگزیده اند»

و باز در باره آن‌ها می‌فرماید: ﴿وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الأنعام: ۸۷]

ترجمه: «آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت شان نمودیم»

## دوم: عصمت انبیا علیهم السلام از گناهان صغیره

در نزد امام ابوحنیفه -رحمه الله- و محققین علمای امت، پیامبران آن طور که از گناهان کبیره پاک و معصوم اند، از گناهان صغیره و کوچک هم معصوم می‌باشند.

الله جل جلاله در باره ذکر یا صلوات می‌فرماید: **﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾** [الانبیاء: ۹۰]

ترجمه: «پس [دعای] او را اجابت نمودیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم؛ زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند»

**فعالیت:** شاگردان درباره صفات انبیا باهم بحث کنند.



۱. صفت را تعریف کنید.
۲. دلایل بشر بودن پیامبران را بگویید.
۳. دلایل صفت تبلیغ را بیان نمایید.
۴. دلایل صفت فطانت و زیرکی را ذکر کنید.
۵. انبیا از کدام عیوب باید پاک باشند؟
۶. معنای لغوی و اصطلاحی عصمت را بیان کنید.
۷. آیا انبیا -علیهم السلام- پیش از بعثت از گناه معصوم می‌باشند؟
۸. آیا انبیا بعد از بعثت از گناه معصوم می‌باشند؟
۹. دلایل عصمت انبیا را بیان کنید.



در باره اخلاق و سیرت نیکوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله یک مقاله بنویسید.



## پیامبران اولوالعزم

همه پیامبران در پیشگاه الله ﷻ صاحب عزت و منزلت اند. همه پیامبران صاحب عزم، صبر و بردباری بودند؛ اما خداوند متعال عزم و پایداری برخی از پیامبران را ستوده است. این دلالت می‌کند که آن‌ها نسبت به دیگر پیامبران عزم بیش‌تری داشتند و در نزد خداوند متعال مقام و منزلت شان بلندتر است.

### تعریف عزم

عزم به معنای صبر، ثبات و انجام دادن یک کار با اراده بسیار قوی است. چرا به بعضی از پیامبران اولوالعزم گفته می‌شود؟ این پیامبران در کار دعوت و رسالت از صبر و بردباری زیادی کار می‌گرفتند به همین خاطر خداوند آنان را با صفت اولوالعزم ستوده است.

### تعداد پیامبران اولوالعزم

در این باره اقوال مختلفی از علما نقل شده است که نزد جمهور دانشمندان مسلمان، تعداد پیامبران اولوالعزم پنج است: حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

خداوند متعال پیامبران اولوالعزم را در این آیه ذکر کرده است:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [الأحزاب: ۷]

«و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم»  
و در این آیه مبارکه هم ذکر شده است:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ [الشورى: ۱۳]

ترجمه: «از [احکام] دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی، گران می آید. خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و هر که را که از در توبه درآید به سوی خود راه می نماید»

### پیامبران اولوالعزم عبارت اند از:

۱. حضرت نوح علیه السلام
۲. حضرت ابراهیم علیه السلام
۳. حضرت موسی علیه السلام
۴. حضرت عیسی علیه السلام
۵. حضرت محمد صلی الله علیه و آله

**فعالیت:** شاگردان در باره تعداد پیامبران اولوالعزم باهم بحث کنند.

### فضیلت پیامبران اولوالعزم:

این پیامبران اولوالعزم نسبت به همه پیامبران دیگر فضیلت زیادی دارند و در بین همه بافضیلت ترین شان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «خَيْرُ أَوْلَادِ آدَمَ نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَعِيسَى وَمُوسَى وَ مُحَمَّدٌ وَ خَيْرُهُمْ مُحَمَّدٌ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «در بین فرزندان آدم علیه السلام برترین شان نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، عیسی علیه السلام، موسی علیه السلام و محمد می باشند و بهترین ایشان محمد است.»

۱ - اخراجہ ابن عساکر

و در حدیثی که امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده آمده است: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «من در روز قیامت سید و بزرگ فرزندان آدم علیه السلام هستم، پیش از همه قبر من باز می‌شود، من اولین شفاعت کننده هستم و پیش از همه شفاعت من قبول می‌شود.

**فعالیت:** شاگردان فضیلت پیامبران اولوالعزم را بیان کنند.



۱. عزم را تعریف کنید.
۲. چرا به بعضی از پیامبران، اولوالعزم گفته می‌شود؟
۳. پیامبران اولوالعزم چند تن اند؟
۴. در باره فضیلت پیامبران اولوالعزم یک حدیث شریف را بیان کنید.

## معجزه و سحر

### ۱. معجزه

#### تعریف معجزه

معجزه در لغت ناتوان و عاجز ساختن را گویند.

و در اصطلاح عبارت است از کار و یا سخن عاجز کننده و خارق العاده که خداوند متعال به قصد تأیید نبی و رسول از او صادر می کند که دیگر انسان ها از انجام آن عاجز اند.

#### شرح تعریف

معجزه به کار و یا سخنی گفته می شود که از مدعی نبوت و رسالت صادر می شود و دارای شرایط ذیل است:

۱. معجزه باید عاجز کننده باشد و اگر چنین نباشد معجزه نیست.
۲. به خاطر تأیید دعوی نبوت و رسالت باشد پس اگر کسی کار خارق العاده ای انجام دهد، اما دعوی نبوت و رسالت نداشته باشد، آن کارش معجزه گفته نمی شود.
۳. کار خارق العاده با دعوا برابر باشد.
۴. جانب مقابل از انجام دادن مثل آن عاجز باشد، در غیر آن معجزه گفته نمی شود.

### انواع معجزه

معجزه پیامبران دو نوع است:

۱. معجزه محسوس.
  ۲. معجزه غیر محسوس.
- اول: معجزه محسوس:** معجزه‌یی است که انسان با حواس پنجگانه اش آن را درک کرده می تواند، مانند: خارج شدن اشتر از کوه با دعای صالح علیه السلام، بینا شدن کور مادرزاد با دعای عیسی علیه السلام، تبدیل شدن عصای موسی علیه السلام به مار و حادثه اسرا و معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دو نیم شدن ماه و جوشیدن آب از انگشتان مبارک آن حضرت، و دیگر معجزات ایشان.

**دوم: معجزه غیر محسوس:** این معجزه‌یی است که به وسیله عقل درک می‌شود، مثل معلومات دادن از حوادث غیبی آینده. و قرآنی کریم که بر معجزه حضرت محمد ﷺ شد که بزرگ‌ترین معجزه ایشان است.

## حکم معجزه

ایمان داشتن به معجزات پیامبران فرض است. چون معجزه هر پیامبر یک وحی الهی است که راستی پیامبر را ثابت می‌سازد. پس آن طور که ایمان داشتن به خود پیامبر فرض است، ایمان آوردن به معجزه او نیز فرض می‌باشد.

**فعالیت:** شاگردان در باره معجزه باهم بحث کنند.

## ۲. سحر

### تعریف سحر

سحر در لغت به نیرنگ، باریکی و تغییر دادن شکل یک چیز گفته می‌شود که سبب ظاهری نداشته باشد.

و در اصطلاح عبارت است، از کار خارق العاده‌یی که به کمک شیاطین از نفس‌های بد و خبیث صادر می‌شود.

### شرح تعریف

هم‌چنان سحر در زبان عربی به نیرنگ بازی و عمل ظریفی گفته می‌شود که سبب ظاهری آن دیده نمی‌شود.

و در اصطلاح به کارهای عجیب و غریبی گفته می‌شود که از دست اشخاص بی‌التزام به دین و بد عمل، صادر می‌شود که با گفتن الفاظ کفری و به کمک شیطان، انجام می‌گیرد و این اشخاص با یادگیری و تمرین به آن، دست رسی پیدا می‌کنند.

اگر کسی با سرعت دست و چالاک‌ی و یا با استفاده از دواهای خاص، کار عجیب و خارق العاده‌یی انجام دهد، سحر حقیقی گفته نمی‌شود.

## وجود سحر

وجود سحر از روی قرآن و احادیث نبوی و اجماع امت ثابت است.

الله ﷻ در بارهٔ ساحران موسی عليه السلام می‌فرماید:

﴿قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرَهُبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾ [الأعراف: ۱۱۶]

ترجمه: «گفت: شما بیفکنید و چون افکندند دیده‌گان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند»

در حدیث آمده است که شخصی به نام لبید بن اعصم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سحر کرد، همه امت اسلام به ثابت بودن سحر اجماع دارند.

## یادگیری سحر

یاد دادن و یاد گرفتن سحر حرام است. و هرگاه سحر بر بنیاد عقیدهٔ کفری استوار باشد، یادگرفتن آن کفر بوده و یاد گیرندهٔ آن واجب القتل می‌باشد.

## فرق سحر و معجزه

فرق زیادی بین سحر و معجزه وجود دارد که برخی از آن‌ها قرار ذیل است:

۱. سحر از نفس‌های شریر و پلید صادر می‌شود؛ اما معجزه از نفس‌های پاک و عزیزی که به الله صلی الله علیه و آله بسیار نزدیک اند.

۲. در معجزه تحدی و چالش وجود دارد، ولی در سحر چالشی در کار نیست.

۳. سحر با انجام اعمال ناروا و با استمداد از شیاطین صورت می‌گیرد؛ اما معجزه تنها به کمک و خواست الله صلی الله علیه و آله است.

۴. یادگیری سحر با آموزش و تمرین ممکن است؛ اما در معجزه پیامبر فقط از خداوند احقاق آن را تقاضا می‌کند.

۵. معجزه حقیقت یک چیز را تبدیل می‌سازد؛ اما سحر تنها شکل ظاهری را تغییر می‌دهد.

۶. با معجزه حقانیت پیامبر ثابت می‌شود اما سحر جز یک کار گناه نیست، که برای گمراه ساختن مردم و گسترش فساد در روی زمین انجام می‌گیرد و جز زیان هیچ فایده‌ای ندارد.

۷. سحر به شرایط، جای و وقت خاصی بستگی دارد؛ اما معجزه شرط خاص، جای و وقت معینی ندارد.

۸. معارضه و مقابله با سحر ممکن است، اما مقابله با معجزه محال می‌باشد.

**فعالیت:** در روشنی این درس بگویید که ساحر و منجم باهم چه فرقی دارند؟



۱. معجزه و سحر را تعریف کنید.

۲. فرق معجزه و سحر را واضح سازید.

۳. انواع معجزه را بیان کنید.

۴. حکم معجزه چیست؟

۵. دلایل اثبات سحر را بیان کنید.

۶. یادگیری سحر چه حکم دارد؟



شاگردان در باره سحر و معجزه و اثرهای آن، دو مقاله بنویسند.

## کرامت و استدراج

### ۱. کرامت

#### تعریف کرامت

کرامت در لغت به عزت و گرمی داشتن گفته می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ [الإسراء: ۷۰]

ترجمه: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم»  
و در اصطلاح عبارت از کاری است که از ولی صادر می‌شود.

#### شرح تعریف

اگر یک کار عادتاً ناممکن از شخصی صادر شود که عقیده و عملش مطابق اسلام باشد، کرامت گفته می‌شود؛ اما اگر عقیده و عمل شخص مطابق اسلام نباشد. کارخارق العاده او استدراج است، نه کرامت.

#### دلیل اثبات کرامت

کرامت اولیا با دلایل زیادی ثابت است، طوری که الله جل جلاله در بارهٔ مریم علیها السلام می‌فرماید: ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ [آل عمران: ۳۷]

ترجمه: «هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت [می‌گفت ای مریم این از کجا برای تو] آمده است او در پاسخ می‌گفت این از جانب خداست»  
و نیز داستان اصحاب کهف که در قرآن ذکر شده است، نیز نوعی از کرامت است.  
در دوران صحابه از صحابیان متعدد کرامات گوناگونی ظاهر شده است که تفصیل آن در کتب حدیث و تاریخ وجود دارد.

#### فعالیت

شاگردان داستان اصحاب کهف را قسماً به نوبت بیان کنند.



## حکم کرامت

کرامت اولیا برای تأیید و کمک آنها و برتری دین ثابت و حق است، اما کرامت در اختیار ولی نیست. پس ضروری نیست که از هر ولی کرامت صادر شود؛ چون کرامت به اراده و خواست خدا بسته‌گی دارد، و با کرامت کدام حکم جدید دینی ثابت نمی‌شود.

## ۲. استدراج

### تعریف استدراج

استدراج در لغت به معنای بالارفتن گام به گام است.

و در اصطلاح به کار خارق العاده‌یی گفته می‌شود که از اشخاص کافر یا فاسق صادر می‌شود.

### شرح تعریف

هرگاه کاری از یک کافر، فاسق، کاهن، نجومی، ساحر و یا نیرنگ باز صادر گردد، به آن استدراج گفته می‌شود.

هر اندازه که سرکشی این افراد زیاد شود، خداوند به همان اندازه نعمت‌های خود را بر آنان گسترده‌تر می‌سازد تا قدم به قدم به هلاکت نزدیک شوند و حجت خدا بر آنان قایم گردد. خداوند

متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۲]

ترجمه: «و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج ایشان را خواهیم گرفت»

**فعالیت:** شاگردان در بارهٔ فرق کرامت و استدراج باهم بحث کنند.



۱. ولی به چه کسی گفته می‌شود؟

۲. دلیل اثبات کرامت را بگویید.

۳. خداوند به چه مقصدی از ولی کرامت ثابت می‌کند؟

۴. استدراج را تعریف کنید.

## قضا و قدر

یکی از ارکان ایمان، عقیده به قضا و قدر است. ایمان داشتن به قضا و قدر موضوعی است که تأثیر آن در عقیده، سلوک، کردار و در زنده‌گانی مسلمانان در کلیه حالات خوب و بد نمایانگر می‌باشد.

### تعریف قضا و قدر

أ. قضا: قضا در زبان عربی فیصله کردن، پیدا کردن و حتمی بودن را گویند.  
 ب. قدر: قدر در زبان عربی، حکم، فیصله و اندازه را گویند.  
 و در اصطلاح، قضا و قدر عبارت از آن تقدیر و اندازه است که الله تعالی بر اساس علم شامل و حکمت خود در کاینات تعیین نموده است.

### شرح تعریف

الفاظ قضا و قدر در زبان عربی به مفاهیم متعددی استعمال می‌شود، مگر در علم عقاید هر دو الفاظ مترادف می‌باشد که از آن‌ها یک مقصد تعبیر می‌گردد و آن علم کامله الله تعالی در رابطه به مخلوقاتش می‌باشد.

جهت فهم درست موضوع قضا و قدر شناخت نکات آتی که ارکان قضا شمرده می‌شوند ضروریست:

۱. **علم ازلی الله تعالی:** به این ایمان داشتن به این که الله تعالی به هر چیز به طور اجمالی و تفصیلی و به تمام حالات گذشته و آینده، عالم و داناست، همان گونه که به افعال خود علم کامل دارد به کردار و عملکردهای بنده‌گان خود نیز علم همه جانبه و فراگیر دارد. هم‌چنان به حوادث و تغییرات و تحولات گذشته و آنچه در آینده صورت می‌گیرد، طوری علم دارد که هیچ پدیده‌یی از علم او تعالی ناپدید نیست.

الله جل جلاله میفرماید: ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا

أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [السبا: ۳]

ترجمه: آن (الله ﷻ) به همه پوشیده‌ها و پنهان‌ها علم دارد، از او به اندازه یک ذره نه در آسمان‌ها پنهان می‌ماند و نه در زمین، نه از اندازه ذره خورد تر و نه بزرگ‌تر، مگر آن که هر چیزی در یک دفتر آشکارا درج است.

الله تعالی، پیش از آفرینش مخلوقات به این علم کامل داشت که مخلوقات را چگونه و چی وقت بیافریند و هم در مورد ارزاق، اعمال، حرکات و میعاد اجل‌های مقرر شده شان به صورت همه گیر عالم بود، هست و می‌باشد.

۲. **همه چیز، در لوح محفوظ:** به این هم ایمان داشتن فرض است که الله تعالی هر آنچه را که در رابطه به مخلوقات است در لوح محفوظ نوشته است، و تمام مقدرات مخلوقات را که برای شان اتفاق می‌افتد و یا آن‌ها انجام می‌دهند نوشته است.

الله تعالی در این باره فرموده اند: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿۵۳﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ﴾ [القمر: ۵۲، ۵۳] ترجمه: و هر چه ایشان می‌کنند نوشته شده در لوح محفوظ، و هر سخن کوچک و کلان نوشته شده است. پیغمبر ﷺ فرموده اند: «كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ...»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: الله تعالی تقدیر مخلوقات از پیدایش آسمانها و زمین پنجاه هزار سال قبل نوشته کرده است.

۳. **مشیت و رضای الله تعالی:** به این ایمان داشتن فرض است که هیچ چیز بدون رضا، اراده و مشیت الله تعالی از عدم به وجود نمی‌آید، پس چیزی را که الله جل جلاله بخواهد آن می‌شود، و چیزی را که نخواهد، نمی‌شود.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾ [القصص: ۶۸] ترجمه: پروردگارت می‌آفریند هر چی را بخواهد و می‌گزیند هر کی را خواهد. همچنین در آیت دیگری فرموده اند: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۹] ترجمه: و به خواست شما هیچ کاری نمی‌شود تا آنکه الله رب العلمین نخواهد.

۴. **پیدا کردن الله تعالی هر چیز را:** به جز ذات و صفات الله تعالی هر چیز دیگر مخلوق بوده و الله تعالی خالق آن‌ها است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [الرعد: ۱۶]. ترجمه: الله تعالی خالق و آفریننده ی همه چیز است.

خالق همه افعال و کردارهای انسان، الله تعالی است و بنده کاسب آن است. خالق خیر و شر الله تعالی است. الله تعالی در کارهای خیر و انجام دادن آن خوش می‌شود، و با کاسب خیر امداد می‌کند، و او را دوست می‌دارد، بر عکس شر را نمی‌پسندد، انسان‌ها را از کارهای شر منع نموده و با کسانی که کارهای شر را انجام می‌دهند، کمک نمی‌کند و نه آنان را، دوست می‌دارد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم

۵- با وجود این که هیچ چیز بدون اراده الله ﷻ بوجود نمی آید و هر چیز متعلق به اراده الله ﷻ است با آنهم برای انسان‌ها اختیار داده شده که هر که کار خوب انجام دهد به اختیار و اراده خود انجام می‌دهد و هر که کار ناشایسته و بد نماید، به اراده و اختیار خویش می‌کند. خداوند متعال از قدیم به کنش کار خوب و بد عالم است و این علم خداوندی کدام اجباری در انجام کار خوب و بد اشخاص، ندارد؛ بلکه ایشان کارها را به خوشی و رضای خود انجام می‌دهند که مستحقین جنت بنا بر انجام کار خوب به رحمت خداوند وارد جنت، و دوزخیان بنا بر اعمال بدشان وارد دوزخ می‌گردند، در این مورد خداوند ﷻ چنین فرموده است: ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ [الکهف: ۲۹].

ترجمه: هر که بخواهد ایمان می‌آورد و هر که بخواهد و اراده کند کافر می‌شود و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا﴾ [الفصلت: ۴۶].  
ترجمه: هر که اعمال نیک انجام می‌دهد برای خود انجام می‌دهد و هر که بد کند، بدی آن هم به خودش باز گشتنی است.

همینطور در دیگر آیات قرآن کریم می‌آید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ [الشمس: ۹، ۱۰].

ترجمه: به یقین کامیاب است کسی که تزکیه نفس نمود؛ یعنی نفس خود را پاک کرد و بی‌تردید در خساره است کسی که نفس خود را به گناهان آغشته کرد.

### فعالیت:

اگر میان اراده خداوند و اراده بنده تضاد واقع شود، اراده کدام یکی مقدم می‌گردد؟ در این مورد شاگردان به کمک استاد محترم مضمون بحث و مناقشه نمایند.

### دلیل اثبات قضا و قدر

قضا و قدر توسط آیات و احادیث زیادی ثابت گردیده است:

الله جل جلاله فرموده اند: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹] ترجمه: ما هر چیزی را به اندازه معین پیدا کردیم.

در آیت دیگر می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ [الفرقان: ۲] ترجمه: و (الله) آن ذاتی است که تمام اشیا را آفریده و به آن‌ها اندازه معین مقرر کرده است.

در حدیث شریف آمده: «وَتُؤْمِنُ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: پیغمبر صلی الله علیه وسلم به جبرئیل علیه السلام گفتند: و این که تو ایمان داشته باشی به تقدیر خیر و شر.

در حدیث دیگر آمده: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ»<sup>(۲)</sup>

هیچ گاه بنده ایمان دار نمی‌شود تا آنکه به تقدیر خیر و شر ایمان نداشته باشد و بداند آنچه برایش رسیده است، از وی خطا شدنی نبود و آنچه به وی نرسیده، برایش رسیدنی نبود.

## حکم ایمان داشتن به قضا و قدر

ایمان داشتن به قضا و قدر فرض است.



۱. قضا و قدر را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات قضا و قدر را بیان نمایید.
۳. حکم ایمان به قضا و قدر را واضح سازید.
۴. کسیکه از قضا و قدر منکر گردد، چی حکم دارد؟



شاگردان در باره تأثیرات روانی و اجتماعی قضا و قدر یک مقاله بنویسند.

۱ - صحیح مسلم - (۱ / ۲۸)

۲ - رواه الترمذی

## برزخ

مردم بعد از وفات با دو مرحله از زنده‌گی رو برو می‌گردند، یکی پس از مرگ تا روز قیامت که این مرحله را، زنده‌گی برزخ می‌گویند و مرحله دیگر پس از قیامت که زنده‌گی طولانی و ابدی آغاز می‌شود.

### ۱. تعریف برزخ

برزخ در لغت پرده و حایل را می‌گویند، و در اصطلاح علم عقاید مرحله میان زنده‌گی دنیوی و اخروی (بعد از مرگ تا دو باره زنده شدن) این مرحله برزخ گفته می‌شود.

### شرح تعریف

از احادیث نبوی ﷺ معلوم می‌شود که: انسان زمانی که از این جهان چشم فرو می‌پوشد، اگر مؤمن و نیکو کار باشد، در قبر حالات خوشی را احساس می‌کند و با نعمت‌های گوناگون نوازش داده می‌شود، و اگر بد کار و کافر باشد، احساس غم و حسرت می‌کند و در قبر به عذاب‌های گوناگون مبتلا شده، مجازات می‌گردد که این حالات قبر را برزخ می‌گویند.

**فعالیت:** شاگردان ارتباط میان تعریف لغوی و اصطلاحی برزخ را بیان نمایند.

### دلایل اثبات برزخ

مرحله برزخ به آیات متبرکه قرآن کریم و احادیث نبی کریم ﷺ ثابت گردیده است. الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَمَنْ وَّرَانِهِمْ بَرَزَخُ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾** [المؤمنون: ۱۰۰] ترجمه: و در ورای ایشان پرده برزخ (قبر) است که آنان را نمی‌گذارد، به دنیا برگردند تا آن روزی که آنان در قیامت برانگیخته می‌شوند.

### ۲. نکیر و منکر

### تعریف نکیر و منکر

نکیر و منکر دو فرشته اند، الله ﷻ جهت پرسش از مرده‌گان در قبر، آن‌ها را موظف نموده است.

## مورد سؤال قرار گرفتن مرده‌گان در قبر

وقتی که مرده در قبر دفن می‌شود و مردم از نزدش برمی‌گردند، دو ملک به نام‌های نکیر و منکر نزد مرده می‌آیند (مرده مکلف به امر الله تعالی دوباره زنده می‌شود، و عقل و فهمش دو باره بر میگردد) و از او در مورد رب، دین و نبی می‌پرسند، اگر مرده جواب صحیح این سؤالها را داد و کامیاب گردید، از طرف الله تعالی برایش نعمتها داده می‌شود و مرحله‌های بعدی بر وی آسان می‌شود و اگر ناکام شده عذاب داده می‌شود و مرحله‌های بعدی نیز بر وی سخت تمام می‌شود.

## دلیل اثبات مورد سؤال قرار گرفتن مرده در قبر

پرسش نکیر و منکر در قبر از مرده در قرآن کریم و به احادیث نبی کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثابت گردیده است. **قرآن کریم:** الله تعالی در این مورد فرموده است: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷] ترجمه: الله تعالی مؤمنان را در زنده‌گی دنیا و آخرت به سخن استوار ثابت قدم می‌نماید. و نبی کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان نموده که در این آیت مراد از آخرت قبر است، زیرا قبر اولین منزل از منازل آخرت است.

**حدیث شریف:** حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: «إِذَا أَقْبِرَ الْمَيِّتَ أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَرْزَقَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَالْآخَرُ النَّكِيرُ فَيَقُولَانِ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ فَيَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَيَقُولَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ هَذَا ثُمَّ يَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ ثُمَّ يَنْوَرُ لَهُ فِيهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ تَمَّ فَيَقُولُ أَرْجِعْ إِلَى أَهْلِي فَأَخْبِرْهُمْ فَيَقُولَانِ تَمَّ كَنُومَةَ الْعُرُوسِ الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قُلْتُ مِثْلَهُ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ التَّمِيمِ عَلَيْهِ فَتَلْتَمِ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ فِيهَا أَضْلَاعُهُ فَلَا يَزَالُ فِيهَا مُعَدَّبًا حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: هنگامی که

مرده در قبر نهاده شود، دو ملک نزدش می‌آید که چهره‌های سیاه و چشمان سبز دارند، یکی آن را نکیر و به دیگرش منکر گفته می‌شود. آن‌ها می‌پرسند تو در باره این شخص (محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) چی می‌گویی؟ او در جواب می‌گوید، این شخص بنده الله تعالی و رسول اوست. من گواهی می‌دهم که به

جز از الله تعالى ديگر معبود بر حق نيست و شهادت مي‌دهم که محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست. فرشته‌ها مي‌گويند ما مي‌فهميديم که تو همين طور مي‌گويي. بعد از آن قبرش هفتاد در هفتاد گز فراخ و روشن مي‌گردد سپس براي مي‌گويند بخواب او مي‌گويد من به خانواده خود مي‌روم تا از حال خود به آن‌ها مژده بدهم.

فرشته‌ها براي مي‌گويند: تو مانند آن عروس بخواب که او را غير از عزيز ترين کس خانواده اش کس ديگري از خواب بيدار نمي‌کند (حال اين مرده همين طور مي‌باشد) تا آن وقتی که الله تعالى او را از اين آرامگاهش بر خيزاند، اگر اين مرده منافق باشد پس در جواب مي‌گويد که از مردم شنیده بودم که آنان مي‌گفتند، من هم مانند شان گفتم، نمي‌دانم کی است، فرشته‌ها براي مي‌گويند، ما مي‌دانستيم که تو، همينطور مي‌گويي. سپس به زمين گفته مي‌شود که از دو طرف يکجا شده و او را بفشارد، پس زمين بروي تنگ مي‌شود و فشار مي‌آورد که استخوان قبرغه هائيش يکي در ديگر فرو مي‌رود، در اين عذاب تا زماني مبتلا مي‌باشد که الله تعالى او را از اين محل بر انگيزاند.

### ۳. نعمت‌ها و عذاب قبر

#### شناخت قبر

با وصف آن که قبر در اصطلاح عام به آن نقطه از زمين گفته مي‌شود که مرده در آن دفن شده باشد، مگر در قسمت اثبات نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر جاگاه مرده، پس از مرگ مراد مي‌باشد، خواه آن قبر حقيقي باشد يا جای ديگر مانند کسی که در آب غرق شده باشد و يا آب او را برده باشد و يا کسی را پس از مرگ درنده خورده باشد و يا کسی او را سوختانده باشد و مانند اين‌ها ... الله تعالى مي‌فرمايد: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: ۷] ترجمه: و الله تعالى بر مي‌انگيزد کسانی را که در قبرها اند.

در اين آيت از قبرها، عموم آن مراد است، به اين مفهوم که الله تعالى مرده‌ها را بر مي‌انگيزاند چه در زمين دفن باشند و يا سوخته باشند و يا درنده گان آن‌ها را خورده باشند.



## دلایل اثبات نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر

نعمت‌های قبر در آیات مبارکه قرآن کریم و به احادیث متبرکه رسول کریم ﷺ ثابت گردیده است.

۱. الله تعالی در قرآن کریم در رابطه به نعمت‌های مقرر در قبر می‌فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ

آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [إبراهيم: ۲۷] ترجمه: الله تعالی مؤمنان را در

زنده‌گی دنیا و در آخرت به سخن ثابت محکم و ثابت قدم می‌دارد.

۲. رسول ﷺ در باره قبر فرموده اند: «إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: بدون شک، قبر یا باغچه‌یی از باغچه‌های جنت و یا حفره‌یی از حفره‌های دوزخ است.

۳. نبی اکرم ﷺ از کنار دو قبری می‌گذشتند، پس فرمودند: «إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ»<sup>(۲)</sup> ترجمه: این دو

(مرده) در عذاب هستند از ناحیه کدام گناه بزرگ معذب نیستند (که خود داری از آن کار مشکل باشد) یکی آن‌ها از پیشاب (قطرات آن) اجتناب نمی‌کرد و دیگری سخن چینی می‌کرد.

## ایمان داشتن به سؤال نکیر و منکر و به نعمت‌ها و عذاب در قبر

ایمان داشتن به برزخ و به تمام آن کوائفی که در عالم برزخ به وقوع می‌پیوندد و نبی کریم ﷺ ما را از آن با خبر کرده اند، مانند: سؤال نکیر و منکر، نعمت‌ها و عذاب قبر، فرض است.

۱ - رواه الترمذی.

۲ - صحیح البخاری (۱ / ۲۲۹).

## سؤالها ؟؟

۱. برزخ را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات برزخ را بگویید.
۳. نام های فرشته‌گان سؤال کننده در قبر چیست؟
۴. فرشته‌گان در قبر از مرده کدام چیزها را می‌پرسند؟
۵. در باره سؤال قبر یک دلیل نقلی بیان نمایید.
۶. قبر را تعریف کنید.
۷. در باره نعمت‌های قبر یک دلیل نقلی ارائه کنید.
۸. در باره عذاب قبر یک دلیل نقلی بیاورید.

## کارخانه‌گی

شاگردان در باره حالات برزخ یک مقاله بنویسند که از هشت سطر کم نباشد.

## بعث و حشر

همه مسلمانان ایمان جازم و راسخ دارند، که حالات غیبی که الله تعالی در قرآن کریم و پیامبر ﷺ در احادیث ارشاد فرموده اند حق است. مانند بعث، حشر، پیمایش اعمال، بهشت، دوزخ و امثال آن.

### ۱. بعث

تعریف بعث: بعث در لغت فرستادن، برانگیختن و زنده کردن را گویند. و در شریعت اعاده کردن دو باره ارواح به اجساد و برانگیختن انسان‌ها از قبرهای شان بعث گفته می‌شود.

### شرح تعریف

بعث، نشور، نشأت ثانیه و معاد، الفاظ مترادف اند و در قرآن کریم برای یک حالت ذکر شده اند و آن زنده شدن پس از مرگ می‌باشد؛ به این معنی که مرده‌گان به امر الله ﷻ از قبرهای خود بر می‌خیزند، بگونه‌یی که ارواح دو باره به قالب‌های شان جمع می‌شوند و از این حالت در قرآن کریم واحادیث شریف گاهی به لفظ بعث، گاهی به تعبیر نشر یا نشور و باری هم به نشأت ثانیه (زنده‌گی بار دوم) استعمال گردیده است.

### دلیل اثبات بعث:

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۶]] ترجمه: پس از آن هر آینه شما در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

در آیت دیگری الله تعالی فرموده است: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: ۷] ترجمه: «و بدون تردید الله ﷻ کسانی را که در قبرها اند، بر می‌انگیزاند».

### ایمان داشتن به بعث

ایمان به بعث، رکن اساسی ایمان است؛ بنابراین ایمان به زنده شدن پس از مرگ فرض است و کسی که از بعث انکار ورزد کافر می‌گردد.

### ۲. حشر (رستاخیز)

تعریف حشر: حشر عبارت از تجمع انسان‌ها است، جهت فیصله و حساب در روز قیامت.

## شرح تعریف

در روز قیامت جمع کردن انسان‌ها در موقف و میدان محشر، حشر گفته می‌شود. تمام انسان‌ها به منظور آن در میدان محشر جمع می‌شوند تا آن که اعمال و کردار آن‌ها که در دنیا انجام داده‌اند محاسبه گردد، نیکی نیکوکاران و بدی بدکاران، شناسایی گردیده و نامه اعمال شان یا به دست راست و یا به دست چپ شان داده شود. در بین آنان این فیصله تحقق می‌یابد که چه کسی مستحق جنت و کی مستوجب دوزخ است و آن روز را حشر بزرگ نیز می‌گویند.

## دلیل اثبات حشر

حشر در روز قیامت به دلایل زیادی ثابت است. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [البقرة: ۲۰۳] ترجمه: و نیک بدانید، بدون شک شما به حضور الله تعالی جمع کرده می‌شوید. در آیت مبارکه دیگر می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۹] ترجمه: و الله ﷻ آن ذاتی است که شما را در زمین پراکنده بیافرید و باز به سوی او جمع کرده می‌شوید.

رسول الله ﷺ در یک حدیث مبارک فرموده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ مُحْشَرُونَ إِلَى اللَّهِ حُفَاءَ عُرَاءٍ غُرْلًا»<sup>(۱)</sup> ترجمه: ای مردم، به تحقیق شما در حالی که پاهای تان برهنه و بدن تان برهنه و ختنه نشده می‌باشید به پیشگاه الله تعالی حشر می‌شوید.

## کی‌ها حشر می‌گردند؟

حشر از انسان‌ها، جنیات و از تمام آفریده زنده صورت می‌گیرد. هر گاه حیوانات اهلی و حیوان‌های وحشی یکی از دیگر انتقام گرفتند آن‌ها دو باره می‌میرند و خاک می‌شوند و تنها انسان‌ها در محشر می‌مانند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التکویر: ۵] ترجمه: (و یاد کن آن روز را) وقتی که حیوانات وحشی جمع کرده شود.

در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۸] ترجمه: و نیست هیچ جنبنده در زمین و نه هیچ پرنده که می‌پرد به دنبال خود، مگر هر یک از ایشان جماعت‌ها اند، مانند شما فرو نگذاریم در نوشتن هیچ چیزی را؛ باز بسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد.

**حدیث:** از حضرت ابو ذر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله دو گوسفند را دیدند که یکدیگر را با شاخ های خود می زدند، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابو ذر، تو می دانی که این ها چرا یکدیگر را با شاخ می زنند من گفتم نمی دانم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مگر الله جل جلاله می داند که چرا، این ها یکدیگر را با شاخ می زنند و نزدیک است که در بین شان فیصله کند. <sup>(۱)</sup> (که همانا روز محشر است) در حدیث دیگر در حق کسی که زکات حیوانات خود را نمی دهد، آمده است:

شتران، مالکان خود را زیر پاهای خود لگدکوب می کنند و بزها، مالکان خود را با پاها و شاخ ها می زنند. <sup>(۲)</sup> در روایت دیگری آمده است: وقتی که الله تعالی حیوان های وحشی را جمع کرد و آن ها یکی از دیگری انتقام خود را گرفتند، الله تعالی به آن ها می گوید: خاک شوید، آن ها خاک می شوند، در این وقت کافر نیز آرزو می کند که ای کاش من نیز خاک می شدم. <sup>(۳)</sup>

## سؤالها ؟؟

۱. بعث را تعریف نمایید.
۲. حشر را تعریف کنید.
۳. دلایل اثبات بعث و حشر را بیان نمایید.
۴. بعث و حشر با هم چی تفاوت دارند؟ واضح سازید.
۵. الله تعالی در روز قیامت کدام آفریده ها را حشر می کند؟

## کارخانه گی

با استناد به آیات قرآنی حوادثی را که در قیامت رخ می دهد، در چند سطر بنویسید.

۱ - مسند احمد بن حنبل

۲ - متفق علیه

۳ - تفسیر بحر العلوم د ابو اللیث السمرقندی. کتاب ۱ / ۴۶۷ تفسیر طبری، تیسیر الاعتقاد شرح لمعة الاعتقاد ۱ / ۴۲۱

## شفاعت حضرت محمد ﷺ

آیا می‌دانید که شفاعت چی را می‌گویند؟ و شفاعت چند نوع است؟ و پیامبر اکرم ﷺ چی وقت و در حق کی شفاعت می‌کند؟  
جهت فهم مطالب یاد شده درس زیر را می‌خوانیم:

### تعریف شفاعت

شفاعت در لغت خواستن نیکی و بخشش برای کسی را گویند. در اصطلاح علم عقاید: التماس به بارگاه الله تعالی است، در روز قیامت تا از جرم و گناه کسی بگذرد و او را مورد عفو قرار بدهد. در این درس هدف از شفاعت، شفاعت پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ است که در روز قیامت در حق همه مردم و امم سابقه به طور عموم، و در حق امت خود به صورت خاص به پیشگاه ذات کبریایی - جل مجده - التماس مغفرت می‌نمایند و الله تعالی از روی لطف و مهربانی خود و به طفیل و صباه اعزاز آن حضرت ﷺ درخواست پیامبر محبوب ما را قبول می‌فرماید.

### دلیل اثبات شفاعت

شفاعت رسول اکرم ﷺ به قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع امت، ثابت شده است. الله تعالی می‌فرماید: **﴿عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾** [الإسراء: ۷۹] ترجمه: زود است که ترا پروردگارت به مقام ستوده شده برساند.

حضرت عبد الله بن مسعود، حذیفه بن الیمان، عبد الله بن عمر، سلمان فارسی و جابر بن عبد الله - رضی الله تعالی عنهم - می‌فرمایند که از (مقام محمود) شفاعت کبرای رسول اکرم ﷺ مراد است.<sup>(۱)</sup> در مورد شفاعت پیامبر گرامی اسلام آن قدر احادیث وارد گردیده است که به حد تواتر می‌رسد. طوری که آن حضرت ﷺ می‌فرماید: **«أَنَا سَيِّدٌ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ»**<sup>(۱)</sup> ترجمه: من در روز قیامت سردار اولاد آدم ﷺ هستم، و من اولین کسی

۱ - تفسیر زاد المسیر للامام ابن الجوزی رح - (۵ / ۷۶) و تفسیر النکت والعیون للامام الماوردی البصری (۳ / ۲۶۵)

می‌باشم که از قبر بر می‌خیزم و من نخستین کسی هستم که شفاعت خواهی می‌کنم و اولین کسی می‌باشم که شفاعتم مقبول حق واقع می‌گردد.

## اقسام شفاعت پیامبر اسلام ﷺ

الله تعالی به حضرت محمد ﷺ دو نوع شفاعت را اعطا فرموده اند:

### ۱. شفاعت کبرا

هنگامی که تمام انسان‌ها در صحرای محشر جهت حساب اعمال شان جمع می‌شوند و به این انتظار می‌باشند که چی وقت الله تعالی با آن‌ها محاسبه اعمال شان را شروع می‌کند. از شدت ترس و هراس با غم و اندوه بزرگ مواجه می‌باشند تا آن‌که انتظار شان تا چهل سال به حال تعلیق می‌افتد مردم در صدد آن می‌شوند تا کسی را دریابند که به حضور رب العزت در حق ایشان شفاعت کند؛ پس از سعی و تلاش زیاد، انسان‌ها به حضور رسول الله ﷺ می‌آیند و از آن حضرت ﷺ می‌خواهند که از الله تعالی بخواهد که با اهل محشر محاسبه را شروع فرماید. سپس رسول کریم ﷺ به پیشگاه رب العزت به سجده می‌رود و به الله تعالی تضرع می‌کند که الله تعالی برایش می‌فرماید: ای محمد! سر خود را بلند کن، هر چه می‌خواهی، برایت داده می‌شود و شفاعتت قبول می‌شود. پیغمبر ﷺ از الله تعالی درخواست حساب را با مردم مسئلت می‌کند و الله تعالی قبول می‌کند.

**فعالیت:** آیا امت‌ها از پیامبران دیگر نیز درخواست شفاعت می‌کنند؟ در این باره آنچه شنیده اید، بیان نمایید.

## ۲. شفاعت صغرا

هدف از شفاعت صغری سفارش خواهی پیامبر ﷺ است که برای مردم به صورت جداگانه می‌نمایند، که برخی از آن‌ها قرار ذیل اند:

۱. شفاعت در حق کافه مؤمنان برای رفتن به جنت.
۲. شفاعت در حق کسی که نیکی و بدی اش با هم برابر باشد تا به جنت داخل شود.
۳. شفاعت در حق افراد گنهکار از امت پیامبر ﷺ تا الله تعالی گناهان شان را مورد عفو و آمرزش قرار دهد و آنان را از دوزخ کشیده و به جنت داخل کند.
۴. شفاعت آن حضرت ﷺ در حق نیکو کاران به منظور ارتقای درجات و مراتب ایشان.
۵. شفاعت رسول اکرم ﷺ در حق بعضی از افراد که بدون محاسبه داخل جنت شوند.
۶. شفاعت برای کسانی که سزاوار عذاب هستند، جهت تخفیف عذاب.<sup>(۱)</sup>

### شرط‌های شفاعت رسول الله ﷺ

جهت تحقق شفاعت رسول اکرم ﷺ موجودیت سه شرط ضروری و لازمیست:

۱. روز قیامت: پیامبر ﷺ در روز قیامت شفاعت می‌کند و کسی که در امور دنیا خواهان شفاعت آن حضرت ﷺ باشد، بی مورد و خطاست.
۲. اجازه الله تعالی: اجازه الله تعالی برای شفاعت کردن ضروری است. طوری که الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵] ترجمه: آن کیست که در حضور او بدون اجازه سفارش خواهی کند؟ در آیت دیگری الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ [السيا: ۲۳] ترجمه: و در حضور الله تعالی هیچ سفارش برای کسی مفید تمام نمی‌شود، مگر که الله تعالی برای کسی اجازه سفارش، یعنی شفاعت را بدهد.

۱ - شرح العقيدة الطحاوية - (۱ / ۲۰۳)



۳. رضامندی الله تعالى از آن کسی که در موردش شفاعت جداگانه صورت می‌گیرد، در صورتی که الله تعالى از کسی همیشه ناراض باشد، آن شخص مورد سفارش ویژه آن حضرت ﷺ قرار نمی‌گیرد.

## سؤالها ؟؟

۱. شفاعت را تعریف کنید.
۲. اقسام شفاعت رسول اکرم ﷺ را ذکر کنید.
۳. در اثر شفاعت رسول اکرم ﷺ کدام اشخاص از دوزخ رهایی می‌یابند؟
۴. شرط‌های شفاعت چند است؟ بیان نمایید.

## کارخانه‌گی

شاگردان عزیز به کتب احادیث مراجعه نموده، چگونگی شفاعت کبرای رسول اکرم ﷺ را به صورت مکمل در کتابچه‌های شان رونویس نموده و در صنف با هم بخوانند.

بخش  
حدیث



## غیبت گناه بزرگ است

عَبْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «أَتَيْدُرُونَ مَا الْغَيْبَةُ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «ذِكْرُكَ أَخْبَاكَ بِمَا يَكْرَهُ». قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَمَانَ فِي أَحَىِّ مَا أَقُولُ؟ قَالَ «إِنْ كَمَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَّهُ». (رواه مسلم)

### شناخت راوی

راوی حدیث شریف، عبدالرحمن فرزند صخر است که به ابو هریره شهرت یافته بود. حضرت ابو هریره از قبیله دوس بود و در سال هفتم هجری اسلام آورد؛ از این رو احادیث زیادی را از رسول الله ﷺ حفظ و روایت کرده است، حضرت ابو هریره رضی الله عنه در سال ۵۷ هجری جهان فانی را وداع گفته است.

### معنای کلمات

- ۱- أَتَدْرُونَ: آیا شما می‌دانید؟
- ۲- الْغَيْبَةُ: درغیاب کسی عیب او را یاد کردن.
- ۳- بِمَا يَكْرَهُ: به آنچه که آنرا بد می‌بیند.
- ۴- أَفَرَأَيْتَ: خبر بده.
- ۵- بَهْتَّهُ: به او تهمت بسته ای.

### ترجمه حدیث

از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: آیا می‌دانید، غیبت چه را گویند؟ صحابه در جواب گفتند: خداوند عز وجل و رسولش دانا تر اند. رسول الله ﷺ فرمود: غیب آنست که به برادرت چیزی را نسبت دهی که بد می‌بیند. از رسول الله ﷺ پرسیده شد: "اگر در شأن برادرم آنچه که می‌گویم وجود داشته باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "اگر آنچه را که تو می‌گویی در برادرت وجود داشته باشد او را غیبت کرده‌ای و اگر وجود نداشته باشد، به وی بهتان بسته ای.

## حکمت حدیث شریف

در این حدیث، پیامبر ﷺ امت خویش را رهنمایی کرده است تا به حفظ آبرو، عزت و وقار یکدیگر توجه جدی داشته باشند و هر مسلمان زبان خود را از بد گویی و غیبت برادر مسلمان خود، دور نگهدارد، زیرا غیبت مرضی است که در میان مردم بدبینی را به وجود می‌آورد و وحدت مسلمانان را متضرر می‌سازد. به همین اساس، پیامبر ﷺ انسان‌ها را از این عمل بد منع نموده و مسلمانان را متوجه این امر ساخته است که باید در جامعه اسلامی کسی در پی توهین و تحقیر دیگران نباشد و کاری نکند که فضای اخوت و محبت میان مسلمانان را مکرر سازد.

## فواید حدیث شریف

### ۱ - آموختن تعالیم اسلام

صحابه کرام همیشه کوشش می‌نمودند تا تعالیم دین را بیاموزند به این منظور، از پیامبر ﷺ پرسیدند تا معنای غیبت را برای شان واضح بسازد، پیامبر ﷺ معنای غیبت را برای صحابه روشن ساخته و مسلمانان را از این کار بد برحذر داشتند.

### ۲ - آگاهی یافتن در مورد کارهای زشت

بر مسلمان لازم است که معلومات خود را در باره آنچه که اسلام بدان دستور داده و یا از کردن آن منع نموده است، تکمیل نماید و از انجام اعمال زشت دوری گزیند.

۳ - معنای غیبت: در غیاب برادر مسلمان عیب او را بیان کردن؛ عیبی که بد بینند، مردم از آن اطلاع یابند.

### ۴ - غیبت عمل ناروا است

غیبت کردن مسلمان به مثابه خوردن گوشت وی است، خداوند ﷻ در سوره حجرات می‌فرماید:

﴿وَلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَيُّبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۲]

ترجمه: و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ که شما از آن کراهت دارید پس از خدا بترسید که خدا توبه پذیر دانا است.

### ۵ - مسلمانان، با یکدیگر برادر اند

مسلمان برادر مسلمان است، خداوند ﷻ در سوره حجرات می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۰]

**ترجمه:** در حقیقت مؤمنان با هم برادر اند پس میان برادران خود آشتی آورید و از خدا بترسید به این امید که مورد رحمت قرار گیرید.

مسلمانان همیشه بر اساس برادری، محبت و مروت با همدیگر رفتار نموده، در پی منفعت رساندن برای یکدیگر می‌باشند. و مسلمان واقعی کسی است که به برادر مسلمان خود کمک کند و از ضرر رساندن به او خود داری ورزد.

## ۶ - تهمت بستن به کسی گناه بزرگ است

**تهمت:** تهمت آن را گویند که به انسانی عمل زشت و یا صفت بدی نسبت داده شود که وی از آن مبرا باشد، تهمت یکی از گناهان بزرگ به شمار می‌رود، در حدیث بالا گناه تهمت از گناه غیبت بزرگ‌تر پنداشته شده است.

## بعضی از مواردی که در آن غیبت جایز است

علماء بر آنند که موارد زیر غیبت شمرده نمی‌شود:

### ۱ - شکایت مظلوم از ظالم

وقتی مظلوم از ظلم ظالم به نزد کسی شکایت می‌نماید که با مظلوم کمک کرده بتواند، این امر غیبت گفته نمی‌شود.

### ۲ - یاد نمودن بدی‌های کسی به خاطر جلوگیری از اعمال ناروا

این برای آن است تا اعمال نا مشروع از بین برود، و مردم از ارتکاب آن منع کرده شوند.

### ۳ - خواستن فتوا

در یکی از مسایل، انسان از عالم و دانشمند می‌پرسد تا آن را بفهمد؛ به طور مثال می‌گوید: فلان شخص بر من ظلم می‌کند، حق من را می‌خورد، او ظالم است، راه نجات از او را برایم نشان بده.

### ۴ - برای دریافت حقیقت در مورد شخصی، از کسی مشوره گرفتن

زمانی که کسی از دیگری در مورد یک شخص مشوره بخواهد، مشوره دهنده باید عیوبی را که به هدف مشوره ارتباط داشته باشد، اظهار نماید، تا مشوره گیرنده حقیقت را دریابد.

۵- بی دینی شخصی را به دیگران گفتن تا مسلمانان از افکار گمراه کننده و اعمال بد او با خبر شوند، و خود را از آن دور نگه دارند.

## ۶ - بیان نمودن صفتهای شخصی که به آن شهرت دارد

اگر کسی به کدام صفتی شهرت داشته باشد و به آن شناخته شود، و هدف از یاد نمودن آن صفت تحقیر او نباشد، بلکه هدف شناخت او باشد تا از دیگران فرق کرده شود، مانند: فلان شخص که لنگ است...

## سؤالها ؟؟

- ۱ - معنای غیبت را بیان کنید.
- ۲ - فرق میان غیبت و تهمت را بگویید.
- ۳ - در قرآن کریم غیبت کردن به چه تشبیه گردیده است؟
- ۴ - در کدام حالات بدی های شخصی را بیان نمودن، غیبت به شمار نمی رود؟



متن حدیث درس و ترجمه آن را در کتابچه های خود بنویسید.

## مسلمان آئینه مسلمان است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ أَحَدَكُمْ مَرَأَةٌ أَخِيهِ، فَإِنْ رَأَى بِهِ أَدَى فَلْيُمِطْهُ عَنْهُ. (رواه الترمذی)

### معنای کلمات

- ۱- مَرَأَةٌ: آئینه.
- ۲- أَدَى: عیب (کمی و کاستی).
- ۳- فَلْيُمِطْهُ عَنْهُ: بایستی آن را از آن دور کند.

### ترجمه حدیث شریف

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «هریک از شما آئینه برادر مسلمان خویش هستید، اگر کسی در برادر مسلمان خود عیبی را دید، باید آن را از وی دور نماید».

### حکمت حدیث

به طور عموم، انسان موجودی ناتوان بوده و خالی از عیب نیست. به همین اساس، پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث مسلمان‌ها را رهنمایی نموده است تا مسلمان به برادر مسلمان خود اعتماد داشته و به نصایح او گوش دهد، و این را بپذیرد که در برخی موارد ناتوان بوده و اصلاح ناتوانی‌های او به کمک دیگران صورت می‌گیرد، هم‌چنان مسؤلیت دینی مسلمان است که وقتی ضعف و عیبی را در برادر مسلمان می‌بیند، باید با اسلوب خوب برای او بازگو نماید تا جامعه اسلامی از اعمال ناشایسته دور نگه داشته شده و مردم زنده‌گی سعادت‌مند و مطمئن داشته باشند.

## فواید حدیث شریف

### ۱ - مسلمان آینه مسلمان است

مسلمان‌ها به کمک یکدیگر نیاز دارند؛ زیرا عیب‌هایی که در یک مسلمان وجود دارد و خودش آن را نمی‌داند، باید برادر مسلمان دیگری آن را اصلاح کند، مانند این که انسان، با نگاه کردن در آینه خود را اصلاح می‌کند، پس لازم است که مسلمان برای برادر مسلمان خود چیزی را بپسندد که برای خود می‌پسندد، و باز گو نمودن عیب‌های برادر مسلمان خویش را از جمله مسؤولیت‌های خود پندارد. در این حدیث برای هر مسلمان رهنمایی گردیده است که برای پذیرفتن نصایح برادر مسلمان خود آمادگی داشته باشد، هم‌چنان هر مسلمان از مسلمان دیگری بخواهد عیب او را شناسایی نماید، زیرا این عمل، کار مردمان نیک است و حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در منبر برای دوستان خویش اعلان نمود تا عیب‌های او را نشان دهند.

### ۲ - مسلمان برادر مسلمان است

هر مسلمان باید برای برادر مسلمان خویش خیر خواهی کند و بایکدیگر طوری اعتماد کامل داشته باشند که هر آنچه را برای برادر مسلمان می‌گویند، هدف آن منفعت و اصلاح او باشد نه منفعت مادی و یا رساندن ضرر به او.

### ۳ - اصلاح دیگران

مسؤولیت دینی هر مسلمان است که با حکمت و آگاهی، در اصلاح دیگران سهم بگیرد. زیرا کامیابی مسلمان به این امر بسته‌گی دارد و تنها اصلاح نفس سبب کامیابی انسان نمی‌شود تا این که مردم را به طرف دین دعوت نکند و آن‌ها را از اعمال بد منع نسازد؛ زیرا خداوند جل جلاله

می‌فرماید: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ [العصر: ۳]

ترجمه: و توصیه نمودند، یکدیگر را به حق، و توصیه کردند یکدیگر را به صبر.



#### ۴ - مسلمان مانند آئینه، پاک است

مسلمان کامل شخصیت خود را مانند آئینه پاک نگاه می‌دارد، چنان که همه‌گان به او اعتمادی داشته باشند که گویا او برای همه مردم خیر خواه است، و هیچگاه به ضرر کسی احساس خوشی نمی‌کند. در این حالت هر کس نظریه‌های او را می‌پذیرد، زیرا او در زنده‌گی عملی خود خیر خواهی اش را برای مردم عملاً نشان داده است.

#### ۵ - مسلمان عزت برادر مسلمان خود را می‌خواهد

تشبیه مسلمان به آئینه به این معنی است که مسلمان در کار اصلاحگری، مانند آئینه عمل می‌کند و هدف آن رسوا نمودن و ذلیل ساختن مردم نمی‌باشد؛ بلکه باحفظ اسرار، مردم را اصلاح می‌کند مانند این که انسان چهرهٔ خویش را در آئینه می‌بیند و متوجه عیب‌های خویش می‌شود.



۱- کلمات زیر را معنی کنید:

◀ مِرْأَةٌ :

◀ اَدَى :

◀ فَلَیْمَةٌ :

۲ - فواید حدیث رابه عبارات خویش بیان دارید.

۳ - چگونه مسلمان می‌تواند، آئینه مسلمان باشد؟ واضح سازید.



با توجه به نکات مهم درس، زیر عنوان (مسلمان آئینه مسلمان است) یک مقاله بنویسید.

## اهمیت مشورت

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ» .  
{رواه الترمذي}

### معنای کلمات

۱- الْمُسْتَشَارُ: به شخصی گفته می‌شود که از او طلب مشورت شود.

۲- مُؤْتَمَنٌ: شخصی که مورد اطمینان واقع شده باشد.

### ترجمه حدیث شریف

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است:

کسی که از او تقاضای مشورت می‌شود، مانند کسی است که امانتی نزد او گذاشته شده باشد؛ یعنی باید در ادای امانت امین باشد.

### حکمت حدیث شریف

شورا در اسلام یک اصل مهم خوانده شده است، و از مسلمان‌ها به شکل جدی خواسته شده که آن را در زنده‌گی خویش عملی کنند، و در این حدیث برای مسلمان‌ها رهنمایی شده که مشورت یک امانت است. لازم و ضروری است که مسلمان متوجه این امر بوده و به برادر مسلمان خود مشورت بدهد که در آن خیر و منفعت وی نهفته باشد. هم‌چنان وظیفه دینی هر مسلمان است که نظام شورا را عملی کند و نظریه‌های سالم را بپذیرد بدون شک، پایان و نتیجه هر کاری که در آن مشورت صورت گرفته باشد، مثبت می‌باشد.

### فواید حدیث شریف

#### ۱- اهمیت مشوره دادن

مشوره دهنده حیثیت امین را دارد که در نگهداشتن امانت سعی و کوشش جدی مینماید تا این که امانت از نزد او ضایع نگردد؛ هم‌چنان وقتی مسلمان به برادر مسلمان خود مشوره می‌دهد، باید به

شکل دقیق و درست مشورت بدهد؛ زیرا مشورت سودمند باعث خوشحالی او می‌گردد و مشورت غیر مفید باعث ناخشنودی و ضرر او می‌شود و مسلمان آنچه را که برای خود می‌پسندد به برادر مسلمان خود نیز می‌پسندد.

## ۲ - حفظ امانت

نگهداشتن امانت نشانه‌ از نشانه‌های مسلمان به شمار می‌آید و خیانت نشانه‌ از نشانه‌های نفاق محسوب می‌گردد، که مسلمان باید از آن دوری گزیند، زیرا خیانت در امانت سرکشی از احکام خداوند ﷻ است. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [سوره النساء: ۵۸]

ترجمه: خداوند به شما امر می‌کند که امانت را به اهل آن بسپارید، به همین سبب مسلمان مشورت دادن به دیگران را وظیفه خود می‌داند.

## ۳ - مشوره گرفتن صفت مسلمان است

مسلمان‌ها همیشه در مسایل و امور دنیوی با یکدیگر مشورت می‌نمایند. خداوند ﷻ در قرآن کریم مؤمنان را چنین ستوده است: ﴿وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ [الشوری: ۳۸]

ترجمه: کار آن‌ها در میان هم بر اساس شوری است.

هم‌چنان خداوند ﷻ به پیامبر خود دستور داده است که در کارها مشورت نماید. ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ در کارها با (دوستان خود) مشورت کن.

حکم این آیت متوجه تمام مسلمان‌ها می‌باشد.

از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که می‌فرماید: «رسول الله نسبت به هر کس دیگری به مشورت عمل می‌نمودند و از صحابه خویش مشوره می‌خواستند.»

## ۴ - مشوره در کارها سبب کامیابی است

مشوره کردن در کارها و زنده‌گی، از عوامل کامیابی می‌باشد، پیغمبر ﷺ در این مورد فرموده اند: «مَا حَابَ مِنْ اسْتِخَارَ، وَلَا نِدَمَ مِنْ اسْتِشَارَ، وَلَا عَالَ مِنْ اِقْتِصَادَ.»

ترجمه: هرکسی که استخاره نماید، نا امید نمی‌شود، و هر کسی که در کارها مشورت نماید، پشیمان نمی‌گردد، و هرکسی که حالت میانه روی را در زنده‌گی اختیار کند، در تنگ‌دستی نمی‌افتد.

### از کی باید مشوره گرفته شود؟

برای مشورت دادن کسی باید انتخاب گردد که عاقل، صادق و با دیانت بوده و در کاری که از او مشورت خواسته می‌شود، معلومات کافی داشته باشد.



- ۱ - مشورت در کارها چه اهمیت دارد؟
- ۲ - از کی باید مشورت گرفت؟
- ۳ - در حدیث مشورت دهنده به کی تشبیه گردیده است؟



نکات مهم درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

## کمک به مساکین

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». وَأَحْسِبُهُ قَالَ: «كَالْقَائِمِ لَا يَفْتُرُ وَكَالصَّائِمِ لَا يُفْطِرُ». {متفق عليه} .

### معنای کلمات

- ۱- السَّاعِي: کمک کننده.
- ۲- الْأَرْمَلَةُ: زن بیوه.
- ۳- كَالْقَائِمِ: مانند نماز گزار نیمه شب.
- ۴- لَا يَفْتُرُ: خسته نمی شود.
- ۵- لَا يُفْطِرُ: پی در پی روزه بگیرد به گونه ای توقف در آن رخ ندهد.

### ترجمه حدیث شریف

از حضرت ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرموده است: کمک کننده به زن بیوه و تنگ دست مانند مجاهد در راه خداوند تعالی است. راوی می گوید: گمان می کنم که رسول الله فرمودند: پاداش او مانند پاداش مسلمانی است که شب را در عبادت خداوند تعالی سپری کند و خسته نشود، و مانند پاداش روزه گیرنده بی است که هیچ گاه افطار نکند (همه عمر روزه بگیرد).

### حکمت حدیث شریف

دین مبین اسلام، دین سعادت و نیکبختی است، کامیابی دنیا و آخرت انسان به آن بسته گی دارد. اسلام تمام انسان ها را به راه راست، رهنمایی می کند، یعنی به شناخت درست پروردگار، و به همدردی و کمک با مخلوقات او. زیرا همان گونه که عبادت نمودن خداوند (ﷻ) یک امر

ضروری است، همان سان دلسوزی در حق انسان‌ها نیز ضروری می‌باشد. در حدیث فوق حضرت محمد ﷺ کمک به مردم ناتوان را برابر به عبادت‌های مهم و بزرگ قرار داده است.

**فعالیت:** شاگردان به شکل گروهی در مورد اهمیت شرعی کمک نمودن به مردم نیازمند بحث و گفت‌گو نمایند.

## فواید حدیث شریف

### ۱ - ثواب کمک به نیازمندان

از حدیث شریف بر می‌آید، کسی که از شرکت در جهاد کفایی عاجز و ناتوان باشد و بخواهد، ثواب مجاهد را کمایی کند، باید به بیوه‌ها و مردم نیازمند کمک کند بدون این‌که تکالیف جهاد را متقبل شده باشند.

### ۲ - نیکی با مردم عبادت است

حدیث گفته شده به این دلالت دارد که اجر کمک نمودن به بیوه زنان و مردم فقیر برابر اجر کسی است که همه عمرش را در عبادت سپری نموده و همیشه روزه گرفته باشد. از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «یکی از بهترین اعمال آن است که مؤمن را خوشحال نگهداری، برایش لباس بدهی، گرسنه‌گی او را پایان بدهی و نیازمندیهای او را بر آورده بسازی.»<sup>(۱)</sup>

### ۳ - کمک بامردم نیازمند کامیابی است

هر مسلمان که با مساکین و مردم نیازمند کمک می‌کند در تمام زنده‌گی خود خوشحال و کامیاب می‌باشد؛ زیرا کمک خداوند همراه آن شخص میباشد، مانند این که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هَلْ

تُنصِرُونَ وَتُرزِقُونَ إِلَّا بِضَعْفَائِكُمْ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: به شما نصرت و روزی داده نمی‌شود، مگر به سبب ضعیفان تان.

## سؤالها ؟؟

۱- کلمات زیر را معنی کنید:

السَّاعِي:

الأَرْمَلَةُ:

لَا يُفْتَرُ:

لَا يُفْطَرُ:

۲- معنای حدیث شریف را بیان کنید.

## کارخانه‌گی

در مورد کمک نمودن با مساکین یک مقاله بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

۱ - رواه البخاری

## تعلیم و تربیت دختران

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ» وَضَمَّ أَصَابِعَهُ. [رواه مسلم]

### شناخت راوی

انس پسر مالک نواسه نصر و کنیه اش ابو حمزه، از جمله انصار و از قبیله خزرج می باشد، ده سال را در خدمت رسول الله ﷺ سپری نمود، پیامبر ﷺ برایش دعا نمود تا خداوند متعال در عمر و مالش برکت افکند، در خردسالی در غزوه بدر شرکت ورزید، در نماز خواندن با رسول الله ﷺ شباهت زیاد داشت، از جمله صحابه یی بود که احادیث زیادی را از رسول الله ﷺ روایت کرده اند. بعد از وفات رسول اکرم ﷺ در جریان جهاد و فتوحات به عراق رفت و در بصره مسکن گزین شد، به عمر بالاتر از صد سالگی در بصره وفات کرد.

### معنای کلمات

- ۱ - عَالَ: تربیت کند.
- ۲ - جَارِيَتَيْنِ: دو دختر.
- ۳ - تَبْلُغَا: هر دو به بلوغ برسند.
- ۴ - ضَمَّ: نزدیک و یکجا نمود.
- ۵ - أَصَابِعَهُ: انگشتان خود را.

### ترجمه حدیث شریف

از انس پسر مالک ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرموده است: «کسی که دو دختر را پرورش دهد تا این که به مرحله بلوغ برسند، در روز قیامت من و او (پرورش دهنده) یکجا می باشیم، راوی حدیث میگوید: که پیامبر ﷺ انگشتان مبارکش را با یکدیگر نزدیک ساخت.» .



یعنی تربیت کننده دختر و پیامبر ﷺ در جنت نزدیک می‌باشند و این نزدیکی را با نزدیکی دو انگشت تشبیه کرد.

### حکمت حدیث شریف

اسلام، نه تنها زنده‌گی انسان را حفاظت می‌کند؛ بلکه حقوق تمام آفریده‌ها را نیز رعایت می‌دارد، در این حدیث، در مورد حقوق خرد سالان به مسلمانان هدایت داده شده است تا در تربیت و پرورش دختران توجه جدی کرده، تربیت دختران را نسبت به پسران اولویت بیش‌تر داده است تا آنجا که پیامبر ﷺ تربیت دختران را سبب نزدیکی خود و موجودیت آن‌ها را در خانه سبب کامیابی دانسته است؛ زیرا دختران از کودکی تا مرحله عروسی با خطر مواجه اند، اسلام به خاطر مصونیت دختران برای پدر و مادر وظیفه داده است تا مرحله ازدواج توجه جدی با دختران خویش نمایند تا این‌که مورد شکار انسان‌های بد اخلاق جامعه قرار نگیرند و در اجتماع مانند سامان آلات تجارتي استعمال نشوند.

### فواید حدیث

#### ۱ - ثواب تربیت دختران

تربیت دختران و خواهران و رفع نیازمندی‌های آن‌ها باعث می‌گردد که کمک کننده از عذاب آخرت نجات یابد، و جنتی که هر مسلمان آرزوی آنرا دارد، بدست آورد.

#### ۲ - حقوق دختران بر پدر

دختر بر پدر و خواهر بر برادر حق دارند که آن‌ها را تربیت نمایند، مسؤولیت تربیت دختر تنها منحصر به مرحله ما قبل جوانی نبوده؛ بلکه بعد از مرحله بلوغ نیز دوام دارد و این مسؤولیت، بعد از نکاح ساقط می‌شود که بعد از این مرحله مسؤولیت او بر شوهر لازم می‌گردد.

#### ۳ - نیکی با دختران

با آن که در حدیث، نام از دختران برده شده است؛ اما علماء در روشنایی روایت‌های دیگر می‌گویند که این ثواب تنها برای کسانی که به دختران نیکی می‌کنند، نبوده؛ بلکه شامل کسانی که با خواهران و عمه‌ها نیکی می‌کنند، نیز می‌شود.

#### ۴ - موجودیت دو دختر حتمی نیست

در این حدیث، دو دختر ذکر شده است، اما تربیه یک دختر هم همان اندازه ثواب دارد؛ زیرا از حضرت عایشه (رضی الله عنها) روایت است که می‌فرماید: «روزی زن تنگدستی به خانه من آمد که دو دختر هم‌ریش بود، از من طلب کمک نمود، من سه عدد خرما برایش دادم، زن دو خرما را به دو دختر اش داد و سومی را خواست، خودش بخورد، دختران از وی خواستند که آن را هم برایشان بدهد، مادر شان آن سومی را نیز دو تقسیم نموده؛ به دختران خود داد، من این قصه را به پیامبر ﷺ حکایت نمودم. پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ ابْتُلِيَ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَخْسَنَ إِلَيْهِنَّ، كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: کسی که در مورد این چنین دختران به چیزی مورد آزمون واقع شود، و به آن‌ها نیکی کند، پس این دختران برای (کمک کننده) وسیله نجات از آتش دوزخ می‌گردند.

#### ۵ - توجه اسلام به زنده‌گی زنان

در دوران جاهلیت وجود دختر و خواهر در خانه عیب پنداشته می‌شد، وقتی که در خانه بی دختری تولد می‌گردید، مردم به جای خوشحالی ماتم می‌گرفتند، قرآن کریم این واقعیت را چنین بیان می‌کند:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ [النحل: ۵۸]

ترجمه: "و هر گاه به یکی از آن‌ها مژده تولد دختر داده شود، چهره اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم دارد و خود را فرو می‌خورد"

۱ - مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ .

از برکت اسلام، این عمل ناروا و زشت از میان مردم رخت بست و مردم بر آن باور شدند که وجود زن در خانه مایهٔ سعادت است و احترام به زنان و نیکی با آنان سبب نیک‌بختی دنیا و آخرت می‌شود.

## ۶ - فهماندن دین به شکل درست

پیغمبر ﷺ برای این که مردم دین را درست بفهمند، انگشتان خویش را با هم نزدیک ساخت تا این که مسلمان‌ها در مورد تربیه دختران توجه جدی نمایند، و به این وسیله مقام داخل شدن جنت را همراه با پیامبر ﷺ کمایی نمایند.



کلمات زیر را معنی کنید:

عَالَ: <

جَارِيَتَيْنِ: <

تَبْلُغًا: <

صَمَّ: <

أَصَابِعُهُ: <

۱ - تربیت دختران چه اهمیتی دارد؟

۲ - آیا تربیت زنان مانند دختران ثواب دارد؟

۳ - زنده‌گی دختران در دوران جاهلیت چگونه بود؟



با توجه به مطالب مهم درس در مورد حقوق زن یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

## کسب روزی حلال

عَنْ مِقْدَامٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: " مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ ". [رواه البخاری]

### شناخت راوی

مقدام پسر معدیکرب و کنیه اش ابو کریمه کندی از قبیله کنده می باشد. او از یاران نزدیک رسول الله ﷺ بود، در خرد سالی از یمن به مدینه منوره آمد و در تمام غزوات. همراه با رسول الله ﷺ شرکت ورزید. بعد در شام مسکن گزین شد و در سال ۷۸ هجری به عمر ۹۱ سالگی وفات نمود.

### معنای کلمات

- ۱ - قَطُّ: هر گز، هیچ وقت، هیچگاه.
- ۲ - يَأْكُلُ: می خورد.
- ۳ - مِنْ عَمَلِ يَدِهِ: از عمل دست خود.

### ترجمه حدیث شریف

از مقدم ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرموده است: هر گز کسی روزی را بهتر از آن نخورده که از دست مزد خودش به دست آمده باشد، و پیامبر خدا، داوود علیه السلام از دست مزد خودش روزی می خورد.

### حکمت حدیث شریف

در حدیث فوق، پیامبر ﷺ بهترین بنده کسی را دانسته است که به کوشش خود روزی اش را، به طریقه حلال به دست می آورد.

حضرت پیامبر اکرم ﷺ حضرت داوود علیهما السلام را به عنوان نمونه یاد فرموده اند که خودشان کار نموده و از مزد کار خویش امرار معاش می کردند. حضرت پیامبر اکرم ﷺ شخصی را که روزی اش را به دست خود به دست می آورد، ستوده، و مسلمان ها را به کار کردن تشویق نموده است؛ زیرا بیکاری مشکل های زیادی را بار می آورد و زنده گی انسان بیکار، همیشه با مشکلات روبرو می باشد. کار

نمودن و زحمت کشیدن نشانه مردمان نیک است. به این اساس در جامعه اسلامی هر فردی در صدد پیدا نمودن کار برای خود است، تا این که صفت بهترین مردم را در خود پیدا کند و بار گران به شانه دیگران نباشد.

## فواید حدیث شریف

### ۱ - کار برای به دست آوردن روزی

در حدیث شریف روزی‌یی که در نتیجه سعی و تلاش خود انسان به دست می‌آید از بهترین روزی‌ها به شمار رفته است، زیرا این عمل، بهترین کار و سنت بنده گان نیک خداوند ﷺ می‌باشد.

### ۲ - به دست آوردن روزی عمل ستوده است

کار نمودن برای به دست آوردن روزی عیب نیست؛ بلکه صفت مردان قوی است. پیامبر ﷺ در حدیث دیگری فرموده است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَحْتَطِبَ عَلَى ظَهْرِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيَ رَجُلًا فَيَسْأَلَهُ أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ»<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** قسم به ذاتی که روح من در اختیار او است، اگر یکی از شما ریشمانی را بگیرد و به پشت خود هیزم بکشد، برایش بهتر از آن است که نزد شخصی جهت سؤال گری بیاید، چه برایش بدهد و یا ندهد.

### ۳ - حضرت داوود عليه السلام شخصیت الگو برای مسلمانان است

در حدیث شریف هدف از یاد نمودن حضرت داوود عليه السلام این است که، با وجود این که داوود عليه السلام مرد قدرتمند وقت خود بود و به کار نیاز نداشت؛ اما بهتر دانست که کار کند و از دست مزد خود روزی بخورد.

### ۴ - به دست آوردن روزی از طریق کار

آموختن کسب و حرفه صفت خوب انسان است، و بنده گان نیک خداوند ﷺ از طریق کار، روزی خویش را پیدا می‌کردند. در مستدرک از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت است: حضرت داوود عليه السلام زره می‌ساخت (لباس آهنی برای جنگ) و حضرت آدم عليه السلام به کار زراعت اشتغال داشت و حضرت زکریا عليه السلام نجار بود.

### ۵ - کار کردن منافی توکل نیست

بدون شک، مسلمان در زندگی خویش به خداوند تعالی توکل می‌کند؛ اما معنای توکل این نیست که انسان بدون فراهم نمودن اسباب، نیازهای خود را از خداوند ﷺ بخواهد. شریعت انسان را از

این عمل منع کرده است؛ زیرا پیامبران علیهم السلام معنای توکل را از هر کس دیگری بهتر می دانستند. و معنای توکل فراهم نمودن اسباب و نتایجی که از آن مرتب می شود و آن را به خداوند جل جلاله سپردن است.

## ۶- فضیلت صنعت و حرفه

در قرآن کریم یادگرفتن صنعت و حرفه ستوده شده است، خداوند جل جلاله در مورد حضرت داوود علیه السلام می فرماید: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ [الانبیاء: ۸۰] ترجمه: و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم تا شما را از [خطرات] جنگ تان حفظ کند، آیا شما سپاس گزارید؟



۱ - کلمات زیر را معنی کنید:

﴿ قَطُّ ﴾

﴿ يَأْكُلُ ﴾

﴿ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ ﴾

۲ - داوود علیه السلام چه خصوصیتی داشت؟

۳ - به دست آوردن روزی در نتیجه کار دست خویش چه اهمیت دارد؟

۴ - چند فایده حدیث فوق الذکر را بیان کنید.



حدیث درس را با ترجمه آن در کتابچه های خویش نوشته و حفظ نمایید.

## آسانی در دین

عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي بُرْدَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ مُعَاذًا وَأَبَا مُوسَى إِلَى الْيَمَنِ، قَالَ: (( يَسِّرًا وَلَا تُعَسِّرَا وَيَسِّرًا وَلَا تُنْفِرَا وَتَطَوُّعًا وَلَا تَخْتَلِفَا ))

[رواه البخاری]

### شناخت راوی

سعید از جمله تابعین میباشد و نام پدرش عامر است که به «ابو بردة» شهرت داشت. پدر کلانش ابوموسی - عبدالله بن قیس اشعری یکی از مشهورترین اصحاب کرام به شمار می‌رود. حضرت سعید رحمه الله در سنه ۱۶۸ هجری وفات کرد.

### معنای کلمات

- ۱- یَسِّرًا: آسانی کنید، آسان بگیرید.
- ۲- وَلَا تُعَسِّرَا: و سختی نکنید، سخت مگیرید.
- ۳- وَيَسِّرًا: و مزده بدهید.
- ۴- وَلَا تُنْفِرَا: و نفرت و بدینی ایجاد نکنید.
- ۵- وَتَطَوُّعًا: و در میان خود دوستی کنید و از یکدیگر اطاعت کنید.

### ترجمه حدیث شریف

حضرت سعید از پدر خود ابو بردة از طریق پدر کلان خویش روایت می‌کند که: رسول الله ﷺ معاذ و ابو موسی (رضی الله عنهما) را به عنوان نماینده خویش به یمن فرستاد و به آنها گفت: با مردم آسان گیری کنید و سخت مگیرید و به آنها مزده دهید، نفرت و بدینی به وجود نیارید، در میان خویش محبت داشته و از هم دیگر تان پیروی کنید و از اختلاف دوری گزینید.

## حکمت حدیث شریف

دین اسلام مطابق فطرت سلیم انسان آمده است. در اسلام، هیچ حکمی نیست که انجام دادن آن از توان انسان بالاتر بوده و مخالف فطرت انسان باشد؛ زیرا اساس دین اسلام بر آسانی استوار است، و هر گاه انسان از انجام دادن کاری ناتوان باشد، اسلام انجام دادن آن را از عهده او ساقط نموده است و یا در آن آسانی را به بار آورده است.

## فواید حدیث شریف

### ۱ - آسانی در دین

در اسلام سختی وجود ندارد؛ زیرا خداوند عَلَيْهِ السَّلَام بنده‌گان خود را به انجام دادن عملی مکلف ننموده که از توان آن‌ها بیرون باشد، و این در دین یک اصل است. خداوند عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: **﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾** [البقره: ۲۸۶]

**ترجمه:** ((خداوند هیچ کسی را بالا تر از حد توانستن مکلف نمی‌سازد))

هر گاه پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام میان دو کار قرار می‌گرفت در صورتی که در آن گناه نمی‌بود آسان تر آن دو را بر می‌گزید. هم‌چنان پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: **«إِنَّ الدِّينَ يَسِرُ وَلَنْ يَشَادَ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلْبَهُ..»** <sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** «بدون شک، دین اسلام دین آسانی است، و هر اندازه کسی دین را بر خود سخت گرداند همان اندازه در برابر آن مغلوب می‌شود و از ادامه آن عاجز می‌ماند.»

### ۲ - نرمی در دعوت

حدیث شریف مسلمان‌ها را رهنمایی می‌کند که با مردم به نرمی برخورد نمایند و این روش و برنامه تمام انبیا-علیهم‌السلام- بود، خداوند عَلَيْهِ السَّلَام موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَام را رهنمایی می‌کند که: **﴿أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾** [الطه: ۴۳-۴۴]

**ترجمه:** ((به نزد فرعون بروید، که او سرکشی کرده است، و به او سخن نرم بگویید، شاید که نصیحت پذیر شود و یا از عذاب بترسد)). این دستور (نرمی) باید در تمام ابعاد زنده‌گی در نظر

<sup>۱</sup> - البخاری



گرفته شود، چه آن دعوتگری باشد یا دانش آموزی، چه اصلاح‌گری باشد و یا دیگر وظایف اجتماعی.

### ۳ - دوری جستن از ایجاد تنفر

اسلام دین رحمت است، دین تنفر نیست، به همین خاطر پیامبر ﷺ برای کسانی که آنان را به کاری می‌گماشت دستور می‌داد که مردم را به طرف دین تشویق نمایند، و آن‌ها را از دین متنفر سازند. در حدیث دیگری آمده است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: « **إِنَّ اللَّهَ لُمُيْبِعِثِي مَعْتَنَا وَلَا مَتَعِنَّا، وَلَكِنْ بَعِثِي مَعْلِمًا مَيْسِرًا** »

**ترجمه:** خداوند مرا نفرستاده است که به مردم و خود سخت‌گیری کنم؛ بلکه مرا معلم و آسان‌کننده فرستاده است.

### ۴ - مژده دادن

مسلمان در زنده گی خویش همیشه توقع رحمت خداوند (ﷺ) را دارد، و از عجز و ناتوانی‌های خویش طلب عفو و مغفرت نموده، از عذاب او تعالی می‌ترسد، و از کارهای زشت، خود را نگه میدارد.

### ۵ - دوری جستن از اختلاف

حدیث بالا حکم نموده است تا از اختلاف خود داری شود؛ زیرا اختلاف دشمنی، بغض و کینه را به بار می‌آورد، شیرازه جامعه را از بین می‌برد، و نا رضایتی را سبب می‌گردد، از همین رو خداوند (ﷺ) می‌فرماید: « **وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ** » [الانفال: ۴۶] ترجمه: و با یکدیگر نزاع نکنید که در این صورت شکست می‌خورید و قوت تان را از دست می‌دهید.

### تذکر

در حدیث فوق الذکر، دوری جستن از اختلاف به این معنا است که اگر در مورد مسأله نظریه‌های مختلف وجود داشته باشد، این امر باید باعث دشمنی و تفرقه میان مسلمانان نشود. همه در اتفاق

و اتحاد زنده گی خویش را سپری نمایند، به نظریه‌های یکدیگر احترام بگذارند و در اخیر همه به یک نظر اتفاق نموده، متحد شوند.



۱ - کلمات زیر را معنی کنید:

﴿ یَسْرًا:

﴿ وَلَا تُعْصِرًا:

﴿ وَبَشْرًا:

﴿ وَتَطَاوَعًا:

۲ - آسانی در دین چه معنی دارد؟ واضح سازید.

۳ - اضرار اختلاف را بیان کنید.

۴ - چگونه می‌توان از نفرت دوری نمود؟



با استفاده از متن درس در مورد اتحاد و اتفاق یک مقاله بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

## لعنت گفتن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ. قَالَ: «إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لَعْنَاءً، وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً». {رواه مسلم}.

### معنای کلمات دشوار

- ۱ - لَعْنَاءً: بسیار لعنت گوینده. لعنت به معنای دوری از رحمت خداوند است.  
 ۲ - بُعِثْتُ: فرستاده شده ام.

### ترجمه حدیث شریف

از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: به رسول الله صلی الله علیه و آله گفته شد: ای رسول خدا، مشرکین را لعنت بگو! رسول الله صلی الله علیه و آله پاسخ داد: من لعنت کننده مبعوث نشده ام؛ بلکه رحمت مبعوث شده ام.

### حکمت حدیث شریف

در حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می کند که وظیفه او لعن گفتن نیست؛ بلکه او به حیث رحمت مبعوث گردیده و دین و رسالت او سراسر و در تمام ابعاد رحمت و خیر و نیکی برای بشریت است. نمادهای رحمت بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دین اسلام در تمام تعلیمات، احکام و ارزشهای اسلام واضح و روشن می باشد.

### فواید حدیث شریف

#### ۱ - لعنت گفتن گناه بزرگ است

بدون موجب شرعی کسی را لعنت گفتن گناه است و اسلام آن را منع کرده است، یکی از صحابه کرام در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله به باد لعنت گفت، پیامبر صلی الله علیه و آله برایش فرمود: به باد لعنت نگو؛ زیرا از جانب خداوند صلی الله علیه و آله برایش امر شده است. هر که بر کسی لعنت بی مورد گوید، و بال لعنت دوباره به گوینده (لعنت) بر می گردد. در روایت دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ ، وَلَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَوْلَادَكُمْ ، وَلَا تَدْعُوا عَلَيَّ خَدَمِكُمْ ، وَلَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَمْوَالِكُمْ ، لَا تُؤَافِقُوا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَاعَةَ نَيْلٍ ، فِيهَا عَطَاءٌ ، فَيَسْتَجِيبُ لَكُمْ»<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** برخود تان دعای بد نکنید، و بر فرزند خود دعای بد نکنید. و بر اموال خود دعای بد نکنید، نشود که شما هنگامی دعایی را بگویید لحظه‌یی باشد که خداوند تعالی دعا را قبول می‌کند و دعای شما را نیز قبول نماید.

در حدیث شریف دیگری آمده است که بر مسلمان لعنت گفتن مانند قتل مسلمان است.

## ۲ - دعای بد کردن لعنت گفته می‌شود

از حدیث فوق چنین بر می‌آید که تحقیر و دعای بد هم لعنت گفته می‌شود، مسلمان باید زبان خود را از سخنان بد نگهدارد؛ زیرا مسلمان در برابر سخنان خویش مسؤول پنداشته می‌شود به همین سبب اسلام مسلمانان را از سخنان بد، تحقیر و دشنام دادن منع نموده است. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبِدِيءِ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مسلمان به کسی تهمت نمی‌بندد، و نه لعنت می‌گوید، و نه سخنانی بی‌حیایی و تحقیر آمیز می‌گوید.

## ۳ - رسول الله ﷺ رحمت است

بدون شک آمدن رسول الله ﷺ مانند بارانی است که زمین مرده را زنده می‌کند، و زنده‌گی را زیبا می‌سازد، به همین اساس با آمدن پیامبر ﷺ قلب‌های مرده به نور اسلام زنده و پر نور شد، محبت و دوستی گسترش پیدا کرد، پرده‌های ظلم، جهل و نادانی دریده شد، با صفاتی که رسول الله ﷺ داشت مردم به اطراف او جمع شدند چنانچه خداوند می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» [آل عمران: ۱۵۹]

ترجمه: پس به سبب رحمتی که از جانب خداست، در برابر ایشان نرم دل شدی، و اگر می‌بودی تند خوی سخت دل، هر آینه پراکنده می‌شدند از اطراف تو.

## ۴ - در بعضی از جای‌ها به خاطر ارتکاب گناه لعنت گفته شده است

شریعت اسلامی کسانی را که اعمال نا شایسته را انجام می‌دهند ملعون خوانده است، و در نتیجه ارتکاب این اعمال از رحمت خداوندی دور شده‌اند که نمونه آن طور آتی بیان می‌شود:

۱ - زنی که بر مرده فریاد می‌زند و نوحه‌گری می‌کند، و سخنانی خلاف شریعت اظهار می‌دارد. در حدیث آمده است: (لعن رسول الله ﷺ النائحة والمستمعة)<sup>(۲)</sup>

۱ - سنن الرمدی

۲ - سنن ابی داود

**ترجمه:** "رسول الله ﷺ لعنت گفته به زنی که نوحه گری می کند و کسی که به نوحه گوش می دهد".

۲ - زنی که خال کوبی می کند و یا خواهش زدن خال را می نماید وزنی که ابروانش را می چیند و خواهش چیندن آن را می نماید در اثری از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده که ایشان فرموده اند:

«لَعَنَ اللَّهُ الْوَأَشْمَاتِ وَالْمُوتَشِمَاتِ وَالنَّامِصَاتِ وَالْمُتَنَبِّصَاتِ.»<sup>(۱)</sup>

### ۳ - خوردن سود

در حدیث آمده است که خورنده سود، دهنده آن، و شاهدان آن ملعون اند و از رحمت خداوند جل جلاله دور می باشند.



۱ - راوی حدیث کی است؟ معرفی نمایید.

۲ - لعنت چه را می گویند؟

۳ - به چه کسانی در نتیجه اعمال بدشان لعنت گفته شده است؟ کلمات زیر را معنی کنید:

۱ - لَعَانًا:

۲ - بُعِثْتُ:



با استفاده از حدیث درس، زیر عنوان (پیامبر صلی الله علیه و آله رحمت است) یک مقاله بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

## اعتدال در کارها

عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ، وَلَا تُبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ، فَإِنَّ الْمُنْبِتَ لَا أَرْضًا قَطَعَ، وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى.»

[رواه البيهقي]

### شناخت راوی

حضرت جابر صحابی جلیل القدر است، نام پدرش عبدالله و نام جدش عمرو بن حرام می‌باشد. نظر به خورد سالی در جنگ بدر و احد اشتراک نکرد، بعد از غزوهٔ اُحُد زنده گی خویش را وقف خدمت به رسول الله ﷺ کرد، در حضر و سفر همراه آن حضرت ﷺ می‌بود، به این خاطر احادیث زیادی را روایت نموده است. او در اخیر عمرش به شام رفت، و برای مدتی در آنجا مسکن گزین گردید، و در سال ۸۴ هجری به عمر ۹۴ سالگی از دنیا رحلت نمود و در جنت البقیع به خاک سپرده شد.

### معنای کلمات

- ۱- مَتِينٌ: بسیار سخت.
- ۲- فَأَوْغِلْ فِيهِ: داخل شو، راه درست را انتخاب کن.
- ۳- بِرَفْقٍ: به نرمی و آسانی.
- ۴- الْمُنْبِتُ: کسی که به سبب دواندن مرکب خود آنرا مانده ساخته، از رفتن بازمانده و از رفقای سفر خود جدا شده باشد.
- ۵- وَلَا تُبْغِضْ: به خود بد نگردان.
- ۶- لَا أَرْضًا قَطَعَ: نه سفر را تمام کرد.
- ۷- ظَهْرًا أَبْقَى: نه سواری را (برای خود) بجا گذاشت، به این معنی که مرکب خود را هلاک ساخت.

## ترجمه حدیث شریف

حضرت جابر بن عبد الله رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت نموده است که آن حضرت فرمود: (بدون شک این دین، دین قوی و محکم است، به آسانی داخل آن شو، عبادت خداوند تعالی را به نفس خویش کریه مگردان؛ زیرا مسافر شتابزده نه سفر خویش را به اتمام می‌رساند و نه سواری را بجا می‌گذارد. یعنی کاری می‌کند که به اثر شتابزده گی در راندن سواری هم سفرش نیمه تمام می‌ماند و هم سواری هلاک می‌شود.

## حکمت حدیث شریف

در حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به اعتدال و میانه روی در کارهای دینی و عبادت‌ها فرا می‌خواند.

و در مثالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر نموده اند، نتیجه افراط و زیاده روی در امور دینی مشخص گردیده است. مسلمانان در هر کار اعم از عبادات و معاملات باید همیشه جانب اعتدال و میانه روی را مراعات نمایند.

## فواید حدیث شریف

### ۱ - دین اسلام قوت دارد

دین اسلام احکام قوی و محکمی دارد که انسان مکلف است تا مطابق توان خویش آن را اداء نماید، و در حالات داشتن عذر شرعی برای مسلمان اجازه داده شده است که تنها به ادای فرض اکتفا کند، مانند این که نماز فرض را در سفر انجام دادن تا این که عبادت بر مسلمان سخت تمام نشود. اما اگر مسلمانی بالاتر از توان خود عبادت را بر خود لازم گرداند، طبیعی است که آن را انجام داده نتوانسته و از ادای آن عاجز می‌ماند.

### ۲ - اختیار نمودن حالت وسط در دین

امام غزالی رحمه الله علیه می‌گوید: کسی که در احکام دین از سرعت و شتابزده‌گی کار می‌گیرد، بی‌تردید ادای آن برای او سخت تمام می‌شود، مسلمان باید بعد از ادای فرایض مرحله به مرحله عبادت‌های نفلی را انجام بدهد تا این که عبادات نفلی بر او سخت تمام نشود.

### ۳ - بهترین عبادت آنست که همیشه باشد

دین اسلام مسلمانان را به این امر تشویق نموده است که عبادت کردن را عادت خود سازند، و اسلام عبادتی را که زیاد انجام داده شود؛ ولی دوامدار نباشد نه ستوده است.

اگر مسلمان عمل نیک را به شکل دوامدار اداء نماید بهتر از عمل زیادی است که منقطع باشد؛ یعنی چند روز آنرا اداء نماید سپس ترکش کند، در این مورد رسول الله ﷺ فرموده است: به اندازه توان خود اعمال نیک را انجام دهید، و بهترین عمل، عمل دایم است، اگرچند اندک باشد.

#### ۴ - اسلام دین اعتدال و میانه روی است

دین اسلام برای مسلمان حد معینی را وضع نموده است و فرایض را برایش نشان داده است تا این که بدون کدام عذری آنرا اداء نماید، بر علاوه آن راه میانه روی را نشان داده است؛ تا این که ادای امور دینی بر او سنگین نشود. پیامبر ﷺ مسلمانان را رهنمایی نموده که بهترین حالت در کارها میانه روی است؛ یعنی دور بودن از افراط و تفریط.



۱- کلمات زیر را معنی کنید:

مَتِينٌ

فَأَوْغَلَ:

بِرْفِقٍ:

الْمُنْبَتُّ:

اسلام مسلمانان را به انتخاب نمودن کدام حالت تشویق نموده است؟  
- آیا بخش عبادت در اسلام سختی است یا آسانی؟ توضیح بدهید.



شناخت راوی را همراه با ترجمه حدیث شریف در کتابچه های خویش بنویسید.



## اسباب برخورداری از سایه عرش الهی در آخرت

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ . رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ . عَنْ النَّبِيِّ . صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ . قَالَ سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِيَّيَّ أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ. [متفق عليه]

### معنای کلمات دشوار

- ۱ - سَبْعَةٌ: هفت گروه.
- ۲ - فِي ظِلِّهِ: الظل، سایه را گویند. این جا مراد از سایه خداوند ﷻ سایه عرش او است.
- ۳ - يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: مراد از این روز، روز قیامت است. (روزی که هیچ سایه‌یی جز از سایه او تعالی وجود نخواهد داشت).
- ۴ - إِمَامٌ: زمامدار.
- ۵ - شَابٌّ: جوان.
- ۶ - نَشَأَ: بزرگ شده باشد.
- ۷ - مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ: به مساجد مرتبط باشد.
- ۸ - تَحَابَّا فِي اللَّهِ: به خاطر رضای خداوند ﷻ با یکدیگر دوستی و محبت می‌نمایند.
- ۱۰ - وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ: به خاطر رضای خداوند ﷻ از یکدیگر جدا می‌شوند.
- ۱۱ - دَعَتْهُ: او را به زنا دعوت کند.
- ۱۲ - ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ: زن صاحب مقام و زیبایی و قشنگی.
- ۱۳ - فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ: از چشمهایش آب جاری شود (اشک بریزد).

## ترجمه حدیث

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هفت گروه از مردم اند که خداوند تعالی ایشان را در روزی که هیچ سایه‌یی جز سایه‌یی عرش او نیست، تحت سایه‌یی عرش خویش قرار می‌دهد: پیشوای عادل، جوانی که در عبادت خداوند جل جلاله پرورش یافته باشد، مردی که قلبش مرتبط به مساجد باشد، دو نفر که به خاطر خداوند تعالی محبت می‌کنند و بر همان اساس بهم می‌ایند و به همان اساس از همدیگر جدا می‌شوند، و مردی که زن صاحب مقام اجتماعی و زیبایی او را به زنا دعوت نماید ولی او بگوید: من از خدا می‌ترسم، و کسی که مالی را مخفیانه صدقه می‌دهد که دست چپش نمی‌داند که دست راست او چه چیزی را صدقه کرده است، و کسی که خداوند تعالی را در حال تنهایی یاد میکند و از چشمانش اشک جاری می‌شود."

## حکمت حدیث شریف

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف اوصاف کسانی را ذکر فرموده است که کارهای نیک را انجام می‌دهند. بیان فضایل هفت کسی که در این حدیث ذکر شده، برای آن است که مسلمانان بر کارهای نیکو که سبب تقرب و نزدیکی با خداوند جل جلاله می‌شود، تشویق و ترغیب شوند.

## فواید حدیث

### ۱ - فضیلت امام عادل

عدل و انصاف در شریعت اسلامی مقام خاص دارد، دین مبین اسلام تطبیق عدالت را بر هر کسی لازم دانسته است چه زمامدار باشد و یا کسانی باشند که از امور مسلمانان در کاری و بخشی سرپرستی نمایند، مانند وزراء، قضات و ... مسلمان در خانه خود هم باید از عدل کار بگیرد، مانند: عدالت بین فرزندان اعم از پسران و دختران.

باید زمامدار و مسؤول عادل بوده و سایه عدل و ترحم او بر همه یکسان باشد و تمام مردم از آن بهره مند گردند، از این سبب جایگاه و مقام زمامدار عادل بلند است.

### ۲ - بنده‌گی در ایام جوانی

دوره جوانی اهمیت به سزایی دارد، در این مرحله نیروی جسمی، ذهنی، عقلی و فکری انسان در اوج قوت و انکشاف می‌باشد، پس لازم است که جوانان، زنده‌گی شان را در عبادت خداوند جل جلاله سپری نموده، صفت بنده گان نیک و مقرب الهی را حاصل نمایند.

### ۳ - علاقه مندی زیاد به مساجد

مسجد خانهٔ خداوند ﷻ است؛ زیرا که مسجد جای عبادت فرضی، نفلی، ذکر خداوند، آموختن علم و دیگر کار های نیک است. هر کس که قلبش وابسته به مساجد باشد، در نزد خداوند ﷻ دارای مقام و جایگاه عالی بوده و خداوند ﷻ او را دوست می‌دارد؛ زیرا علاقه و دلبسته‌گی به مساجد انسان را از منکرات دور نگاه‌داشته و ارتباط انسان را با خداوند ﷻ قوی می‌سازد.

### ۴ - محبت و دوستی به خاطر خداوند ﷻ

بهترین روابط و دوستی در میان مردم آنست که بر اساس رضای خداوند ﷻ استوار باشد، و تنها اطاعت خداوند ﷻ سبب دوستی گردد، با کسی دوستی شود که در دلش ترس خداوند ﷻ نهفته باشد و با او تعالی محبت ورزد و کسانی که تنها به اساس تقوا و تقرب به خداوند ﷻ با یکدیگر نشست و برخاست می‌نمایند، خداوند ﷻ آن‌ها را دوست دارد.

### ۵ - تقوا و پرهیزگاری

جایگاه تقوا قلب است، ایمان و تقوی در بر گیرندهٔ تمام اعمال خیر و صلاح می‌باشد، چه آن اعمال ظاهری باشند یا باطنی، خداوند تعالی برای اهل تقوی پاداشی بزرگ مهیا نموده است، پس لازم است که انسان خواهشات نادرست نفسانی را زیر پا نماید تا به درجهٔ تقوی رسیده پاداش بزرگ الهی را به دست آورد.

### ۶ - صدقه دادن به شکل پنهانی

دادن صدقه و خیرات فضیلت بزرگ دارد و گناهان را می‌زداید، اجر و پاداش مسلمان‌ها را زیاد می‌سازد، و آن‌ها را از آتش دوزخ نجات می‌بخشد و باعث رضای خداوند ﷻ می‌گردد. دادن صدقه به شکل پنهان و آشکار هر دو کار خوب است، اما بهتر است که صدقه های نفلی به شکل پنهانی داده شود؛ بگونه‌یی که دست چپ نداند که دست راست چه چیزی را نفقه داده است، و اگر در صدقهٔ آشکار مصلحت شرعی نهفته باشد آشکارا دادن آن بهتر می‌باشد.

### ۷ - گریه کردن از ترس خداوند ﷻ

ذکر عبارت از تسبیح، حمد و ثنای خداوند ﷻ و بیان نمودن صفات او تعالی، و ادای سپاسگزاری و شکر او تعالی، می‌باشد. یاد خداوند ﷻ و گریستن از ترس او تعالی از نشانه‌های ایمان راستین است.

مسلمانی که چشمش در دنیا از خوف الله متعال پرنم باشد، ان شاء الله در آخرت از عذاب دوزخ نجات می‌یابد.

## سؤالا

۱- کلمات زیر را معنی کنید:

معلق فی المساجد.

تحابًا فی الله.

ففاضت عیناه.

۲- از نگاه اسلام علاقه و روابط انسانی بر کدام اساس استوار است؟

## کارخانه‌گی

مفهوم حدیث شریف درس را به تعبیر خود به شکل یک مقاله بنویسید.

## آداب نشستن در راه

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ بِالطَّرِيقَاتِ». فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَنَا مِنْ مَجَالِسِنَا بَدُّ نَتَحَدَّثُ فِيهَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا أْبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ». قَالُوا: وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ؟ قَالَ: «غَضُّ الْبَصَرِ وَكَفُّ الْأَذَى وَرَدُّ السَّلَامِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ». [رواه البخاري]

### شناخت راوی

أبو سعيد نامش سعد و نام پدرش مالک و نام پدر بزرگش سنان می‌باشد از اهل مدینه بوده و به ابو سعید شهرت داشت. او از جمله صحابه مشهور است و در غزوه‌های زیادی اشتراک ورزیده و در عین حال در فقه و اجتهاد نیز شهرت دارد. حضرت ابو سعید خدری در سال ۷۴ هجری وفات نموده است.

### معنای کلمات دشوار

- ۱- إِيَّاكُمْ: دوری گزینید.
- ۲- الطَّرِيقَاتِ: راه‌ها.
- ۳- أْبَيْتُمْ: قبول نکردید، انکار نمودید.
- ۴- غَضُّ الْبَصَرِ: چشم را به پایین افگندن.
- ۵- وَكَفُّ الْأَذَى: دوری نمودن از رساندن ضرر.

### ترجمه حدیث شریف

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: از نشستن در راه‌ها دوری نمایید، صحابه کرام پرسیدند: ای رسول خدا! چاره‌ی نداریم، مگر این‌که در راه بنشینیم، و با هم سخن

بگوییم پیامبر ﷺ فرمود: در صورتی که از نشستن در راه خود داری نمی کنید، باید حق آنرا بدهید (یعنی آداب راه را در نظر بگیرید) صحابه کرام گفتند: حق راه چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: از نگاه کردن به نامحرم چشم نگهداشتن، خودداری از ضرر رساندن به مردم، جواب سلام را دادن، به کار های نیک امر نمودن و مردم را از کار های بد منع کردن، از حقوق راه می باشد.

### حکمت حدیث شریف

از این که رفت و آمد مردم در راهها و سرک های عمومی صورت می گیرد، و انسانها در زنده گی روزمره خویش به آن نیاز دارند، به این اساس در حدیث شریف از نشستن در راه بدون ضرورت منع شده است؛ زیرا بسیاری اوقات اتفاق می افتد افراد راه گذر از طرف کسانی که در راهها نشسته اند مورد اذیت قرار می گیرند، و دین اسلام از رساندن ضرر منع کرده است، و اگر در بعضی اوقات مسلمانها نشستن در راه را ضروری می دانند، باید آداب را در نظر بگیرند که احترام و عزت عابریین حفظ شود. از اعمالی که باعث اذیت و آزار آنان می شود دوری گردد.

### فواید حدیث شریف

#### ۱- دوری جستن از نشستن در راه

در حدیث فوق از نشستن بدون ضرورت در راه منع شده است؛ زیرا مسلمانها همیشه در فکر رساندن فایده و نیکی به مردم اند، و از رساندن ضرر دوری می نمایند و سعی می ورزند که از زبان و دست شان کسی متضرر نشود.

#### ۲- دوری نمودن از نظر بد

مسلمان در هر جا که باشد باید از نظر بد، یعنی دیدن به طرف نامحرم دوری گزیند؛ زیرا نگاه نمودن به چشم بد گناه است و انسان را به فساد اخلاقی گرفتار می کند. این حکم متوجه مرد و زن هر دو می شود. در قرآن کریم در این مورد هدایت واضح و آشکاری آمده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ.....﴾ [النور: ۳۰] ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ [النور: ۳۱]

ترجمه: به مردان مؤمن بگو، نگاه خود را فرو بندند...  
و به زنان مؤمن بگو که نگاه های خود را فرو بندند...

### ۳ - خود داری نمودن از رساندن ضرر

وقتی نشستن در راه نیاز باشد، در این صورت راهنمایی های لازم را در نظر بگیرد؛ بعضی این راهنمایی ها این است: به سبب نشستن راه ها تنگ نشود، مجلس باعث تحقیر مردم نگردد؛ زیرا مسلمان کامل به کسی گفته می شود که از دست و زبان او مسلمانان در امن باشند، و به طور خاص باعث اذیت زنان نشود.

### ۴ - جواب دادن سلام

سلام دادن سنتی است که با خود پیغام محبت و امن را دارد و به جانب مقابل اطمینان می دهد که در امن زنده گی نماید، به این خاطر سلام دادن نشانه ایمن خوانده شده است و جواب دادن آن واجب است، باید جواب سلام به شکل درست اداء شود؛ این حکم قرآن است که خداوند (ﷻ) می فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾ [النساء: ۸۶]

ترجمه: چون به وسیله الفاضلی به شما سلام صورت گیرد، شما هم با الفاضلی بهتر از آن سلام دهید.

### ۵ - دعوت به کارهای نیک و منع نمودن از کارهای بد

قرآن کریم از مسلمان ها می خواهد در همه احوال نیک باشند، و مردم را به نیکی دعوت نمایند، خداوند می فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

ترجمه: باید که باشد از شما جماعتی که بخوانند به سوی کار نیکو، و امر کنند به کار پسندیده، و منع کنند، از کار های ناپسند، و آن گروه ایشان رستگاران اند.

احادیث زیادی در مورد دعوت به کارهای نیک و منع کردن از کارهای زشت وارد شده است که وظیفه هر مسلمان است تا مسؤولیت امر به معروف و نهی از منکر را به سر رساند، رسول الله ﷺ می فرماید: « مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيَبْرِهْ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ ».»

ترجمه: اگر کسی از شما کار زشتی را ببیند، به دست خود آن را منع نماید، اگر نتواند، به زبان منع نماید، اگر به زبان منع کرده نتواند به دلش آن را بد ببیند، و البته بد دیدن به دل علامه ضعف ایمان است.

دعوت به کار های نیک و جلوگیری از کار های بد بسیار ضروری است؛ زیرا زنده گی مردم در دنیا مانند زنده گی کسانی است که در کشتی نشسته اند، اگر یکی از افراد کشتی، کشتی را سوراخ نماید، همه افرادی که در کشتی اند، غرق می شوند، پس جلوگیری از کارهای بد به معنای نگهداشتن خود و جامعه از غرق شدن و تباهی است.

## سؤالها

۱ - راوی حدیث را مختصراً معرفی نمایید.

۲ - کلمات زیر را معنا کنید:

إِيَّاكُمْ

الطُّرُقَاتِ

أَبَيْتُمْ

عَصُ الْبَصَرِ

كَفُّ الْأَذَى

۳ - دعوت به کارهای نیک و جلوگیری از کار های زشت، چه اهمیت دارد؟



با استفاده از متن درس در مورد آداب نشستن در راه، یک مقاله بنویسید.



# بخش فقہ



## خانواده

### خانواده چیست؟

خانواده عبارت است از زن و فرزندان و خویشاوندان نسبی. بنای خانواده بر روابط همسری میان زن و مرد استوار است و پیامد آن وجود فرزندانی است که به صحنه زندگی گام می‌نهند.

### زیربنای تشکیل خانواده

خانواده بر اساس دو اصل و مفهوم عمده زیر تشکیل میابد:

#### یک: ازدواج لبیك گفتن به ندای فطرت انسانی

یکی از امور بدیهی و ارزشهای بنیادین شریعت اسلامی آن است که اسلام با رهبانیت به مبارزه برخاسته و به ندای فطرت انسانی، علاقه‌مندی‌ها و غرایز بشر پاسخ مثبت گفته است. در روایتی از طبرانی و بیهقی آمده که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که از ثروت برخوردار باشد و به سن ازدواج برسد و با آنها ازدواج نکند، از من نیست». و در حدیث دیگری آمده است که سه نفر از عبادت پیامبر ﷺ پرسیدند، وقتی از اندازه عبادتش مطلع شدند، آن را ناچیز دانستند و با خود گفتند: ما به رسول خدا نمی‌رسیم، برای وی بخشش گناهان قبلی و بعدی همه صورت گرفته؛ از همین رو یکی از آنها تصمیم گرفت که تمام شب را بر نماز به صبح آورد، و دومی گفت: تمام سال را روزه می‌گیرم، و سومی گفت: من از زنان دوری می‌گزینم و هرگز ازدواج نمی‌کنم. زمانی که پیامبر از تصمیم آنها اطلاع یافت فرمود: «سوگند به خداوند که من نسبت به همه شما از خدا بیش‌تر خشیت و ترس دارم؛ ولی با وصف آن، هم نماز می‌گزارم و هم می‌خوابم، هم روزه می‌گیرم و هم افطار می‌نمایم، و هم با زنان ازدواج می‌نمایم، هر کس که از روش من روی برتابد، از من نیست».

نصوص فوق با وضاحت تام نشان می‌دهد که ازدواج در اسلام از ارزش ویژه برخوردار است تا انسان مسلمان امانت و مسؤولیت بزرگ را در برابر کسانی که تربیت آن‌ها را به عهده دارد، به دوش بکشد.

### دو: ازدواج سبب تحقق مصالح اجتماعی است

واضح است که ازدواج شرعی فواید عام اجتماعی را در بر دارد که عمده ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم:

**الف: حفظ نسل انسانی:** با ازدواج نسل انسانی، ازدیاد پذیرفته، ادامه و تسلسل پیدا می‌کند. خداوند متعال این حکمت اجتماعی و مصلحت انسانی را ستوده و می‌فرماید: **﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً﴾** [النحل: ۷۲] و الله تعالی به شما از جنس خود شما جفت‌های را پیدا کرده و از همسران شما برای تان پسران و نواسه‌ها داده. و می‌فرماید: **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾** [النسا: ۱]. ای مردم از همان خدای تان بترسید که شما را از یک نفس پیدا کرد و از آن جفتش را نیز آفرید، او از آن دو مردان و زنان زیادی را خلق کرد.

**ب: حفظ و نگهداری نسب:** با ازدواجی که در شریعت اسلامی مطرح گردیده، فرزندان مباحات می‌کنند که به پدران خود شان منتسب هستند. و این امر سبب گردیده که برای فرزندان حس آرامش روانی، خود باوری و کرامت انسانی پیدا شود. اگر ازدواج شرعی وجود نداشت، جامعه از مردمی تشکیل می‌گردید که نه از کرامت و احترام انسانی برخوردار بودند و نه نسب خود را می‌شناختند. و در نهایت جامعه در گرداب فساد غرق می‌گردید.

**ج: در امان ماندن جامعه از انحلال اخلاقی:** جامعه، با ازدواج از انحلال اخلاقی و افراد آن از فساد اجتماعی در امان می‌مانند. پیداست که هرگاه غریزه میل به جنس دیگر با ازدواج مشروع و ارتباط حلال اشباع می‌گردد، تمام امت (چه فرد و چه گروه) با بهترین آداب و نیکو ترین اخلاق آراسته می‌گردند و در مقام آن قرار می‌گیرند که مسؤولیت خود را به گونه‌ی اداء نمایند که برای خدا پسندیده باشد. از روی همین ارزش بزرگ اخلاقی

و حکمت اجتماعی بود که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ به جوانان توصیه کردند: «ای جوانان، هر که از شما توان ازدواج را دارا باشد ازدواج نماید، که آن بهترین راه برای پوشاندن چشم و حفظ شرمگاه است، و هر که توان آن را نداشته باشد، لازم است که به روزه پناه برد که آن آتش شهوت را در وی خاموش می‌گرداند».

**د: سالم ماندن جامعه از بیماری‌ها:** ازدواج وسیله‌ی است که جامعه را از شر بیماری‌های ساری و کشنده‌ای همچون ایدز و غیره که بیشتر در نتیجه زنا و فحشا و ارتباط‌های نامشروع، در میان افراد جامعه انتشار میابد، سالم نگهدارد.

**ه: آرامش روحی و روانی:** با ازدواج در میان زن و شوهر روح مودت و رحمت به میان میاید. هنگامی که شوهر در نهایت روز از کار خود فارغ می‌گردد و به خانه‌اش باز می‌گردد و با زن و فرزندان خود یکجا می‌شود، تمام خسته‌گی و ناراحتی را که در جریان روز برایش دست داده بود، فراموش می‌کند و این طور هر دو زن و شوهر در کنار یکدیگر آرامش روانی و سعادت زناشویی را احساس می‌نمایند. خداوند متعال ازین سعادت در کلام خود به نحو بسیار زیبا و شگفت‌انگیزی تعبیر نموده می‌فرماید: **﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾** [الروم: ۲۱] ترجمه: «و از دلائل قدرت و حکمت وی این است که برای شما از جنس شما جوهره‌های را آفرید تا با آنها سکون حاصل نمایید و میان شما دوستی و مهربانی پیدا کرد، به یقین که در این، دلائل واضح (بر قدرت و حکمت) خداوند است برای قومی که تفکر می‌کنند»

**و: همکاری زن و شوهر به خاطر ساختن خانواده‌ی سعادت‌مند و پرورش فرزندان صالح:** در سایه ازدواج زن و شوهر هر دو در ساختن خانواده و تحمل مسؤولیت خانوادگی با یکدیگر همکاری می‌کنند. به گونه‌ی که هر یکی از آنها کار دومی را تکمیل می‌نماید. زن در عرصه‌ی فعالیت می‌نماید که از عهده‌اش بر می‌آید؛ از قبیل سرپرستی از امور خانه و پرورش فرزندان و امثال آنها. و مرد هم در عرصه‌هایی به کار و فعالیت می‌پردازد که با طبیعت وی سازگار باشد؛ مانند: تلاش برای فراهم نمودن امکانات مالی و حمایت خانواده از تجاوز دشمنان و بدخواهان و مصائب ایام. در سایه و زیر سرپرستی چنین انسان‌های متعاون، نسلی نیکوکار، مؤمن و فداکار و با مسؤولیت به

بار میاید و اعضای خانواده در فضای محبت، صلح، صفا و آرامش به زندگی خود ادامه می دهند.

ز: به خروش آمدن عاطفه پدری و مادری: در اثر ازدواج بین زن و شوهر روح و عاطفه مسؤولیت پذیری رشد می کند و آنها را وادار می سازد که در راه استقرار و آرامش فرزندان خود تلاش بی دریغ نمایند و به خاطر تربیت سالم آنها بیداریها و سختی های زیادی را متحمل گردند.

### فعالیت

در رابطه به اهداف و ارزش ازدواج و آثار مثبت اجتماعی آن بحث و گفتگو نمایید.



- ۱- خانواده چیست؟
- ۲- بنای خانواده بر اساس چه استوار است؟
- ۳- برای اثبات این که ازدواج در واقع لبیک گفتن به ندای فطرت است، یک حدیث را نقل نمایید.
- ۴- چگونه ثابت می سازید که ازدواج باعث حفظ نسل انسانی می شود؟
- ۵- چه دلیلی دارید که با ازدواج، جامعه از انحلال اخلاقی در امان می ماند؟
- ۶- برای اثبات آن که ازدواج سبب آرامش روح و روان است از قرآن دلیل بیاورید.
- ۷- برای تربیت و پرورش فرزندان صالح زن و شوهر چه کاری باید کنند؟
- ۸- با ازدواج میان زن و شوهر چه روحیه یی به وجود می آید؟

## نکاح

خداوند متعال در انسان غریزه جنسی؛ یعنی میل و کشش به جنس مقابل را خلق نموده است تا سبب بقای نسل انسان شود؛ لذا شریعت اسلام، راه حلالی برای زنده‌گی مرد و زن قرار داده است.

### تعریف نکاح

**در لغت:** نکاح به ضم کردن و یک جای ساختن گفته می‌شود.

### در اصطلاح شریعت

۱. نکاح به عقدی گفته می‌شود که استفاده جنسی مرد و زن را برای یکدیگر حلال می‌سازد.

### حکم نکاح

حکم نکاح با توجه به حالت نکاح کننده، تغییر می‌یابد:

أ- **نکاحی که سنت مؤکد است:** در حالت اعتدال نکاح سنت مؤکد است و حالت اعتدال این است که شخص توان زنا شویی، دادن مهر و نفقه را داشته و از ارتکاب زنا ترس نداشته باشد. رسول الله ﷺ فرموده است: «التَّكَاُحُ مِنْ سُنَّتِي فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»<sup>(۱)</sup> «نکاح سنت من است. هر که به سنت من عمل نکند، از من نیست»

پس اگر به خاطر نگهداری خود از گناه، نکاح کند، الله جل جلاله به او ثواب می‌دهد.

ب- **نکاح واجب:** نکاح بر آن شخص واجب است که رغبت و تمایلش زیاد بوده و قدرت دادن مهر و نفقه را داشته باشد و در صورت خود داری از نکاح ترس ارتکاب زنا موجود باشد، مقصد از واجب، لازم بودن است که شامل فرض عملی و واجب می‌شود

۱ - مسند الصحابة في الكتب الستة .

## ج- نکاح مکروه

کسی که این ترس را داشته باشد که اگر ازدواج نماید به سبب عدم قدرت بر فراهم نمودن مصارف زنده گی، بر همسرش ظلم و ستم روا دارد، نکاح وی مکروه تحریمی است. به این مفهوم کسی که از بر آورده کردن حقوق مادی و معنوی زنده گی زنا شویی کوتاه آید، ازدواج برایش مکروه است؛ زیرا که نکاح به غرض کسب ثواب و پاکدامنی مشروع گردیده است. در صورتی که ستم صورت گیرد، ازدواج به گناه منتج می‌گردد و مصالحی که برای نکاح در نظر گرفته شده از میان می‌رود.

## تأخیر نکاح

اگر نکاح به خاطر مقاصد معقولی، مانند: به پایان رساندن تحصیل، یاد گرفتن کسب و کار مناسب و یا تأمین ضرورت‌های مانند خانه و مصارف تأخیر شود، باکی ندارد، اما بهتر آن است که جوانان برخی از دشواری‌ها و کمبودهای نکاح را تحمل کنند، اگر شخصی از این ترس داشته باشد که در صورت ازدواج نفقه همسرش را تأمین کرده نتواند و در حقش ظلم نماید و بدین طریق از مراعات حقوق مادی و معنوی زناشویی عاجز بماند، نکاح کردن برای او مکروه است؛ زیرا علت مشروعیت نکاح به دست آوردن ثواب و پاکدامنی است، نه ظلم و ستم بر دیگری و ارتکاب گناه که سراسر خلاف مصلحت نکاح می‌باشد و باید به یاد داشت که ازدواج سبب احساس مسؤلیت بیشتر می‌شود و انسان را به کسب و کار تشویق و از بسیاری بی بند وباری‌ها جلوگیری می‌کند و با توجه به این وعده خداوند تعالی که می‌فرماید: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: ۳۲] «اگر فقیر باشند خداوند از فضل و برکتش آن‌ها را غنی می‌سازد.»

## فعالیت

شاگردان اهمیت نکاح و انواع آن را به نوبت بیان کنند.

## سؤالها

۱. نکاح را تعریف کنید.
۲. حکمت های مشروعیت نکاح را بیان کنید.
۳. حکم نکاح را به تفصیل بیان نمایید.
۴. آیا تأخیر نکاح خوب است؟

## کارخانه‌گی

در باره حکمت های نکاح یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.



## مقدمات نکاح

از گذشته های دور به این سو رسم بر این بوده است که قبل از عروسی، خانواده پسر برای خواستگاری به خانه دختر میروند، که این رسم را شریعت هم روا دانسته است و در عربی به آن خطبه گفته می شود.

### تعریف خطبه یا نامزدی

خطبه به کسر خاء در لغت به معنای طلب نکاح، و در اصطلاح عبارت از این است که شخصی تمایلش را برای ازدواج با زن مورد نظرش آشکار نماید، که این تمایل به خود آن زن و یا ولی او اظهار می شود.

### حکم خطبه

خطبه وسیله یی است، برای نکاح که فقهای کرام آن را مستحب دانسته اند . خواستگاری نمودن و نامزد شدن زن که ایجاب و قبول شرعی در آن صورت نگرفته باشد، به معنای وعده و توافق است و عقد صحیح شرعی گفته نمی شود، زیرا عقد نکاح با ایجاب و قبول صورت می گیرد.

### انتخاب همسر

از نظر شریعت اسلامی جای شک نیست که ازدواج زمانی کامیاب و خوش آیند است که مرد همسرش را خود انتخاب کند و زن هم در انتخاب شوهرش آزاد باشد و با خواست خود این کار را انجام بدهد.  
در انتخاب همسر باید مراتب آتی در نظر گرفته شود:

### ۱- دین داری

مرد باید زن با اخلاق و دین دار را انتخاب نماید، زیرا دین داری زن را وادار می سازد تا از شوهرش اطاعت نموده و برای خوشبختی و آرامش وی کار کند. و با حفظ عفت و عزتش از آبرو و عزت شوهرش حراست نماید. و اگر زن هم در وقت انتخاب شوهر، دین داری او را در نظر بگیرد، در حقیقت قدم بسیار مهمی به سوی آینده درخشان و خوشبختی دنیا و آخرتش بر داشته است.

حدیث شریفی در این مورد از رسول الله ﷺ نقل گردیده است که فرموده اند: «تُنكحُ المرأةَ لِأربعِ لِمَا لها وَحَسَبِهَا وَجَمَالِهَا وَوَلَدِهَا فَاطْفَرُ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبُّثُ يَدَاكَ»<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** زن به خاطر یکی از چهار سبب به نکاح گرفته می‌شود.

به خاطر دارایی اش، به خاطر نسبش (نجابت خانواده‌گی اش) به خاطر حسن و زیبایی اش و به خاطر دینداری اش، پس تو کسی را انتخاب کن که دیندار است، دست‌هایت خاک آلود باد (در انتخاب این نوع اخیر یعنی زن دیندار جدی‌تر باش)

## ۲- دو شیزه

بهتر آن است که دوشیزه به نکاح گرفته شود، چراکه با آغاز زنده‌گی مشترک با او دوستی و محبت دو جانبه، بیش‌تر و محکم‌تر می‌شود و با تفاهم مشترک برای تشکیل خانواده کاری که لازم است، صورت می‌گیرد. از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «ای جابر! با دوشیزه ازدواج کردی یا زن بیوه؟ جابر ﷺ گفت: با زن بیوه. آن حضرت ﷺ فرمودند:

چرا با دوشیزه ازدواج نکردی تا هر دوی تان در فضای مهر و محبت به سر می‌بردید؟!»  
اما اگر کسی با توجه به شرایطی مثل بالا بودن سن و سال، یا منافع دیگری همچون ضرورتش به شخصی که از فرزندانش سرپرستی کند و یا با در نظر داشت مصلحت‌های دیگر خواستار ازدواج با زن بیوه و پخته سال باشد، کدام اشکالی ندارد و حتی این کار برایش بهتر است.

## ۳- با محبت و بسیار ولادت کننده باشد

بهتر است که مرد زنی را انتخاب نماید که مهر و محبتش زیاد و قابلیت حمل و زایمان را دارا باشد؛ زیرا چنین زنی با شوهرش به محبت و خوبی رفتار می‌کند و محبت دو طرفه هم برای استحکام زنده‌گی زناشویی، سعادت و خوشبختی شان در کنار فرزندان نیک و سالم بسیار موثر است؛ به همین خاطر رسول الله ﷺ فرموده است: «شما با زنان مهرورز و بسیار ولادت کننده ازدواج نمایید چراکه من در روز قیامت به زیاد بودن تان افتخار می‌کنم.»<sup>(۲)</sup>

## ۴- خانواده عزتمند و با آبرو

بهتر است انسان دختر یک خانواده با عزت و آبرو را خواستگاری کند؛ خانواده‌یی که افراد آن به داشتن اخلاق و صفات نیک شناخته شده باشد تا فرزندان شان هم با همین اخلاق و اوصاف

۱ متفق علیه

۲ - سنن أبی داود.

آراسته شوند. همان طور که می‌دانید بسیاری از صفات پدران و مادران به شکل میراثی به فرزندان منتقل می‌شود و احادیث زیادی هم به این مطلب دلالت می‌کند، چنان‌که از عائشه رضی الله عنها روایت است که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «تَحَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ التَّسَاءَ يَلِدُنَّ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ»<sup>(۱)</sup> « شما برای نطفه های تان رحم‌های خوبی را انتخاب کنید، زیرا زنان فرزندان به دنیا می‌آورند که مشابه برادران و خواهران شان اند».

## ۵- دوری نسب

بہتر است، انسان به جای خویشاوندان نزدیک، زنی را به همسری انتخاب کند که از لحاظ نسب دورتر باشد، چراکه این کار سبب صحت‌مندی و تندرستی بیشتر فرزندان می‌شود و در این مورد گفته شده است: «با زنان بیگانه ازدواج کنید تا فرزندان تان ضعیف و ناتوان ببار نیایند». تحقیقات علمی هم این را ثابت ساخته است که ازدواج با اقارب ممکن است، سبب بروز امراض وراثی در اطفال شود.

## انتخاب داماد

آن طور که مرد مکلف به انتخاب زن خوب است، بر خود دختر و اولیای او هم لازم است تا در مورد انتخاب داماد مناسب، خوب دقت کنند و بکوشند تا او دارای اوصاف ذیل باشد:

### ۱- دینداری

لازم است که داماد یک شخص دیندار و با اخلاق و شجاع باشد؛ زیرا دین‌داری و تقوا، او را از ظلم بر همسرش باز داشته، برای تأمین حقوق همسرش وی را وادار می‌سازد، به همین خاطر رسول الله ﷺ امر کرده است تا با مرد دیندار و با اخلاق ازدواج صورت گیرد، هرچند فقیر هم باشد: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرَضَّوْنَ دِينَهُ وَخُلُقَهُ فَرَّوْجُوهُ، إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِئْتَةً فِي الْأَرْضِ، وَفَسَادٌ عَرِيضٌ»<sup>(۲)</sup> «هرگاه شخصی نزد شما آمد که دین و اخلاقش مورد پسند تان بود، خواهش وی را پذیرفته

۱ - سنن ابن ماجه.

۲ - مسند الصحابة في الكتب الستة.

دختر خود را به نکاح او در بیاورید؛ چه اگر این کار را نکردید، فتنه و فساد گسترده‌یی در زمین به راه خواهد افتاد»

واقعیت این است که اگر مرد دین‌دار نباشد و صرف به خاطر فقرش تقاضای او پذیرفته نشود، بیم آن می‌رود که وسوسه‌ها و دسیسه‌های شیطانی او را وادار به اعمال ناشایسته کند و باعث بروز فتنه‌ها شود.

هم‌چنان اگر زن به نکاح مرد بداخلاق و بی دین در آورده شود و یا منتظر آمدن خواستگار پولدار گذاشته شود، احتمال می‌رود که زن دست به فساد و اعمال ناروا بزند و به این طریق پدر دختر با سرنوشت دخترش که یک امانت الهی در دست او است، بازی نموده، آینده دخترش را می‌کند ساخته و خطرهای بزرگی را متوجه زنده‌گی او می‌سازد.

## ۲- بین دختر و پسر تفاوت سنی زیاد نباشد

مناسب است که عمر پسر و دختر به هم نزدیک باشد. پس این کار خوب نیست که دختر به نکاح کسی داده شود که تفاوت سنی میان آن دو بسیار زیاد باشد و مرد هم سن و سال پدر و پدر کلان دختر باشد؛ زیرا ازدواج موفق آن است که بر پایه دوستی و محبت استوار باشد و کم بودن تفاوت سنی یکی از اسباب پیدایش محبت میان زوجین و استحکام رابطه زنا شویی است. البته این به آن معنی نیست که نکاح دختر با مرد کهن سال جواز ندارد؛ بلکه عرف و مصلحت ایجاب می‌کند که مناسبت سنی برای ازدواج پایدار و سعادت‌مند در نظر گرفته شود.

## دیدن دختری که خواستگاری می‌شود

شریعت به خواستگار، این اجازه را داده است که قبل از نکاح دختر را ببیند و حکمت آن این است که خواستگار بدین طریق می‌تواند در باره دختری که قرار است با او ازدواج نماید و او را شریک زنده‌گی اش بسازد، معلومات داشته باشد.

در این باره رسول اکرم ﷺ فرموده است: «ابصرها فإنه أحرى أن يؤدم بينكما»<sup>(۱)</sup>

۲- سبل السلام ۴/۴۳۷ النظر الي المخطوبة

«او را ببین چرا که این کار بهترین راه برای ایجاد رغبت و تمایل در بین شما است.»

## خواستگاری بالای خواستگاری کسی دیگر

هرگاه شخصی دختری را خواستگاری نموده و از طرف پدر و یا خانواده‌اش جوابی به او داده نشد، بر شخص دیگر جایز نیست که آن دختر را خواستگاری کند، اما هرگاه به خواستگار اول جواب منفی داده شد، در این صورت شخص دیگر می‌تواند، خواستگاری کند. چراکه رسول اکرم ﷺ از خواستگاری بالای خواستگاری دیگری منع فرموده است.

## حکمت خواستگاری نکردن مخطوبه

شکی نیست که اگر زنی از طرف شخص خواستگاری شود، و کس دیگری در آن مداخله کند به خواستگار اولی ضرر میرساند، چه بسا این کار باعث کینه، دشمنی و جنگ‌ها می‌شود، در حالیکه اسلام از اسبابی که سبب دشمنی‌ها شود، جلوگیری می‌نماید.

## فعالیت

۱. برخی از رواج‌های خواستگاری را بیان و با شریعت مقایسه کنید.
۲. معلم شاگردان را به سه گروه تقسیم نماید تا آن‌ها در باره تعریف نکاح و خطبه، مقدمات نکاح، و اوصاف خواستگار و خواستگاری شده، باهم بحث کنند.



۱. خطبه را تعریف کنید.
۲. حکم خطبه چیست؟
۳. در انتخاب زن کدام نکات باید در نظر گرفته شود؟
۴. مرد باید دارای کدام اوصاف باشد؟
۵. نزدیک بودن عمر پسر و دختر چه اهمیتی دارد؟
۶. آیا دیدن مخطوبه جایز است؟

## ارکان و شرایط نکاح

برای صحت نکاح، ارکان و شرایطی وضع شده که رعایت آن‌ها ضروری است.

### ارکان نکاح

عقد نکاح دو رکن دارد:

۱. ایجاب

۲. قبول.

**ایجاب:** ایجاب همان لفظ یا سخن اول است که از طرف یکی از عاقدین گفته می‌شود<sup>(۱)</sup> فرق نمی‌کند که از طرف شوهر یا وکیل وی باشد، یا از طرف خود زن یا وکیل و یا ولی او گفته شود.

**قبول:** قبول، لفظ و سخن دوم است که بعد از ایجاب و از طرف دوم عاقدین صادر شود. مانند این که طرف اول بگوید: من دختر خود را به نکاح دادم و طرف دوم هم بگوید: من به نکاح گرفتم و یا قبول کردم.

### الفاظ نکاح

با هر لفظی که تملیک اشیاء صورت می‌گیرد، با همان الفاظ نکاح هم بسته می‌شود. مانند الفاظ نکاح، تزویج، هبه، صدقه، قرض، و عطیه (بخشش) البته مشروط بر آن که نیتش نکاح باشد و شاهدان هم مقصد او را بفهمند.

### چگونگی الفاظ نکاح

- ۱- نکاح با الفاظی بسته می‌شود که به زمان گذشته دلالت کند، به طور مثال شخصی به پدر دختر بگوید: من دختر تو را به نکاح گرفته‌ام، و او در جوابش بگوید: من داده‌ام.
- ۲- هرگاه یک لفظ ماضی و دیگری مضارع (زمان آینده) باشد بازهم نکاح درست است. مثل این که پدر دختر به داماد بگوید: من دخترم را دادم. داماد بگوید: من به نکاح شرعی قبول کرده‌ام، و یا این که: داماد به پدر دختر بگوید: دخترم را به نکاح من بده! پدر دختر در جوابش بگوید: من داده‌ام.

۱ - عاقدین : (دو طرف قرار داد).

## مسائل

- با نوشتن (مکتوب) هم نکاح بسته می‌شود، به شرطی که یکی از عاقدین غایب باشد، هم‌چنان با فرستادن یک نماینده هم نکاح درست است.
- نکاح گنگ با نوشتن و اشاره بسته و درست می‌شود.
- به غیر از زبان عربی با زبان های دیگر هم بستن نکاح جایز است. البته با همان الفاظی که به نکاح دلالت کند؛ زیرا که در عقود به معنی اعتبار داده می‌شود، و بر علاوه وقتی از تلفظ عربی عاجز باشد، تلفظ از او ساقط می‌شود، چنان که نکاح گنگ با نوشتن و اشاره بسته می‌شود.

## شرایط نکاح

مهم ترین شرایط بستن نکاح درست، از این قرار است:

۱. ایجاب و قبول در یک مجلس، یعنی این که ایجاب و قبول هر دو در مجلس عقد صورت بگیرد.
  ۲. ایجاب و قبول به صدای بلند باشند تا هر دو طرف عقد سخن یگدیگر را بشنوند و رضایت شان آشکار شود.
  ۳. الفاظ ایجاب و قبول دایمی باشد، نه منحصر به یک زمان معینی چون یک ماه و یک سال و غیره، تا نکاح متعه از آن خارج شود. نکاح متعه در مذاهب چهارگانه حرام است.
  ۴. هر دو طرف عقد کننده دارای عقل باشند، لذا نکاح دیوانه و طفل غیر ممیز صحیح نیست.
  ۵. عقد کننده ها بالغ و آزاد باشند، این دو از شرایط نفاذ نکاح است.
- دو شاهد:** شاهی از جمله شرایط صحت نکاح است، لذا بدون حضور دو شاهد نکاح بسته نمی‌شود. در وقت بستن نکاح موجودیت دو شاهد مرد و یا یک مرد و دو زن حتمی است. شاهدان هم باید دارای این پنج صفت باشند:
- عقل، زیرا بستن نکاح با شاهی دیوانه صحیح نیست.
  - بلوغ، زیرا بستن نکاح با شاهی طفل صحیح نیست.
  - آزادی، زیرا بستن نکاح با شاهی غلام صحیح نیست.
  - اسلام، بناء شاهی غیر مسلمان بر نکاح مسلمانان صحیح نیست.
  - شاهدان باید سخن هر دو عاقد را شنیده باشند؛ یعنی شاهی شخصی که خوابش برده است صحیح نیست.

- ۶- رضایت زن: در نکاح رضایت زن شرط است، چه دوشیزه باشد و یا بیوه، ولی زن حق ندارد او را به نکاح با کسی مجبور بسازد.
- ۷- زوج و زوجه معلوم باشد، لذا اگر شخصی دو دختر داشته باشد و به شخصی دیگر بگوید که من یکی از دخترانم را به نکاح تو در می آورم، این صحیح نیست چون معلوم نیست که کدام یک مراد او بوده است.

## سؤالها ؟

۱. نکاح چند رکن دارد؟ بیان کنید.
۲. نکاح با کدام الفاظ بسته می شود؟ چگونگی اش را بیان کنید.
۳. آیا بستن نکاح به غیر از زبان عربی جایز است؟
۴. آیا از طریق مکتوب نکاح بسته می شود؟
۵. شرایط نکاح چند تا و کدام هاست؟
۶. شرایط شاهدان را بیان کنید.



## ولایت

### تعریف ولایت

**ولایت در لغت:** قرابت، امارت و صلاحیت را گویند.

**و در اصطلاح فقهی:** داشتن قدرت و صلاحیت تصرف در کاری بدون اجازه شخص، ولایت گفته می‌شود. و به چنین شخصی ولی گفته می‌شود.

**ولی در لغت:** خلاف دشمن است.

**و در اصطلاح فقهی:** ولی به شخص بالغ، عاقل و میراث برنده‌ی گفته می‌شود که صلاحیت و اختیار تصرف در کاری را داشته باشد و مقصد از ولی، خویشاوندان است.

### انواع ولایت

ولایت سه قسم است: ۱- ولایت نفس. ۲- ولایت مال. ۳- ولایت نفس و مال.  
موضوع بحث ما ولایت نفس است.

### ولایت نفس بر دو قسم است

۱- **ولایت اجبار:** داشتن صلاحیت قبولاندن سخن بر کسی دیگر.

سبب های ولایت اجبار سه است: ۱- طفولیت. ۲- دیوانه‌گی. ۳- معتوه بودن ( کم بود عقل ).

۲- **ولایت اختیار:** حق ولی به نکاح دادن زن است که باید بر اساس رضایت و خشنودی او انجام بگیرد.

### اختیار ولی در نکاح

در مذهب امام ابوحنیفه و امام ابویوسف -رحمهما الله- زن عاقل، بالغ و آزاد می‌تواند، بدون اجازه ولی اش خود را به نکاح شخصی دریاورد و به همین طریق می‌تواند، اختیار نکاح خود را به ولی اش بدهد و یا اگر کسی او را به نکاح در آورده باشد، با او موافقت کند و اجازه بدهد؛ اما مستحب این است که زن اختیار نکاح خویش را به ولی خود بسپارد تا عادات و آداب نیکی که اسلام خواستار آن است، مراعات گردد؛ اما اگر زن با شخصی که کفو و همسانش نیست، ازدواج نمود، ولی حق اعتراض را دارد.

در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرموده اند: «الْأَيْمُ أَحَقُّ بِنَفْسِهَا مِنْ وَلِيِّهَا وَالْبِكْرُ تُسْتَأْذَنُ فِي نَفْسِهَا وَإِذْنُهَا صُمَاتُهَا»<sup>(۱)</sup>. «زن بیوه نسبت بر ولی اش بر تعیین سرنوشت خود حقدار است، و از دوشیزه باید در مورد نکاحش اجازه گرفته شود، و اجازه او سکوت و خاموشی اوست»

### دوشیزه نباید برخلاف رضایتش به نکاح با کسی مجبور ساخته شود

پسر و دختر بالغ نباید بدون رضایت شان به نکاح با کسی مجبور ساخته شوند، لذا نکاح ولی بدون رضایت آنها نافذ و عملی نیست، سنت این است: ولی پیش از به نکاح در آوردن دختر از او اجازه بخواهد و به او بگوید که فلان شخص می خواهد با تو نکاح کند، در این صورت اگر دختر سکوت نمود، این اجازه او شمرده می شود و اگر اجازه نداد و ولی بدون رضایتش نکاح او را بست، چنین نکاحی به اجازه دختر موقوف است، و بدون اجازه اش نکاح جایز نیست. اما سکوت زن بیوه و پسر جوان اجازه گرفته نمی شود. آنها باید به زبان اظهار موافقت کنند.

### شرایط ولی

۱. باید اهلیت کامل داشته باشد و آن عبارت است از: بلوغ، عقل و حریت. لذا طفل، دیوانه و معتوه (کم عقل) حق ولایت را ندارند.
  ۲. دین ولی و مولی علیه باید یکی باشد. بناء غیر مسلمان بر مسلمان ولایت ندارد.
- الله تعالی ﷻ می فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۱] (خداوند، کافران را هرگز بر مؤمنان غالب و چیره نمی گرداند.)

### ترتیب اولیاء

- ۱- پسر، پسر پسر تا پایان.
  - ۲- پدر، جد، همین طور تا بالا.
  - ۳- برادر، برادر اعیانی (سکه)، پسر او، همین طور به پایین.
  - ۴- کاکای سکه، و پسر او.
  - ۵- کاکای پدر، پسر او، سپس کاکای جد و بعد پسر او، و به همین منوال.
- بعد از اینها ولایت به عصبه سببی می رسد، بعد از آن امام، قاضی و مسؤولین دولت ولی می شوند.

## فعالیت

شاگردان به سه گروه تقسیم شده، در بارهٔ اختیار ولی در نکاح و حکم به نکاح در آوردن دختر بدون اجازه اش، و ترتیب اولیاء باهم بحث کنند.



۱. ولایت را تعریف کنید.
۲. ولی چه کسی است؟
۳. ولایت چند نوع است؟
۴. انواع ولایت نفس را بیان کنید.
۵. در بارهٔ اختیار ولی در نکاح معلومات بدهید.
۶. آیا جایز است که دختر بدون اجازه اش به نکاح مجبور ساخته شود؟
۷. ولی چه شرایطی دارد؟
۸. ترتیب اولیاء را بیان نمایید.

## کفائت

### تعریف کفائت

کفائت در لغت به مساوات و برابری گفته می‌شود و در اصطلاح فقهاء عبارت است از: برابری مرد و زن در آنچه که در نکاح اعتبار دارد.

### حق خواستن کفائت

حق کفائت از زن و اولیای زن است؛ لذا زن بر اولیای خود این حق را دارد که او را به نکاح شخصی در بیاورند که کفو و همسانش باشد، و اولیاء هم حق دارند که خواهر یا دخترشان با شخصی نکاح کند که کفو؛ یعنی از نظر التزام دینی، وضع اجتماعی، عادات و ثقافت و غیره با او برابر باشد، در غیر آن می‌توانند، تقاضای فسخ نکاح را نمایند.

در نظر گرفتن کفائت یا برابری زن و شوهر در نکاح یکی از برآزندگی‌های شریعت اسلامی را بحیث یک قانون و نظام جامع زنده‌گی به نمایش گذارد، زیرا تقارب زن و شوهر از نظر دین، ثقافت، وضع اجتماعی، سطح زنده‌گی اقتصادی، عادات و عرف برای دوام ازدواج و استحکام خانواده گی بسیار مهم و با ارزش است.

### احکام کفائت

۱. اگر دختر بالغ و عاقل شخصی را که برایش کفو نیست انتخاب نمود، ولی حق فسخ نکاح او را دارد، یعنی می‌تواند، نزد قاضی رفته، خواهان جدا ساختن آن دو شود.

۲. اما اگر با اجازه ولی نکاح کرد، نکاح لازم می‌شود، زیرا نکاح حق خود زن است و اولیا تنها در صورت نبود کفالت حق اعتراض دارند، پس وقتی آن‌ها با اظهار رضایت حق شان را ساقط کردند، نکاح لازم می‌شود.

۳. هرگاه زوج خلاف نسب خود را اظهار کرده بود و کفو زن هم نبود، در این صورت هم خود زن و هم اولیای او حق فسخ عقد نکاح را دارند.

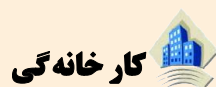
۴- هرگاه یک دختر عاقل و بالغ برای نکاح خود ولی گرفت، ولی هم او را به نکاح یک شخص غیر کفو در آورد، این نکاح تا اجازه دختر موقوف می‌باشد.

## فعالیت

چرا در اسلام، کفالت معتبر دانسته شده است، شاگردان در مورد اهمیت و حکمت کفالت و نقش آن در تقارب و تفاهم میان زن و شوهر به تفصیل جواب بدهند.



۱. کفالت را تعریف کنید؟
۲. کفالت چه کسی معتبر است؟
۳. چه کسی حق تقاضای کفالت را دارد؟
۴. اوصاف کفالت را بیان کنید؟
۵. اگر دختر بالغ و عاقل یک شخص غیر کفو اش را انتخاب نمود، آیا ولی حق اعتراض دارد؟
۶. اگر ولی دختر او را به غیر کفو اش داد، آیا دختر حق فسخ نکاح را دارد؟



در باره احکام کفالت به کمک امام محترم مسجد یک مقاله بنویسید.

## محرمات نکاح

نکاح کردن با محرمات، جایز نیست، و برای صحت عقد نکاح شرط این است که زن بر مرد روا باشد.

### تعریف محرمات

**در لغت:** محرمات جمع محرم است و محرم، به چیز حرام (منع) ساخته شده، گفته می‌شود. و در اصطلاح به مرد و زنی گفته می‌شود که به دلیل قرابت و خویشاوندی، نکاح با او حرام است.

### انواع محرمات

محرمات دو نوع است:

۱- محرمات ابدی.

۲- محرمات مؤقتی.

محرمات ابدی: آن است که برای همیشه نکاح با او حرام است.

### و محرمات ابدی هم سه قسم است

#### اول: محرمات نسبی:

محرمات نسبی آن است که به خاطر نزدیکی نسب نکاح با او حرام می‌شود و این هفت قسم است:

أ- مادر و بالاتر از آن‌ها (مادر مادر، مادر پدر) که به این‌ها اصول انسان گفته می‌شود.

ب- دختر و پایین تر از آن (دختر دختر، دختر پسر و پایین تر) که فروع انسان می‌باشند.

ج- فرزندان مادر و پدر مانند خواهران و فرزندان آن‌ها.

د- پسران و دختران مادر کلان و پدر کلان مانند: الف- کاکاها و عمه‌ها. ب- خاله‌ها و ماما‌ها.

ه- برادر زاده‌ها و فرزندان شان.

ز- خواهر زاده‌ها و فرزندان شان.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ

وَبَنَاتُ الْأُخْتِ﴾ [النساء: ۲۳]

ترجمه: (حرام گردانیده شده بر شما (نکاح) مادران تان، خواهران تان، عمه‌های تان، خاله‌های تان، دختران برادر و دختران خواهر تان)

## دوم: حرمت مصاهرت

حرمت مصاهرت آن است که به خاطر رابطهٔ خسری و دامادی بر انسان حرام می‌شود. و این نوع محرمات چهار قسم است:

أ- **مادر زن:** به محض بسته شدن عقد نکاح، مادر زن و مادر کلان های او برای ابد به داماد حرام می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: **«وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ»** [النساء: ۲۳] ترجمه: (و بر شما حرام ساخته شده است) مادران زانتان.

ب- **دختر زن** (دختر اندر) و دختران بچه اندر و به همین طریق پایین تر از آن، البته به این شرط که شوهر با زن همبستر شده باشد، اگر همبستر نشده و زن صرف به نام او شده و پس از عقد، بر اثر طلاق یا وفات جدا شده باشد، در این صورت مرد می‌تواند با دختر و نواسهٔ آن زن نکاح کند. الله تعالی می‌فرماید: **«وَزَوَّجْنَاكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُم بِهِنَّ»** ترجمه: «و دختران همسرانتان که [آن‌ها دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران هم‌بستر شده‌اید پس اگر با آن‌ها هم‌بستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید]»

ج- **عروس (خانم پسر و نواسه‌ها):** و به همین طریق تا پایان فرق نمی‌کند که پسر و یا نواسه با خانمش همبستر شده باشد یا نه، بلکه صرف به نام او شدن کفایت می‌کند، به همین سان بعد از طلاق هم نمی‌تواند با او نکاح نماید یعنی یک شخص با خانم فرزندانش به هیچ وجه نمی‌تواند، نکاح کند، چراکه این از محرمات ابدی است. خداوند متعال می‌فرماید: **«وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ»**

[النساء: ۲۳] ترجمه: «(و بر شما حرام است نکاح) با زنان پسرانتان که از پشت‌خودتان هستند».

## حرمت مصاهرت بر اثر زنا

با زنا هم حرمت مصاهرت ثابت می‌شود، یعنی اگر شخصی با زنی زنا کرد اصول و فروع آن زن یعنی مادر و مادر مادر، و همین طور به بالا و دختر و دختر دختر آن زن و به همین طریق تا پایان بر آن مرد حرام می‌شود و نمی‌تواند با آن‌ها نکاح کند و به همین سان آن زن نیز بر اصول و فروع مرد حرام می‌شود.

## فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شده در بارهٔ انواع محرمات نسبی و مصاهرت بحث کنند.

## سؤالها

۱. محرمات را تعریف کنید.
۲. انواع محرمات را مشخص نمایید.
۳. محرمات نسبی کدام است؟، به تفصیل بیان کنید.
۴. حکمت حرمت نکاح با محرمات نسبی چیست؟
۵. مقصد از حرمت مصاهرت چیست؟ اقسامش را بیان کنید.
۶. آیا با زنا حرمت مصاهرت ثابت می‌شود؟



## محرمات رضاعی

در درس گذشته، از سه نوع محرمات ابدی، با دو نوع آن که محرمات نسبی و مصاهرت اند، آشنا شدید و اکنون در این درس می‌خواهیم از نوع سوم آن که محرمات رضاعی است، بحث کنیم.

### محرمات رضاعی

محرمات رضاعی آن است که به سبب خوردن شیر به شیرخوار، حرام می‌شود، لذا همان زنانی که به سبب قرابت نسبی و مصاهرت حرام می‌شدند، به سبب رضاع نیز حرام می‌شوند.

چراکه شیرخورنده مانند فرزند نسبی شیر دهنده می‌شود سپس آن محرماتی که به فرزندان نسبی حرام می‌شوند، به شیرخورنده هم حرام می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ﴾** [النساء: ۲۳] ترجمه: (و حرام ساخته شده است بر شما نکاح با مادران تان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی شما " )

در یک حدیث شریف رسول الله ﷺ فرموده است: **«يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ»**.

ترجمه: « آنچه با نسب حرام می‌شود، با رضاع (شیرخوردن) هم حرام می‌شود».

### چه کسانی از جانب شیردهنده بر شیرخوار حرام اند؟

از طرف شیردهنده همه خویشاوند می‌شوند، یعنی مادر رضاعی و مادر کلان رضاعی و به همین ترتیب تا بالا، دختر رضاعی و به همین ترتیب تا پایین، خواهر، عمه، خاله، برادر زاده و خواهر زاده رضاعی، همه به شیر خورنده حرام می‌شوند.

این حرکت در برگیرنده شیرخوار، همسر او و فرزندان او می‌شود؛ اما دیگر خویشاوندان و نزدیکانش در این حرمت شامل نمی‌گردند. پس برای پدر رضاعی شیرخوار جواز دارد که با مادر یا خواهر نسبی شیرخوار نکاح نماید، هم چنان برای پدر نسبی شیرخوار جواز دارد که مادر رضاعی یا خواهر رضاعی شیرخوار را درقید نکاح خود بگیرد؛ زیرا که محرمیت هر دو طرف منحصر به شیرخوار می‌باشد. به طور مثال: احمد یک مادر رضاعی دارد، حیثیت او با خانواده رضاعی اش همان گونه است که حیثیت اش با خانواده نسبی اش می‌باشد. محارم او چه از طرف خانواده نسبی اش باشند یا خانواده رضاعی اش برای او در یک درجه قرار دارند، ولی از طرف احمد صرف خود او، همسرش و فرزندان او برای خانواده رضاعی اش محرم شمرده می‌شوند و بس.

یک بیت شعر دری این مطلب را به شکل واضح و مختصر چنین بیان کرده است:  
( از جانب شیرده همه خویش شوند - و از جانب شیر خوار زوجان و فروع).  
یعنی از طرف شیردهنده همه خویشاوند می‌شوند و از طرف شیرخورنده تنها زوجان (خانم پسر رضاعی یا شوهر دختر رضاعی) و فرزندان و نواسه‌ها و پایان تر از آن حرام می‌شوند.

### شیری که حرمت با آن ثابت می‌شود

به سبب خوردن شیر، زمانی حرمت ثابت می‌شود که طفل در دوران شیر خواره گی آن را بخورد، و حد اکثر دوران شیرخواره گی سی ماه است ( دوسال و شش ماه) و هرگاه عمر طفل از سی ماهه‌گی گذشت، با خوردن شیر از کدام زن، حرمت ثابت نمی‌شود.

### شیر کم یا زیاد؟

برای ثابت شدن حرمت، شیر کم باشد یا زیاد فرق نمی‌کند، بنابراین اگر طفل شیر کم بخورد یا زیاد حرمت ثابت می‌شود.

### فعالیت

شعر ذیل را که در درس خواندید، تشریح کنید:  
( از جانب شیرده همه خویش شوند - و از جانب شیر خواره زوجان و فروع ).



۱. محرمات رضاعی کدام اند؟
۲. تفاوت حکم حرمت میان شیردهنده و شیر خورنده را به دقت بیان کنید.
۳. با کدام شیر حرمت ثابت می‌شود؟

## محرمات موقت

مقصد از محرمات موقت زنهایی است که به طور موقت بنا بر اسباب خاصی نکاح با آنها حرام می‌باشد و با از بین رفتن سبب، ازدواج با آنها جایز می‌شود.

### محرمات موقت قرار ذیل اند

۱. نکاح کردن با دو خواهر به طور همزمان، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ﴾ [سورة النساء آیه ۲۳]

ترجمه: " (و بر شما حرام است) جمع کردن دو خواهر با همدیگر در یک نکاح"  
ب- هم‌چنان جمع کردن بین یک زن و عمه اش یا خاله اش و نیز زنی که اگر یکی از آن دو مرد، فرض شود ازدواج او با دومی جایز نباشد.

رسول الله ﷺ فرموده است: «لَا يُجْمَعُ بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَعَمَّتِهَا وَلَا بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَخَالَتِهَا»<sup>(۱)</sup>  
ترجمه: «بین زن و عمه اش و بین زن و خاله اش در نکاح جمع نباید شود».

### ج - گرفتن زن پنجم

در اسلام، جایز نیست که انسان به طور هم‌زمان بیش از چهار زن را در قید نکاح خود داشته باشد، لذا اگر کسی خواسته باشد با زن پنجم ازدواج کند تا زمانی که یکی از زنانش را طلاق نداده و عدت او سپری نشده باشد، نمی‌تواند به ازدواج با زن پنجم اقدام کند.  
از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که غیلان بن سلمه الثقفی مسلمان شد او ده زن داشت که همه مسلمان شدند. رسول الله ﷺ به او فرمود: چهار زن را نگه دار و بقیه را طلاق بده! <sup>(۲)</sup>

### ازدواج با بیش از یک زن

الله ﷻ ازدواج با بیش از یک زن را روا ساخته است، الله ﷻ می‌فرماید:

۱ - صحیح مسلم .

۲ - سنن ترمذی .

﴿وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ [النساء: ۳] ترجمه: "و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند اقتاد دو دو، سه سه، و چهار چهار به زنی گیرید، پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیک‌تر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیالدار گردید]."

با آن که اصل ازدواج با یک زن است و در بین مسلمانان اغلب ازدواج متعدد رواج ندارد، با آن هم ازدواج با بیش از یک زن بنابر ضرورت های فردی و اجتماعی به دو شرط جایز است:

**اول:** مرد باید این توانایی را داشته باشد که میان همسران خود عدالت مادی و اخلاقی را رعایت کند.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ [النساء: ۳] ترجمه: "پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یکی اکتفا کنید."

اسلام، ظلم بر زن و بی عدالتی بین آن‌ها را حرام ساخته است. در این باره رسول الله ﷺ می‌فرماید: کسی که دو زن داشته باشد و در بین آن‌ها عدالت نکند فقط به یک طرف تمایل نشان بدهد در روز قیامت یک طرف او فلج شده و از کار می‌افتد.<sup>(۱)</sup>

**دوم:** مرد توان برآورده ساختن نفقه آن‌ها را داشته باشد، تا از ظلم جلوگیری شود.

**ازدواج با زن کسی دیگر و یا زنی که بعد از طلاق یا مرگ شوهر در حال سپری کردن عدت باشد:** نکاح کردن با زنی که در نکاح شخص دیگری باشد حرام است، الله ﷻ فرموده است:

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [النساء: ۲۴] ترجمه: «و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است]» همچنین نکاح کردن با زنی هم جایز نیست که بعد از طلاق یا مرگ شوهر، در حال سپری کردن دوره عدت باشد؛ اما بعد از گذشتن عدتش، شخص دیگری می‌تواند، با او ازدواج کند.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقره: ۲۲۸] ترجمه: «و زنان طلاق داده شده باید

مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده پوشیده دارند».

### نکاح با زنی که به هیچ دین آسمانی ایمان ندارد

برای یک مرد مسلمان، جایز نیست که با زن مشرک و بت پرست ازدواج کند، الله ﷻ می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ» [البقره: ۲۲۱] ترجمه: "و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند. به طور قطعی کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد".

### نکاح با زنان اهل کتاب

نکاح با زن یهودی یا نصرانی پاکدامنی که به کتاب آسمانی ایمان دارد، جایز است، الله ﷻ می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» [المائدة: ۵] ترجمه: «[بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آن که مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید، نه زناکار و نه آن که زنان را در پنهانی دوست خود بگیرد.»

با آنکه نکاح با زنان اهل کتاب جایز است؛ اما خالی از کراهیت تنزیهی نیست، به خصوص در زمانی که این زن کتابی به قومی تعلق داشته باشد که با مسلمانان در حال جنگ هستند و یا ازدواج با او سبب شود که مرد در مملکت کفری سکونت کند و فرزندانش به خوی و خصلت کفار گرفتار شوند. در این صورت ازدواج با زن کتابی مکروه تحریمی است.

### حرمت نکاح زن مسلمان با کافر

نکاح زن مسلمان با کافر طور مطلق حرام است؛ خواه آن مرد یهودی باشد یا مسیحی، ملحد و کمونیست باشد و یا کافری دیگر. الله ﷻ در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» [المتحنة: ۱۰] ترجمه: "پس اگر آنان را با

ایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید نه آن زنان بر ایشان حلال اند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال می‌باشند".

### فعالیت

معلم محترم مضمون شاگردان را به گروه‌ها تقسیم کند و با آن‌ها در باره حکم ازدواج با بیش از یک زن و ازدواج با زنان اهل کتاب و کافر بحث و مناقشه کند.



۱. محرمات موقت کدام اند؟
۲. در وقت ازدواج با بیش از یک زن، رعایت چه نکاتی لازم است؟
۳. نکاح با زنی که در حال سپری کردن عدت است، چه حکم دارد؟
۴. آیا نکاح با زنانی که به دین آسمانی ایمان ندارند، جایز است؟
۵. حکم نکاح با زنان اهل کتاب چیست؟
۶. آیا جایز است که یک زن مسلمان با کافر نکاح کند؟

## مُتْعَه

شریعت اسلام، به حفظ عزت و کرامت انسان و نگهداری آن از هر نوع عیب و نقص توجه خاصی مبذول داشته است؛ به همین خاطر نکاح صحیح را که ارکان و شرایطش تکمیل باشد، جایز دانسته و نکاح موقت را که شبیه زنا است، ممنوع قرار داده است.

### نکاح موقت یا مُتْعَه

**مُتْعَه در لغت:** اسم مصدر است و از تمتع گرفته شده است، و متاع به چیزی گفته می‌شود که از آن فایده گرفته می‌شود.

**و شرعاً:** متعه، عبارت است از ازدواج کردن با زنی برای مدت معین و استفاده جنسی از او بدون در نظر داشت مقاصد نکاح، از قبیل داشتن اولاد و تربیت سالم آن‌ها و تشکیل یک خانواده سالم؛ پس در چنین نکاحی، مرد برای یک هفته یا یک ماه و یا یک سال و یا یک وقت معین دیگر زنانی را نکاح می‌کند و چیزی جز استفاده و برآورده ساختن شهوت، مراد نیست.

### حکم نکاح متعه

نکاح متعه، باطل و حرام است، چون در حدیثی حضرت علی - کرم الله وجهه - می‌فرماید: (نبی کریم ﷺ از نکاح مُتْعَه منع کرده است) و منع مقتضی حرمت و بطلان می‌باشد. نکاح متعه، در اوایل اسلام برای یک وقت معین روا بود که بعد منسوخ و برای همیشه حرام ساخته شد؛ زیرا این کار، به زنا شباهت دارد و مقصدی جز پوره کردن شهوت از آن حاصل نمی‌شود، این کار، نه باعث ثبات خانواده می‌شود و نه سبب داشتن اولاد و نگهداری آن‌ها.

### فرق بین نکاح موقت و متعه

در بین نکاح موقت و متعه صرف تفاوت لفظی وجود دارد، یعنی اگر لفظ متعه را استعمال کرد، متعه می‌شود و اگر لفظ تزویج یا نکاح را به کار برد، نکاح موقت می‌باشد.

### نکاح شِغَار

**شِغَار در لغت،** مصدر شَاغَرَ و به معنای خالی بودن است. نکاح شِغَار از مهر خالی می‌باشد.

**و شرعاً:** نکاح شغار آن است که مردی خواهر یا دختر خود را به شخصی دیگر به این شرط به نکاح بدهد که او هم دختر یا خواهر خود را به نکاح وی در بیاورد، بدون این که مهر مشخص شود.

### حکم این نکاح

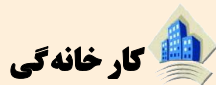
در مذهب حنفی چنین نکاحی همراه با کراهیت درست است و مهر مثل بر شوهر لازم می‌شود. در حدیثی از شغار منع شده است، که مطلب آن کراهیت تحریمی است چون در آن مهر تعیین نشده است، و با کراهیت، فساد مرتب نمی‌گردد.

### فعالیت

شاگردان از مناطق خود معلومات داده بگویند که آیا در آنجا نکاح شغار رایج است یا خیر، اگر رایج باشد کیفیتش چگونه است؟



۱. نکاح متعه را تعریف کنید.
۲. حکم نکاح متعه چیست؟
۳. نکاح موقت از نکاح متعه چه فرق دارد؟
۴. نکاح شغار را تعریف و حکمش را بیان کنید.



در باره حرمت نکاح مُتعه با کمک استادان و علمای شریعت اسلامی یک مقاله مستدل بنویسید!



## مهر

هرگاه زنی به نکاح شخصی در آمد، بر مرد مهر لازم می‌شود که بعد از عقد نکاح، مهر همسرش را ادا نماید.

### تعریف مهر

مهر به مالی گفته می‌شود که پرداخت آن بر اساس عقد نکاح بر مرد واجب می‌شود.

### مشروعیت مهر

مهر از قرآن کریم، و سنت ثابت است.

- ۱- قرآن کریم: الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾ [النساء: ۴] ترجمه: "و مهر زنان را به عنوان هدیه‌یی با طیب خاطر به ایشان بدهید"
- ۲- حدیث: نبی اکرم ﷺ به شخصی که اراده نکاح داشت فرمود: «الْتِمِسْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: «اگر انگشتری از آهن هم باشد، در پرداخت آن تلاش کن». یعنی این که دادن مهر یک امر حتمی است.

### حکمت وجوب مهر در نکاح

دادن مهر نشاندهنده اهمیت و جایگاه والای عقد نکاح و عزت و احترام به شخصیت و مقام زن است. و مرد به این طریق حسن نیت و صداقت و فداکاری اش را نشان می‌دهد و برای به دست آوردن مصلحت‌ها و مقاصد نکاح، زمینه خوبی را فراهم می‌سازد و این پیوند مادی، پیوند معنوی زن و شوهر را استحکام می‌بخشد. زن با دریافت مهر، می‌تواند، ضرورت‌های زنده‌گی اش را تهیه نماید؛ زیرا مصرف مال سبب می‌شود که زن و شوهر زنده‌گی مشترک شان را به خوشحالی و آسانی سپری کنند.

۱ - صحیح البخاری .

## مهر، حق زن است

از مطالب ذکر شده، روشن شد که مهر، حق خود زن است و او هر طور که بخواهد، می‌تواند در آن تصرف کند. برای اولیای او از نظر شرع جایز نیست که بدون رضایت زن، مهر را از وی بگیرند. چنان که در زمان ما بعضی از پدران، اولیا و خویشاوندان دختر مهر را حق خود می‌دانند و آن را حیف و میل می‌کنند کاری زشت و ناروا است. خداوند متعال، خطاب به شوهران می‌فرماید:

﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾ [النساء: ۴]

ترجمه: «و مهر زنان را به عنوان هدیه‌یی از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید».

## حکم مهر

بر مرد واجب است که مهر زنش را بدهد. لازم به یادآوری است که مهر در نکاح، رکن و شرط نیست، بنابراین اگر کسی بدون ذکر مهر نکاح کرد، نکاح صحیح و مهر مثل واجب می‌شود.

## اندازه مهر

کم‌ترین اندازه مهر، ده درهم شرعی معادل (۱۵ گرم نقره) است و اکثر آن حد و اندازه ندارد، به هر اندازه‌یی که با هم راضی شدند و به تفاهم رسیدند، می‌تواند، بدهد.

## چه چیزی می‌تواند مهر واقع شود؟

هر چیز معلوم و دارای ارزش که سپردن آن در توان و صلاحیت مرد باشد می‌تواند، مهر زن قرار بگیرد، فرق نمی‌کند، طلا باشد یا نقره، بانک نوت باشد و یا چیزهای مشابه دیگر، همه را می‌توان به زن به عنوان مهریه داد.

## مهر چه وقت لازم می‌شود؟

هرگاه مهر تعیین شد در دو صورت پرداخت آن لازم می‌گردد:

۱. در صورتی که مرد با زنش همبستر شود.

۲. و یا در صورتی که مرد بمیرد.

## انواع مهر

مهر، از نظر فقهای گرامی، دو قسم است:

۱- مهر مسمی.

۲- مهر مثل.

۱- مهر مسمی: به مهری گفته می‌شود که هنگام عقد یا بعد از آن، به رضایت زن و شوهر تعیین گردد.

۲- مهر مثل: مهری است که قبلاً خواهر یا عمه عروسی کرده زن، گرفته باشد، یعنی در بین خویشاوندان هم عصر و همسان او کسی به هر اندازه مهر گرفته باشد، آن مهر مثل گفته می‌شود.

## حالات وجوب مهر مثل

در حالات ذیل مهر مثل واجب می‌شود:

۱- هرگاه در نکاح مهر ذکر نشده باشد.

۲- هرگاه چنان چیزی به عنوان مهر تعیین شود که از نگاه شرع مال نباشد. مانند شراب.

۳- هرگاه زن و شوهر به ندادن و نگرفتن مهر اتفاق کرده باشند.

## مستحب است که مهر کم باشد

چنان که در گذشته گفتیم بیشترین مقدار مهر حد و اندازه ندارد و جانبین به هر مقداری که توافق نمایند، درست است؛ این یک رمز مادی است که عزت و جایگاه زن را نشان می‌دهد، لازم نیست که حد و اندازه آن معلوم شود. از جانب دیگر، زنان از لحاظ صفات و درجات باهم فرق دارند؛ اما در این زمینه اسراف جایز نیست، بلکه مستحب این است که مهر کم باشد. رسول الله ﷺ آسان گرفتن در مهر را سبب برکت دانسته، فرموده است: «خَيْرُ الصَّدَاقِ أُيْسَرُهُ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: «بهترین مهر کم‌ترین آن است». و فرموده است: «أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَاتٌ أَيْسَرُهُنَّ مَوْنَةٌ»<sup>(۲)</sup> ترجمه: «با برکت‌ترین زنان آنانی اند که خرج و مصرف عروسی شان کم باشد»

مصلحت عمومی هم تقاضا می‌کند که مهر کم باشد، چرا که این کار هم به نفع جامعه و هم به نفع زوجین است. بسیاری از دختران به خاطر زیاد بودن مهر و توقعات بلند و بالا، از ازدواج

۱ - سنن بیهقی.

۲ - مستند احمد.

بازمانده اند و بسیاری از جوانان به همین خاطر نمی توانند ازدواج کنند و ایجاد چنین موانع در برابر زن و شوهر گاهگاهی سبب منکرات و اعمال ناروا می شود. ایجاب می کند تا در مطابقت با روح و تعلیمات شریعت اسلامی ازدواج آسان شده و تمام موانع از جمله مهریه های گزاف از سر راه ازدواج جوانان برداشته شود.

## فعالیت

معلم شاگردان را به سه گروه تقسیم کند تا آن ها در بین خود در باره مشروعیت و حکمت و انواع مهر، و این که مهر حق زن است باهم بحث کنند.



۱. مهر چیست؟
۲. دلیل مشروعیت مهر کدام است؟
۳. به چه حکمتی در نکاح مهر واجب شده است؟
۴. آیا مهر حق خود زن است؟
۵. حکم مهر چیست؟
۶. در باره اندازه مهر چه می دانید؟
۷. مهر چه وقت لازم می شود؟
۸. مهر چند نوع است؟
۹. بهترین مهر کدام است؟
۱۰. در کم بودن مهر به مصالحی نهفته است؟

## ولیمه

طوری که از لابلای درس های گذشته معلوم گردید، شریعت اسلامی نکاح را روا دانسته، و این را هم سنت قرار داده است که برای اعلام آن ولیمه داده شود.

### تعریف ولیمه

**در لغت:** ولیمه از وَلَمَهُ گرفته شده است که به یک جا شدن و تکمیل گشتن یک چیز اطلاق می شود.

**و در شریعت:** به غذایی یا طعامی گفته می شود که به مناسبت عروسی و یا کدام خوشحالی دیگر تهیه می شود.

### حکمت ولیمه نکاح

حکمت مشروعیت ولیمه این است که از یک طرف دوستان در این خوشی شریک شوند و شکر این نعمت بزرگ را ادا کنند و از طرف دیگر مردم از نکاح با خبر شده و فرق نکاح مشروع و روابط پنهانی نامشروع برملا گردد.

### حکم ولیمه

ولیمه، سنت مؤکد است، وقتی عبد الرحمن بن عوف ازدواج کرد. رسول الله ﷺ به او فرمود: **{أُوْمٌ وَ لَوْ بِشَاةٍ}**<sup>(۱)</sup> "غذای عروسی تهیه کن هرچند یک گوسفند هم باشد".

### قبول کردن دعوت ولیمه

قبول کردن دعوت ولیمه سنت است، بر مسلمان لازم است که در آن شرکت کند و با شرکتش برادر مسلمانش را خوشحال بسازد، اگر نرفت گنهکار می شود، در حدیثی ر رسول الله ﷺ فرموده است: **«وَمَنْ لَمْ يُجِبِ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ»**<sup>(۲)</sup>

۱ - صحیح البخاری.

۲ - صحیح مسلم .

ترجمه: «کسی که دعوت را اجابت نکند، در واقع نافرمانی خدا و رسولش را کرده است»  
«إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى وَلِيمَةٍ عُرْسٍ فَلْيُجِبْ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: «هرگاه یکی از شما به ولیمه عروسی دعوت شد، باید آن را اجابت کند».

### ولیمه‌یی که در آن منکرات باشد

اگر در مجلس ولیمه منکرات و کارهای ناروا (مانند رقص مختلط، ساز و سرود ناروا) انجام می‌گرفت، در این صورت قبول کردن دعوت لازم نیست؛ زیرا قبول کردن دعوت در صورتی سنت است که در آن منکرات وجود نداشته باشد.  
هرگاه شخصی بی‌خبر از منکرات به محفل شرکت نمود، در این صورت اگر می‌توانست، جلو آن را بگیرد و اگر توان جلوگیری را نداشت باید با اهل منکرات همراهی نکند.

### برخی از آداب ولیمه

۱. از اسراف باید پرهیز گردد، چراکه مال نعمت الهی است و باید در جای مناسب به مصرف برسد، و مصرف مال برای تفاخر و خودنمایی گناه است و سبب بدبختی می‌شود.
۲. اختلاط و یکجا شدن زنان و مردان نامحرم در عروسی ناروا است. توجه به حجاب اسلامی در هر وقت لازم است، در غیر آن، امکان دارد، مفاسد گوناگون رخ دهد.
۳. عروسی جای خوشحالی است، ولی این خوشی نباید با کارهای به دور از دایره شریعت آمیخته شود.
۴. اگر به ولیمه ثروتمندان دعوت شوند اشکالی ندارد؛ اما فقرا هم نباید از غذا و اشتراک در محفل محروم کرده شوند. در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْعَى لَهَا الْأَعْنِيَاءُ وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ»<sup>(۲)</sup>. ترجمه: «بدترین غذا غذای ولیمه‌یی است که پولداران به آن دعوت می‌شوند و فقرا دعوت نمی‌شوند».

۱ - صحیح مسلم.

۲ - صحیح البخاری.

۵. بستن نکاح در مسجد سنت است. در این باره رسول الله ﷺ می‌فرماید: «أَعْلِنُوا هَذَا التَّكَاحَ وَاجْعَلُوهُ فِي الْمَسَاجِدِ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: یعنی شما این نکاح را به طور علنی و در مساجد ببندید.

### فعالیت

شاگردان در بین خود بررسی کنند که ولیمه رایج در مناطق آنها تا چه حد با شریعت سازگار است.



۱. ولیمه را تعریف کنید.
۲. حکمت ولیمه نکاح را بیان نمایید.
۳. حکم ولیمه چیست؟
۴. آیا قبول کردن دعوت ولیمه لازم است یا خیر؟
۵. اگر در ولیمه ای منکرات باشد، آیا رفتن به آن لازم است؟
۶. رعایت کدام آداب در وقت ولیمه لازم است؟



شاگردان در مورد رسم و رواجهای مخالف شریعت در مراسم عروسی و روش‌های مبارزه با آن مقاله بنویسند که از پانزده سطر کم نباشد.

## حقوق زن و شوهر

پس از بسته شدن نکاح، شریعت حقوق و مکلفیت هایی را بر مرد و زن تعیین کرده و رعایت آن را لازم گردانیده است.

### حقوق زن بر شوهر

برخی از حقوق زن بر شوهر ازین قرار است:

۱- **دادن مهر:** هنگامی که عقد نکاح بسته شد، دادن مهر بر مرد لازم می شود، الله ﷻ می فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾ [النساء: ۴] " و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید."

۲- **نفقه:** زن، بعد از آنکه به عقد مرد در آمد، شوهر مکلف است نفقه او را تأمین کند؛ و نفقه عبارت از خوراک، لباس، و جای سکونت می باشد الله ﷻ می فرماید:

﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾ [الطلاق: ۶]

ترجمه: "همانجا که [خود] سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و ضرر] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید."

وقتی بعد از طلاق در حالت عدت، نفقه لازم باشد، قبل از طلاق به طریق اولی لازم است؛ چراکه زن خود را به مرد وابسته ساخته و در اختیار اوست، پس نفقه اش هم بر مرد لازم می شود.

و می فرماید: ﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۷]

ترجمه: "بر توانگر لازم است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده، خرج کند خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است، مکلف نمی گرداند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می کند."

و اندازه نفقه به قدر کفایت و مطابق قدرت و توان مالی مرد است و نباید در آن اسراف صورت گیرد.

### نفقة زنی که کار می کند

اسلام، زن را مکلف نساخته است که کار کند، چون او به پیدا کردن نفقه مکلف نیست، بلکه نفقه اش بر اشخاص دیگر لازم است: نفقه دختر بر پدر، نفقه خواهر بر برادر توانمند، نفقه مادر بر فرزندان لازم می باشد، در صورتی که قدرت نفقه دادن را داشته باشند و نفقه زن بر شوهر لازم است؛ اما با آن هم اسلام به زن حق کار کردن داده است مشروط به شرایط ذیل:

**الف-** اگر زن شوهر دار باشد، اجازه شوهر لازم است.



ب- با مردان بیگانه در اختلاط و خلوت نباشد.

ج- کار با طبیعت زن برابر باشد، مثل: خیاطی، تعلیم، طبابت و امثال آن. دولت و جامعه مکلف اند که زنان را به کارهای شاقه و ادار ن سازند.

و مالی که زن پیدا می کند، تنها حق اوست و فقط خودش حق تصرف در آن را دارد و شوهر یا دیگران نمی توانند، بدون رضایت زن مال او را بگیرند.

۳- احسان و زنده گی در فضای مسالمت آمیز: زن یک امانت الهی نزد مرد است؛ لذا بر مرد واجب است که با زنش به خوبی رفتار کند تا زنده گی شان در فضای پر از مهر و محبت سپری گردد. الله ﷻ می فرماید: **﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾** [النساء: ۱۹]

ترجمه: "و با آنها به شایسته گی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن مصلحت فراوانی قرار می دهد."

دریک حدیث شریف رسول الله ﷺ می فرماید: **«أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ»**<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «کسی دارای کامل ترین ایمان است که دارای بهترین اخلاق باشد، و بهترین شما کسی است که با اهل (اعضای خانواده اش) رفتار نیکو داشته باشد».

### برخی از آداب حسن معاشرت قرار ذیل است

• مرد بر اشتباه های زن صبر کند، رسول الله ﷺ فرموده است: **«لَا يَفْرُكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ»**<sup>(۲)</sup> ترجمه: «مرد مؤمن از زن مؤمنه اش نفرت نکند و با او کینه نداشته باشد، چون اگر از یک خوی او خوشش نیاید، خوی دیگرش را خواهد پسندید».

• در نفقه زن وسعت اختیار نماید، و با دادن تحایف گاه گاهی او را نوازش کند، چون در حدیث آمده است که تحفه کدورت دل را می زداید.

• با زنش خوش خوئی و خوش کلامی کند، از احادیث ثابت است که رسول الله ﷺ با ازواج مطهراتش خوش طبعی می کرد.

• مسایل ضروری دین را به همسرش یاد بدهد تا او در روشنی آن بتواند، امور زنده گی اش را در چارچوب شریعت به پیش برد، الله ﷻ می فرماید:

**﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾** [التحریم: ۶]

۱ - متفق علیه.

۲ - صحیح مسلم .

ترجمه: " ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده تان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید "

• در کارهای خانه با او کمک نماید، چنان‌که از عایشه -رضی الله عنها- روایت است که پیامبر اکرم ﷺ در کارهای خانه با او کمک می‌کرد.<sup>(۱)</sup>

• اگر بیش از یک زن داشته باشد، مطابق رهنمایی‌های شریعت در بین شان عدالت را رعایت نماید. اگر مرد عذر موجه نداشته باشد، بیش از چهار ماه از زنش جدا نشود، حضرت عمرؓ شبی در مدینه منوره برای بررسی حالات، گشت می‌کرد صدای زنی را شنید که شوهرش به جهاد رفته بود و در فراق او شعری را می‌خواند و اظهار افسرده گی میکرد. به دنبال آن حضرت عمرؓ از دخترش بی بی حفصه (رضی الله عنها) پرسید که یک زن تا چه مدت می‌تواند، فراق شوهرش را صبر کند؟ او گفت: چهار ماه، بناء حضرت عمرؓ به لشکرش دستور داد تا بیش از چهار ماه از خانه دور نشوند. اگر اضافه تر از چهار ماه ضرر نمی‌داشت، خداوند متعال در موضوع ایلاء جدایی میان زن و شوهر را روا نمی‌ساخت.

## فعالیت

شاگردان در این باره معلومات بدهند تا در مناطق آنان، مردها تا چه حد با زنان حسن معاشرت دارند و به خوبی رفتار می‌کنند.



۱. حقوق ذیل را که زن بر مرد دارد به تفصیل بیان کنید:

الف - دادن مهر به زن.

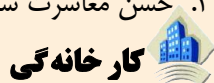
ب- تأمین نفقه زن.

ج- احسان و خوبی با زن.

۲. تأمین نفقه، مکلفیت مرد است؛ اما اگر زن بخواهد آیا می‌تواند کار کند؟

۳. اگر زن پولی به دست آورد، شوهر مسؤولیت نفقه اش را دارد یا خیر؟

۴. حسن معاشرت شامل کدام آداب می‌شود؟



در باره حقوق زن از نظر شریعت اسلامی یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

## حقوق شوهر بر زن

شوهر بر زن حقوق ذیل را دارا است:

۱ - **اطاعت شوهر:** اسلام بر زن اطاعت شوهرش را در امور مشروع واجب ساخته است. چون خانواده بخشی از جامعه انسانی است. و همه افراد جامعه در هر سطحی که باشند در مکتب، دفتر، کارخانه، شرکت و حکومت به یک رهبر و سرپرست نیاز دارند، بنابراین مرد که از یک طرف از نظر جسمی و ذهنی توانمندی های بیش تری دارد، و از طرف دیگر در میدان زنده گی به گونه عملی در حال تمرین و کسب تجارب است، از طرف خداوند به عنوان سرپرست خانواده تعیین شده است. و تمویل کننده خانواده می باشد و تأمین نفقه همه اعضای خانواده بر دوش اوست، پس اطاعت او بر زن و فرزندان لازم است. الله ﷻ می فرماید: **﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾** [النساء: ۳۴]

ترجمه: "مردان سرپرست زنان اند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند."

در حدیثی رسول الله ﷺ فرموده است: **«إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَحَفِظَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا قَبِلَ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةِ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ»**<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «هر زنی که نماز پنج وقتش را ادا کند، و ماه رمضان را روزه بگیرد، و شرمگاهش را حفظ کند، و از شوهرش اطاعت نماید، به او گفته خواهد شد: از هر دروازه جنت که می خواهی، در جنت داخل شو!».

در حدیثی دیگر آمده است که حضرت عائشه (رضی الله عنها) از رسول الله ﷺ پرسید: چه کسی نسبت به همه، بر زن حقدارتر است؟ آن حضرت فرمودند: «شوهرش». دوباره پرسید: بر مرد چه کسی نسبت به همه حقدارتر می باشد؟ فرمود: «مادرش».<sup>(۲)</sup>

۱ - مسند أحمد

۲ - السنن الکبری.

## ۲- خارج نشدن از منزل بدون ضرورت و بی اجازه شوهر

شوهر، بر زن این حق را دارد که همسرش بدون اجازه او و بدون ضرورت از خانه خارج نشود، تا به امور خانه و تربیت فرزندان رسیده بتواند، و خود را از افتادن در فتنه‌ها محافظت نماید. سرپرستی مرد به این معنا نیست که او استبداد و زورگویی کند، بلکه در کارهای مشترک مشورت نموده، از هر صاحب نظری در خانه، نظر خواهی کند، و پس از گرفتن یک تصمیم مشترک، همه از سرپرست فامیل اطاعت می‌کنند.

## ۳- حفاظت و نگهداری از عزت، خانه، مال، و فرزندان

شوهر بر زن حق دارد که او آبرو، خانه، مال و دارایی و فرزندان شوهر را محافظت کند، نبی اکرم ﷺ فرموده است: (زن محافظ خانه و فرزندان شوهر است و در برابر او مسؤول می‌باشد)<sup>(۱)</sup> الله ﷻ در باره زنان صالح می‌فرماید: ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾ [النساء: ۳۴].

ترجمه: "پس زنان راستکار، فرمان بردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند."

در حدیثی از رسول الله ﷺ زن صالحه چنین وصف شده است: «المرأة الصالحة، إذا نظر إليها سرته، وإذا أمرها أطاعته، وإذا غاب عنها حفظته»<sup>(۲)</sup> ترجمه: «زن نیکوکار و صالح آن است که هرگاه (شوهر) به سویش نگاه کند، او را خوشنود نماید، هرگاه به او دستور دهد، اطاعت کند، و در نبودش (از هر چیز او) محافظت نماید.»

از لحاظ دیانت، مناسب است که به خود اعتماد داشته باشد و کارهای خانه را خود انجام دهد و به فکر گرفتن خادم نباشد، چراکه در خانه موجودیت خادم در کنار شوهر و فرزندانش گاه‌گاهی سبب بروز مشکلات می‌شود. رسول اکرم ﷺ بین دخترش فاطمه و شوهر او حضرت علی -کرم الله وجهه- کارها را چنین تقسیم کرد که فاطمه -رضی الله عنها- کارهای درون خانه را انجام دهد، و حضرت علی -کرم الله وجهه- کارهای بیرون خانه را.<sup>(۳)</sup>

۱ - صحیح مسلم.

۲ - سنن ابی داود.

۳ - مشکاة المصابیح.

۴- **زینت و آرایش کردن برای شوهر:** یکی از حقوق مرد بر زن این است که زن خود را خود را در لباس و شکل و قیافه‌یی خوب ببیند، تا محبت در بین آن‌ها زیاد شود. رسول کریم ﷺ فرموده است: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ، إِنْ نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّتَهُ، وَإِنْ أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ، وَإِنْ غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: «دنیا متاعی است که از آن نفع برده می‌شود، و بهترین متاع دنیا زن صالحه و نیک است که اگر مرد به او نگاه کرد، خوشحال شود، و اگر دستوری به او داد اطاعتش نماید و در غیاب او خود را و مال او را محافظت کند».

### حقوق مشترک زن و شوهر

۱- **هر دو در کنار هم** به خوبی و در فضای اعتماد و مسالمت آمیز زنده‌گی خوش و خرمی داشته باشند، الله ﷻ می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» [النساء: ۱۹]

ترجمه: «و با آن‌ها به شایسته‌گی رفتار کنید»

و می‌فرماید: «وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» [البقره: ۲۲۸] ترجمه: «و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است».

### ۲- استمتاع و لذت گرفتن مشروع از همدیگر.

۳- **انجام دادن کارهای داخل خانه**، مثل: نگاه‌داری از فرزندان، کمک به یکدیگر و نصیحت و رهنمایی همدیگر به نیکی و تقوا. الله ﷻ می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» [المائدة: ۲] ترجمه: «و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.»

۴- **حق وراثت:** زن و شوهر، شرعاً بر یکدیگر حق وراثت دارند، هرگاه یکی از آن دو، فوت کرد، دیگری از او میراث می‌برد.

## فعالیت

شاگردان به سه گروه تقسیم شده در باره این موضوعات با هم بحث کنند:

۱. اطاعت شوهر تا چه حد برزن لازم است، و به کدام دلیل؟
۲. در حدیث شریف اوصاف زن نیک، چگونه بیان شده است؟
۳. زن و شوهر چه حقوق مشترکی بر یکدیگر دارند؟

## سؤالها

۱. در کدام امور، زن از شوهرش باید اطاعت کند؟
۲. آیا زن می‌تواند بدون ضرورت و بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود؟
۳. زن در برابر شوهر مسؤولیت محافظت از چه چیزهایی را بر عهده دارد؟
۴. اگر زن خود را به شوهرش زینت کند، چه ارزشی دارد؟
۵. حقوق مشترک زن و شوهر کدام اند؟

## کارخانه‌گی

در باره حقوق شوهر یک مقاله همراه با دلایل بنویسید.

## حجاب

### تعریف حجاب

**حجاب در لغت:** ستر و پوشش را گویند.

**و در شریعت:** عبارت است از این که زن عورت خود را بپوشاند، و نگاهش را حفاظت کند، و از نشست و برخاست بی جا با مردان و خلوت با مردان بیگانه بپرهیزد.

### حکم حجاب

اسلام دین فطرت است و در احکام و تعلیمات خود حفاظت و سلامت جسمی و روانی انسان را در نظر دارد، موضوع لباس و پوشش یکی از قضایایی است که شریعت اسلامی به آن توجه مبذول نموده و مسلمانان اعم از مردان و زنان را به پوشش مناسب و رعایت حیا و حشمت در لباس در همه وقت، به ویژه در هنگام بیرون شدن از خانه و رفتن به اماکن عامه امر کرده است.

همان طوری که مردان حق ندارند بدون ستر عورت و با لباس نامناسب و مخالف حیا و حشمت در اماکن عمومی ظاهر شوند؛ زنان نیز مکلف گردیده اند تا حجاب یا پوشش شرعی را در وقت بیرون شدن از منزل و ظاهر شدن در اماکن عمومی و روبرو شدن با مردان نامحرم مراعات نمایند. قرآن کریم و سنت نبوی رهنمایی های خاصی در باره حجاب دارد: الله تعالی می فرماید:

﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِجُمُرِهِنَّ عَلَى خِطْمِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱]

ترجمه: "و به زنان با ایمان بگو دیده گان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند؛ مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهای شان را جز برای شوهران شان یا پدران شان یا پدران شوهران شان یا پسران شان یا پسران شوهران شان یا برادران شان یا پسران برادران شان یا پسران خواهران شان یا زنان [همدین] شان یا کنیزان شان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان و قوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه یی

به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند، معلوم گردد. ای مؤمنان همه گوی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید به امید آن که رستگار شوید "

**و در جای دیگری می‌فرماید:**

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [أحزاب: ۵۹] ترجمه: «ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزندهٔ مهربان است».

**دلایل از سنت:**

حضرت عائشه -رضی الله عنها- می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي الْفَجْرَ، فَيَشْهَدُ مَعَهُ نِسَاءً مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ، مُتَلَفَعَاتٍ بِمُرُوطِهِنَّ ثُمَّ يَرْجِعْنَ إِلَى بُيُوتِهِنَّ مَا يَعْرِفُهُنَّ أَحَدٌ، مِنْ الْعَلَسِ».<sup>(۱)</sup>  
«در نماز صبح، زنان مؤمن نیز با رسول الله ﷺ شرکت می‌کردند، به گونه ای که خود را از سر تا پای در حجاب شان پوشانده بودند و وقتی به خانه بر می‌گشتند، بر اثر رعایت حجاب و تاریکی اول وقت صبح کسی آنان را نمی‌شناخت».

در حدیث شریف دیگری آمده است که رسول الله ﷺ به اسماء -رضی الله عنها- که لباس نازکی پوشیده بود، فرمود: «يَا أَسْمَاءُ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَحِيضَ لَمْ يَصْلُحْ أَنْ يُرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَهَذَا وَأَشَارَ إِلَى وَجْهِهِ وَكَفَّيْهِ»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: " ای اسماء! وقتی زن به سن حیض رسید (جوان شد) مناسب نیست که هیچ بخشی از بدنش دیده شود مگر این و این و به روی و دو کف دستش اشاره کرد".  
بناءً از رهنمایی های قرآنی و سنن نبوی فوق به خوبی روشن شد که توجه به حجاب و رعایت آن بر هر زن مسلمان لازم است، و همچنان بر مردان لازم است که بدون ضرورت به زنان نا محرم نگاه نکنند و از رفتن به جاهای تهمت انگیز اجتناب نمایند.

۱ - صحیح البخاری.

۲ - سنن الکبری للبيهقي.



## حکمت مشروعیت حجاب

یکی از مکارم اخلاقی شریعت محمدی حیاء است که رسول الله ﷺ آن را بخشی از ایمان دانسته است، و حیایی که از نظر شرعی و عرفی به رعایت آن امر شده، این است که زن هر کدام از مرد هر دو دارای چنان اخلاقی باشد که او را از فتنه‌ها و جاهای شک آفرین دور نگهدارد. شکی نیست که پوشیدن حجاب برای زن، وسیله‌یی است که زنان را از تجاوز افراد هرزه و فتنه‌های دیگر مصون می‌دارد.

رعایت حجاب و منحصر ساختن روابط جنسی در چار چوب زندگی زنا شویی شرعی، سلامت جسمی و روانی جامعه را تأمین می‌کند، روابط صمیمانه زن و شوهر را تحکیم می‌بخشد و ارزش آن دو را در مقابل یکدیگر بالا می‌برد و از ضایع شدن نیروی فکری و کاری جوانان که ستون فقرات جامعه اند، جلوگیری می‌کند.

رعایت حجاب بر زنان و نه بر مردان به خاطری لازم شده است که زن از نظر خلقت جسمی همیشه مرغوب و مورد پسند و طلب مرد است و همین کشش و جاذبه فطری در زن سبب می‌شود تا مرد طلبگار و خواستگار زن باشد.

با در نظر داشت این حقیقت علمی و فطری، اسلام به حیث دین واقعی و فطری زنان را به پوشش جسم شان در برابر نظر مردان نامحرم مکلف ساخته است تا از نظرهای ناپاک محفوظ و مصون باشد از این‌رو رعایت حجاب در حق زنان یک تکریم و تشریف است و نه تبعیض و محدود ساختن زنان.

## تشریح احکام حجاب

### دستور داده شده است تا از عفت محافظت شود

الله ﷻ به زنان دستور داده است تا عفت خود را محافظت کنند. حجاب و پوشش یکی از مهم ترین وسایل حفظ عفت و کرامت است؛ زیرا کشف عورت سبب می‌گردد که مردان به سوی آن‌ها نگاه کنند و در آخر به زنا و فحشا کشانده شوند. به همین خاطر رسول الله ﷺ فرموده است: " چشم هم زنا می‌کند و زنا می‌چشم دیدن است."

### پایین افگندن چشم یا ندیدن به طرف نامحرم

به ارتباط حجاب و پوشش نخستین امر به مرد و زن، پایین افگندن چشم است، مقصد از آن، این است که از زنا می‌چشم جلوگیری شود، چنان‌که نگاه مرد به سوی زن نامحرم سرچشمه فتنه است نگاه زن به طرف مرد نامحرم نیز منبع فساد، به شمار می‌آید.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که به محاسن وزیبايي زن نگاه کند، خداوند متعال در روز قیامت به چشمان او سرب می‌اندازد»<sup>(۱)</sup>

شریعت اسلامی نمی‌خواهد، جمال و زیبایي را سرکوب کند، بلکه می‌خواهد مرد زن دلخواهش را به نکاح بگیرد و او را محور توجه و تلذذ خود بسازد و با انحصار همه چیزش به او از فحشا و اعمال ناروا دوری‌گزیند.

### نشان دادن زینت ممنوع است

پایین انداختن چشم یعنی ندیدن بطرف نامحرم، هم بر مرد و هم بر زن لازم است، اما آشکار ساختن زینت و عورت زن بر زنان هم حرام می‌باشد، و چنان‌که در درس قبلی خواندید همه بدن زن غیر از روی و دو کف دستش عورت است و نشان دادن به مردان نامحرم جایز نیست.

### زینتی که نشان دادنش جواز دارد

زینتی که می‌تواند، زن آن را آشکار کند دارای یک چوکات معین است، و آن عبارت است از لباس، دو دست، روی، سرمه چشم، خینه، زیورات مانند انگشتری دست. زن می‌تواند این زینت‌ها را به کسانی نشان دهد که نکاحش با آنها برای ابد حرام است و یا به اطفال و خادمانی که هیچ رغبتی به مسایل جنسی ندارند.<sup>(۲)</sup>

و اضافه بر آن، به زنان این دستور هم داده شده است که در وقت راه رفتن، پاهای خویش را سخت بر زمین نزنند تا صدای پا زیب‌شان سبب جلب توجه مردان نامحرم نشود.

### پوشاندن عورت

پوشاندن عورت چه در نماز باشد یا خارج از نماز، یکی از فرایض مسلمان است، و حتا در جایی که هیچ کس نباشد هم پوشاندن عورت لازم است. در حدیثی آمده است که صحابی از رسول الله ﷺ پرسید اگر ما تنها باشیم چه کنیم؟ رسول الله ﷺ فرمود: خداوند بیش از همه حقدارتر است که مردم از او حیا کنند.<sup>(۳)</sup>

### مسائل ستر عورت

۱. بر مرد و زن نامحرم جایز نیست که بدون ضرورت، بار بار به یکدیگر نگاه کنند، بلکه تنها نگاه اول جایز است. اگر ضرورت بود، مثل وقت گواهی دادن یا بجای مرض، نظر کردن داکتر جواز دارد.
۲. بر مرد نامحرم، همه بدن زن به جز روی و دو دست و قدم‌های او عورت است.

۱ - سنن ابی داود.

۲ - تفسیر ابن کثیر.

۳ - سنن الترمذی .

۳. بر مردان محرم از ناف تا زانو، شکم و پشت عورت است. یعنی نگاه کردن آن‌ها به روی، سر، سینه، زانو‌ها، بازوها، و موها جایز است به شرطی که خطر شهوت وجود نداشته باشد.
۴. شوهر می‌تواند به تمام قسمت‌های بدن خانمش نگاه کند و آن را لمس نماید.
۵. یک زن به تمام بدن زن دیگر به جز عورت او دیده می‌تواند، اما نگاه کردن از ناف تا زانو جایز نیست (شکم و پشت هم شامل این می‌باشد) که عورت می‌باشد، و لی داکتر زن، به خاطر ضرورت به شرمگاه دیده می‌تواند.
۶. عورت مردان از ناف تا زانو است.
۷. در خارج از منزل و در پیش روی مردان نامحرم پوشیدن لباس‌های چسبیده به بدن که برجسته‌گی‌های بدن زن معلوم شود، جایز نیست، هرچند خواندن نماز با چنین لباسی به خاطر پوشیده بودن عورت، جایز است؛ اما رعایت حجاب مستلزم پوشیدن لباس فراخ است. باید در نظر داشت که دین اسلام احکام حجاب و حشمت را برای حفاظت و مصونیت فرد و جامعه وضع نموده است و هدف از آن ایجاد یک جامعه سالم و پاک از هر نوع مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. رعایت حیا و حجاب از طرف زنان و یا پوشیدن لباس با حشمت از طرف مردان و رعایت آداب اجتماعی در لباس و حرکات هیچگاه به معنای وضع قیود و محدودیت بر انسان‌ها نیست و نه تنها راه تعالی و پیشرفت جامعه را سد نمی‌کند؛ بلکه سبب آرامش و سکون روحی و جسمی جامعه شده و برای انکشاف و پیشرفت جامعه ممد واقع می‌شود.

### فعالیت

فکر کنید که در مرکز ولایت شما چقدر خانه‌های زیبا و گران قیمت وجود دارد، خانه خود را از لحاظ زیبایی و قیمت با آن مقایسه کنید، ممکن است، بسیار تفاوت داشته باشد، اما آن خانه‌یی که از خود شما است، به شما از آن خانه قیمتی بیش‌تر ارزش دارد، به همین طریق زن وشوهری که به گونه شرعی خود را به یکدیگر اختصاص داده اند، برای یکدیگر بسیار ارزشمند هستند.



۱. حجاب را تعریف کنید.
۲. حکم حجاب چیست؟
۳. حکمت مشروعیت حجاب را بیان کنید.
۴. در احکام حجاب کدام مسایل ضروری است؟
۵. زن به چه کسانی می‌تواند، زینتش را نشان دهد؟

## راه حل مشکلات زنا شویی

بنابر تقاضای طبیعت انسانی گاهگاهی در امور زناشویی مشکلات و غلط فهمی هایی میان زن و شوهر بروز می کند، اسلام راه های حل آن را به ما نشان داده است.

### تصویر اصلی خانوادهٔ مسلمان خوشبخت

خداوند متعال انسان ها را مکلف کرده است تا با یکدیگر به خوبی رفتار کنند و به فکر برآوردن نیازهای همدیگر باشند و درد سر نیافرینند. به خصوص زن و شوهر که نزدیک ترین افراد به یکدیگر هستند. بیش از دیگران به صبر و فداکاری و خلق نکردن مشکل به همدیگر تشویق شده اند. از همین رو، دین مقدس اسلام رهنمایی خاصی به زن و شوهر دارد. به مرد می گوید: «و عاشروهن بالمعروف؛ با زنان به نیکی رفتار کنید».

در حدیثی آمده است که: «در نزد خداوند بهترین شما کسی است که با همسرش بسیار خوب رفتار کند، و من نسبت به همهٔ شما با همسرانم رفتار خوبی دارم.»<sup>(۱)</sup>

به همین طریق به زنان هم دستور داده شده است که از شوهران خود اطاعت کنند. «اگر سجده جز در مقابل الله بر کسی دیگر جایز می بود، به زنان امر می شد که در مقابل شوهران شان سجده کنند.»<sup>(۲)</sup>

این همه، به خاطری است که آسیبی به پایه های زنده گی مشترک زنا شویی نرسد و زوجین با خوشبختی زنده گی کنند، چون خوشبختی در مهر و محبت، دلسوزی و اطاعت است؛ اما خشونت و سرپیچی چیزی جز بدبختی به همراه ندارد و سبب فروپاشی خانواده می شود.

با آن هم ممکن است، گاهگاهی بنا بر عوامل طبیعی و محیطی در روابط برخی از خانواده ها سختی های بروز کند، بنابراین دین مقدس اسلام به چنین حالت های ناگوار هم راه حل هایی پیشنهاد کرده است که به این قرار است:

۱ - شرح صحیح البخاری .

۲ - سنن أبي داود .

## راه حل مشکلات زنا شویی

هرگاه مشکلاتی در زنده‌گی زناشویی پیدا شد و زن به ناحق از شوهر نافرمانی می‌کرد، شریعت راه حلی نشان داده است که با نصیحت یا جدا ساختن بستر خواب و یا در آخرین مرحله با طلاق خاتمه می‌یابد. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ۳۴]

ترجمه: «و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد و در اخیر] بزنید ایشان را [بسیار به نرمی اگر مفید بود] پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آن‌ها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است».

یگانه مقصد پیشنهاد این راه حل، تشویق به نگهداری خانواده از فروپاشی است، و این برای اصلاح دلها و حالات یک عمل وقایوی است، نه این که دل‌ها پر از فساد، بغض و کینه شود.

## میانجیگری خانواده زن و شوهر

اگر از طریق راه‌های پیشنهاد شده، مشکلات حل گردید و به جای آن مهر و محبت پیدا شد، خیلی خوب؛ اما اگر مشکلات ادامه داشت، اسلام امر می‌کند که خویشاوندان هر دو طرف مداخله و میانجیگری کنند. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾ [النساء: ۳۵]

ترجمه: «و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد».

شک نیست که از دو طرف برگزیدن افراد خیرخواه، دلسوز و دارای نیت و اراده نیک سبب می‌شود تا هر دو جانب کارهای سپرده شده را با موفقیت به پیش برده و اسباب اختلاف زن و شوهر را بر طرف سازند و روند عادی زنده‌گی مشترک زوجین را دوباره احیا کنند.

### آخرین راه حل

اگر همه این تلاشها ناکام شد و امید اصلاح از بین رفت، در این صورت برای حل مشکل یک راه باقی می‌ماند که طلاق است. الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا

حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۳۰]

ترجمه: «و اگر آن دو از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند و خدا همواره گشایشگر حکیم است.»

در این آیه به زن و شوهری که از بزرگ‌ترین نعمت الهی (زوجیت) محروم شده‌اند، تسلی و دلداری داده می‌شود.

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَنْتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ [البقرة: ۲۳۱]

ترجمه: «و چون آنان را طلاق دادید و به پایان عده خویش رسیدند پس بخوبی نگاهشان دارید یا بخوبی آزادشان کنید و آنان را برای آزار و زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید و هر کس چنین کند قطعاً بر خود ستم نموده است.»

### اگر مشکل از طرف مرد باشد

هرگاه زن دید که شوهرش به او رغبت ندارد و روی می‌گرداند و مشکل خلق می‌کند، بر وی لازم است که خود را از علت این مشکل آگاه سازد و به دنبال علاج آن باشد؛ اما اگر مشکل حل نمی‌شود، زن و شوهر با هم می‌نشینند و در باره حقوق خود صحبت می‌کنند و بالاخره راه صلح و آشتی را می‌یابند.

الله عزوجل می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ

خَيْرٌ﴾ [النساء : ۱۲۸]

ترجمه: "و اگر زنی از شوهر خویش، بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد بر آن دو، گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش بهتر است".

اما اگر شوهر بر حق زن ظلم می‌کرد و نفقه نمی‌داد یا بی‌دین بود و مرتکب اعمال ناروا و خلاف اخلاق می‌شد، اسلام به زن این حق را داده است که نزد قاضی رفته و تقاضای خلع و جدایی کند. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا

خُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا خُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ﴾ [البقره : ۲۲۹]

ترجمه: «و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده اید، چیزی بازستانید؛ مگر آنکه [طرفین] در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند پس اگر بیم دارید که آن دو حدود خدا را برپای نمی‌دارند در آنچه که [زن برای برآمدن از قید نکاح] فدیة دهد گناهی بر ایشان نیست».

### اختیار طلاق در دست شوهر است

الله ﷻ اختیار طلاق را تنها در دست شوهر قرار داده است. در این امر حکمت‌های زیادی نهفته است و به برخی از آن چنین اشاره می‌شود:

۱. مرد نسبت به زن بر عواطف و احساسات خود بیش‌تر کنترل و حاکمیت دارد. اگر طلاق به اختیار زن گذاشته می‌شد. اکثر آن‌ها به خاطر کوچک‌ترین مشکلات به طلاق روی می‌آوردند.
۲. در وقت ازدواج هم، مهر را مرد می‌دهد و مصارف دیگر نیز بر دوش اوست و زن هیچ مصرفی به عهده اش نیست؛ بلکه مهر را به دست می‌آورد؛ لذا مرد، سنجیده قدم بر می‌دارد و به آسانی طلاق نمی‌دهد.
۳. دین مقدس اسلام طرفدار کم‌شدن پدیده طلاق است و به همین خاطر آن را بدترین کار حلال شمرده است؛ اما در صورت مجبورت، فقط به مردان اجازه به کار بستن این کار را داده است. اگر این حق به زن نیز داده می‌شد، این پدیده زشت بیشتر اتفاق می‌افتاد و خانواده با خطر فروپاشی مواجه می‌بود.

## برای مستحکم نگهداشتن روابط فامیلی به این حدیث شریف دقت کنید

رسول الله ﷺ در حدیثی که حضرت علی - کرم الله وجهه - روایت کرده فرموده است: هرگاه امت من پانزده خوی و خصلت را پیدا کرد، بلاها و مشقتها بر سر آنان نازل خواهد شد، از جمله خصلت ذیل را نیز ذکر کرد: «زمانی که مرد از زنش اطاعت کند و مادرش را تنها و بی سرپرست رها نماید، دوستانش را خوشحال بسازد و اما بر پدرش ظلم و ستم روا دارد» (۱)

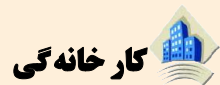
### فعالیت

معلم شاگردان را به سه گروه تقسیم کند تا در باره موضوعات ذیل با هم بحث نمایند:

۱. برای حل مشکلات زن و شوهر چه راه‌هایی پیشنهاد شده است؟
۲. اگر مشکل از طرف مرد باشد، چه باید شود؟
۳. چرا اختیار طلاق به شوهر داده شده است؟



- ۱- تصویر اصلی یک خانوادهٔ مسلمان خوشبخت را بیان کنید؟
- ۲- راه مشکلات موجود میان زن و شوهر چیست؟
- ۳- آخرین راه حل چیست؟
- ۴- اگر مشکل از طرف مرد باشد، چگونه حل می‌تواند شد؟
- ۵- اختیار طلاق در دست شوهر است، در این کار چه حکمت‌هایی نهفته است؟



تصویر اصلی یک خانوادهٔ مسلمان چیست؟ در این باره یک مقاله بنویسید.



## طلاق

زشت ترین حلال در نزد خداوند متعال، طلاق است و اسلام به خاطر حل مشکلات زن و شوهر، آن را در صورت ناگزیری به عنوان آخرین راه حل پیشنهاد کرده است.

### تعریف طلاق

**طلاق در لغت:** به دور کردن قید (رها شدن از قید نکاح) را گفته می‌شود.  
**در اصطلاح:** عبارت است از دور کردن قید نکاح با الفاظ مخصوص.

### حکمت مشروعیت طلاق

طلاق از پدیده های حلالی است که خداوند متعال آن را نمی‌پسندد؛ اما این یگانه راه حل برای خانوادهٔ مریضی است که همه راه حل های دیگر را سنجیده و به نتیجه نرسیده اند، طلاق به حالت داکتری شباهت دارد که مجبور می‌شود عضو فاسد شدهٔ بدن را قطع نماید، تا از سرایت مرض به دیگر بخش های بدن جلوگیری کند.

پس هرگاه حالت زن و شوهر به جایی برسد که خاتمه دادن به کینه و نفرت و ادامه دادن زنده گی در فضای خوشی ناممکن شود، بهتر این است که به خوبی ازهم جدا شده، زنده گی مطلوب و دلخواه تازه‌یی آغاز کنند؛ زیرا نگه داشتن پیوند زنده گی زنا شویی میان زن و شوهر به رغم نفرت و بدبینی‌ها و بستن راه طلاق باعث می‌شود که مریضی به دیگر افراد خانواده هم سرایت کند و طبیعت‌ها را فاسد و پر از کینه و دشمنی نماید و عواطف پاک انسانی را تغییر دهد. از طرف دیگر برای اطفال هم زنده گی در جدایی بهتر و یا کم ضررتر است، از زنده گی در کنار پدر و مادری که اختلاف و نفرت سراسر وجود شان را فراگرفته است. چگونه ممکن است، طفل در کنار والدین متخاصم و دشمن یکدیگر، به شکل سالم و درست تربیت شود؟ در چنین فضایی چگونه می‌توان به عشق، شفقت و دیگر عواطفی او که در این سن و سال به شدت به آن نیاز دارد، جواب داد؟

افزون بر آن، خانوادهٔ بیمار سبب فساد جامعه هم می‌شود. مردی که از زنش نفرت دارد، غیر از این‌که برود و دوست دیگری به خود پیدا کند و غریزهٔ شهوانی اش را با او اشباع نماید، کار دیگری نمی‌کند؛ و زن هم ممکن است، دست به چنین کاری بزند و به این طریق مریضی این خانواده به افراد دیگر جامعه سرایت می‌کند و آن را به فساد می‌کشاند. پس با توجه به قاعده: «از بین دو ضرر، آن که ضررش کم‌تر است، برگزیده می‌شود» اسلام طلاق را روا دانسته است.

### اسلام به صبر و بردباری ترغیب می‌کند

اسلام با وجود دشواری‌های زنده‌گی با زهم زن و شوهر را به صبر و بردباری تشویق نموده، به مرد گفته است که در برابر زنان از حوصله مندی کار بگیرد و تعهد زناشویی را نشکند. اللهم صلِّ علی می‌فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [النساء:

[۱۹]

ترجمه: "و با آن‌ها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد."

هم‌چنان زن را نیز ترغیب می‌کند تا در زنده‌گی با شوهر صبر و تحمل داشته باشد و به آسانی اجازه ندهد که به ساختار خانواده ضرر برسد. در حدیثی رسول اللهم صلِّ علی فرموده است:

﴿أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «هر زنی که بی موجب از شوهرش طلاق بخواهد، بوی بهشت برای او حرام است.»

### حکم طلاق

اصل در طلاق، این است که انجام نگیرد و از آن اجتناب شود، اما بنا بر ضرورت روا شده است، که در نتیجهٔ آن میان زن و شوهر جدایی واقع می‌شود.

## شرایط طلاق

مهم ترین شرایط طلاق قرار ذیل است:

۱. طلاق دهنده زوج (شوهر) باشد، یعنی با نکاح صحیح شوهر زن شده باشد.
۲. طلاق دهنده بالغ باشد، بناء طلاق کودک واقع نمی شود.
۳. طلاق دهنده عاقل باشد، بناء طلاق دیوانه اعتبار ندارد.
۴. طلاق به الفاظی باشد که به گونه صریح یا کنایی به آن دلالت کند.
۵. در صورت به کار بردن الفاظ کنایی، مرد باید نیت طلاق را داشته باشد.

## فعالیت

شاگردان در مورد ضررهای اختلافهای خانواده گی و اسباب آن با هم گفتگو کنند.



۱. طلاق را تعریف کنید.
۲. حکمت مشروعیت طلاق را بیان نمایید.
۳. اسلام، مرد را به صبر و تحمل فرا می خواند؟، دلیلش را بگویید.
۴. حکم طلاق چیست؟
۵. شرایط طلاق را بیان کنید.

## انواع طلاق

از ابراهیم النخعی -رحمه الله- روایت شده است که صحابه کرام مطابق سنت این را ترجیح می‌دادند که زن بیش از یک طلاق داده نشود؛ (یعنی سه طلاق به یکبارگی داده نشود) یک طلاق می‌دادند و سپس عدت سپری می‌شد.

### انواع طلاق

طلاق از چند لحاظ تقسیم شده است که قرار ذیل می‌باشد:

#### اول: طلاق از لحاظ لفظ

طلاق از لحاظ صیغه و لفظ به دو قسم است: صریح و کنایه.

۱. **صریح:** آن است که با لفظی گفته شود که مقصد آن به شکل واضح معلوم شود، و در عرف مردم به طلاق دلالت کند، طور مثال به زن بگوید: تو طلاق هستی، یا تو بر من حرام هستی.

**حکم طلاق صریح:** با گفتن لفظ صریح، بدون نیت هم طلاق واقع می‌شود، پس وقتی به زن بگوید تو طلاق هستی بعد دعوا کند که مطلب من طلاق نبود، به این دعوی او هیچ اعتبار داده نمی‌شود.

۲- **کنایه:** در وقت طلاق دادن لفظی را به کار ببرد که هم معنای طلاق و هم معنای چیز دیگر را داشته باشد، و مردم آن را به معنای طلاق ندانند، مثل این که بگوید: با خانواده پدرت یکجا شو، یا از خانه بیرون شو!

**حکم طلاق کنایی:** با گفتن لفظ کنایه اگر نیتش طلاق باشد، طلاق واقع می‌شود؛ اما اگر نیتش طلاق نباشد، واقع نمی‌شود.

#### دوم: طلاق از لحاظ بدعت و سنت بودن

از لحاظ سنت و بدعت بودن طلاق دو قسم است: سنی و بدعی.

۱. **طلاق سنی:** طلاق سنی آن است که موافق سنت باشد، و آن به گونه‌ی است که مرد با داشتن عذر واقعی خانمش را در چنان حالتی طلاق بدهد که با او همبستر نشده باشد و زن هم حامله نباشد، به گونه‌ی که یک طلاق بدهد و سپس منتظر بماند که عدتش سپری شود و بدین طریق از او جدا شود. این راه بهتر است؛ اما اگر بنا بر دلایل قوی عذر موجهی برای جدایی داشته باشد، در این صورت برای قطع نمودن طمع خود و طمع زن در یک طهر (پاکی) یک طلاق و در طهر دیگر طلاق دوم و در طهر سوم طلاق سوم را بدهد، این هم مطابق سنت گفته می‌شود.

۲. **طلاق بدعی:** طلاقی است که برخلاف طریقه سنت داده شود، به گونه‌یی که مرد همسرش را یکباره یک یا دو و یا سه طلاق بدهد، یا در وقت حیض و یا بارداری طلاق بدهد و یا در چنان طهری طلاق بدهد که با او همبستر شده باشد، این طلاق هم واقع می‌شود؛ اما طلاق دهنده گنهگار می‌گردد.

**سوم - طلاق از لحاظ رجعیت و بینونت:** و آن به بر سه قسم است.

۱. **طلاق رجعی:** در چنین طلاقی مرد اختیار دارد که بعد از طلاق همسرش را برگرداند، بدون این که نیازی به عقد جدید و یا گرفتن رضایت زن باشد، البته این اختیار تا زمانی است که وقت عدت سپری نشده باشد. این بعد از طلاق اولی و دومی بشرطی که وقت عدت تا هنوز باقی باشد؛ اما اگر وقت عدت سپری شد، طلاق رجعی به طلاق باین تبدیل می‌شود و شوهر نمی‌تواند، بدون عقد جدید زن را برگرداند.

۲. **طلاق باین:** طلاقی است که با الفاظ کنایی بگوید، مانند این که به او بگوید: تو دیگر جدا هستی پس به خانه ات برو! یا از خانه بیرون شو! و غیره؛ اما به شرط آن که نیت طلاق را داشته باشد که در این صورت یک طلاق بائن واقع می‌شود و زوج می‌تواند با عقد نو و دادن مهر، زنی را که طلاق داده است، دو باره به نکاح خود در بیاورد.

۳. **طلاق مغلظ:** طلاقی است که با سه طلاق یک‌جا زنش را طلاق بدهد، در این صورت مرد نمی‌تواند، زن طلاق داده شده اش را دو باره برگرداند؛ مگر زمانی که این زن با شخص دیگری به نکاح صحیح نکاح کند و با او همبستر شود و سپس او طلاقش بدهد و یا بمیرد و عدت زن هم سپری گردد، در این صورت جایز است که شوهر قبلی با او نکاح کند.

## فعالیت

شاگردان در بحث بین خود انواع طلاق را مشخص بسازند.



۱. طلاق از لحاظ لفظ چند قسم است؟ بیان کنید.

۲. طلاق از لحاظ بدعت و سنت بودن چند قسم است؟ تشریح کنید.

۳. انواع طلاق را از لحاظ رجعیت و بینونت واضح سازید.

## انواع دیگر تفریق یا جدایی زن و شوهر

جدایی میان زن و شوهر بر علاوه طلاق از طریق خلع، لعان، ایلاء وظهار نیز صورت می‌گیرد. در این درس در باره بعضی از انواع دیگر تفریق و جدایی میان زن و شوهر بحث می‌کنیم.

### اول: خلع

گاهی زنده‌گی برخی از زوجین در کنار یکدیگر سخت و مشکل می‌شود، در این صورت زن می‌تواند، در عوض مقداری مال، شوهر را قانع بسازد و خود را از او جدا کند.

### تعریف خلع

خلع در لغت: دور ساختن را گویند.

و در اصطلاح فقها: عبارت است از پایان بخشیدن به صلاحیت های نکاح در مقابل گرفتن مقداری مال از زن، با لفظ خلع.

### مشروعیت خلع

گاهگاهی بنابر عوامل طبیعی، اخلاقی، دینی و صحنی زن از شوهرش نفرت پیدا می‌کند و دیگر نمی‌خواهد به زنده‌گی مشترکش با او ادامه دهد، بنا بر همین ضرورت، اسلام خلع را روا دانسته است تا زن در عوض مقداری مال خود را از این مشقت برهاند و گرفتار مخالفت با حدود الهی و بی‌اطاعتی از شوهر نشود.

### دلیل مشروعیت خلع

اللّٰهُ ﷻ می‌فرماید: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَفِيَمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ﴾ [البقرة: ۲۲۹]

ترجمه: «پس اگر بیم دارید که آن دو (زن و شوهر) حدود خدا را برپای نمی‌دارند در آنچه [زن] برای آزاد کردن خود] فدیة دهد، گناهی بر ایشان نیست.»

**در سنت نبوی:** از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت است که همسر حضرت ثابت بن قیس الانصاری رضی الله عنه (جمیله بنت ابي بن سلول) نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! من هیچ انتقادی از دین و اخلاق ثابت بن قیس ندارم؛ اما نمی‌خواهم به دلیل داشتن یک زنده‌گی تلخ به چنگ اعمال ناروا و کفر بیفتم. رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا تو می‌خواهی باغت را پس بدهی؟ او گفت: بلی. به این طریق باغ را به او داد و رسول الله صلی الله علیه و آله به ثابت رضی الله عنه دستور داد که قبول کند، او قبول کرد و طلاق داد. <sup>(۱)</sup>

### حکم خلع

با انجام خلع طلاق باین واقع می‌شود، و بر زن لازم می‌گردد تا مال مشخص شده را بدهد.

### فرق خلع و طلاق

طلاق از طرف مرد داده می‌شود، و خلع به پیشنهاد زن در بدل پرداخت مقداری مال تحقق می‌یابد.

## کراهیت خواستن خلع بدون سبب

تقاضای خلع بدون سبب موجه، کار مکروهی است. در حدیثی از رسول الله ﷺ روایت شده است که فرمودند: «أُبْمَا امْرَأَةٍ اخْتَلَعَتْ مِنْ زَوْجِهَا مِنْ غَيْرِ بَأْسٍ لَمْ تَرِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «هر زنی که بدون عذر موجه با شوهرش خلع کند، بوی بهشت را نخواهد یافت.»

در حدیثی دیگر فرموده است: «أُبْمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا طَلَقًا فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: «هر زنی که بدون ضرورت شدید از شوهرش تقاضای طلاق کند، بوی بهشت به او حرام است.»

## احکام خلع

- اگر جفا و بد رفتاری از طرف شوهر باشد، بر مرد گرفتن بدل از زن مکروه است؛ اما اگر نافرمانی از طرف زن باشد، در این صورت گرفتن بدل در مقابل خلع جایز است.
- هر آنچه که مهر شده بتواند، عوض خلع هم شده می‌تواند.
- خلع بدون موافقت زوج صحیح نیست، چون دادن طلاق حق مرد است؛ لذا تا شوهر قبول نکند، خلع واقع نمی‌شود.

## دوم - لعان

### تعریف لعان

لعان در لغت: از لعن گرفته شده و به معنای دور ساختن است. و در اصطلاح شریعت عبارت است از: گواهی دادن زن و شوهر علیه یکدیگر با لعن و غضب، تا مانند شهادت زنا، جای چهار شاهد را بگیرد و مرد با این نوع گواهی دادن از حد قذف خلاص می‌شود و قسم‌هایش حکم چهار شاهد را می‌گیرد و زن هم با این نوع شهادی دادن حد زنا را از خود دفع می‌سازد.

### مشروعیت لعان:

قرآن کریم به مشروعیت لعان دلالت می‌کند، الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ وَالْحَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۹﴾ وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۱۰﴾ وَالْحَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [النور: ۶ - ۹]

ترجمه: "و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند و جز خودشان گواهانی [دیگر] ندارند هر یک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است، و [گواهی در دفعه] پنجم این است که [شوهر بگوید] لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد، و از [زن] کیفر ساقط می‌شود در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که [شوهر] او از دروغگویان است، و [گواهی] پنجم آنکه خشم خدا بر او باد اگر [شوهرش] از راستگویان باشد."

۱ - مسند الصحابة في الكتب الستة .

۲ - السنن الكبرى للبيهقي .

از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت است که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در بین یک مرد و زن انصاری لعان را اجرا کرد و آن دو را از هم جدا ساخت. <sup>(۱)</sup>

## حکمت مشروعیت لعان

لعان از آن جهت مشروع شده است که در صورت وارد شدن تهمت انسان‌ها بتوانند، به عنوان آخرین راه حل از حریم خود دفاع کنند، به این طریق مرد می‌تواند در صورت نبود شاهدان دیگر با استفاده از این وسیله از گواهی مؤکد خویش کار بگیرد و به زن اجازه ندهد که حریم او را پایمال کند. از آنجایی که دین مقدس اسلام بر اساس عدل استوار است، به زن هم این حق را قایل شده است که از خود دفاع کند و تهمت وارد شده از طرف شوهر را از حریم خویش دور نماید.

## کیفیت لعان

هنگامی که شوهر زنش را به زنا متهم سازد و یا از نسب طفل او انکار کند (که این هم به صورت صریح به معنای ارتکاب زنا است)، و به این سخنش دلیل روشنی هم نداشته باشد و زن تهمت او را نپذیرد و خواستار اجرای حد قذف بر او باشد، در این صورت قاضی در بین آن‌ها فیصله لعان می‌کند. هر دو الفاظ مخصوصی را که قرآن کریم برای لعان تعیین نموده است در حضور قاضی می‌خوانند. پس از آن قاضی زن و شوهر را از هم جدا می‌کند و بعد از آن، این زن بر آن شخص حرام می‌شود.

## حکم لعان

با گفتن شاهی لعان جدا کردن آن دو واجب است، قاضی حکم جدایی آن دو را صادر می‌کند، و در پی آن طلاق بائن واقع می‌شود، و جماع با زن و انجام دواعی جماع حرام می‌شود، هر چند هنوز از همدیگر جدا هم نشده باشند.



۱. خلع را تعریف کنید.
۲. حکمت مشروعیت خلع چیست؟
۳. دلیل مشروعیت خلع را بیان کنید.
۴. حکم خلع چیست؟
۵. آیا خلع و طلاق باهم فرق دارند؟
۶. انجام خلع بدون سبب چه حکم دارد؟
۷. لعان را تعریف کنید.
۸. دلیل و حکمت مشروعیت لعان را واضح سازید.
۹. کیفیت لعان را بیان کنید.
۱۰. حکم لعان چیست؟



## انواع دیگر تفریق یا جدایی زن و شوهر

### سوم - ایلاء

ایلاء در لغت: به قسم گفته می‌شود.

و در اصطلاح شرعی: عبارت است از قسم بسیار مؤکد مبنی بر این که با منکوحه اش تا چهار ماه و یا زیادتر از آن نزدیک نشود. (با او همبستر نشود).

### مشروعیت ایلاء

مشروعیت ایلاء از این قول الله ﷻ ثابت است: ﴿لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَأَوْوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۶ - ۲۲۷]

ترجمه: « برای کسانی که به ترک هم‌خوابه‌گی با زنان خود سوگند می‌خورند [= ایلاء] چهار ماه انتظار [و مهلت] است پس اگر [به آستی] بازآمدند خداوند آمرزندهٔ مهربان است، اگر عزم طلاق کردند در حقیقت خدا شنوای داناست».

### حکم ایلاء

هرگاه چهار ماه سپری شد و مرد بر اساس قسم خود همستر نشد، زنش طلاق بائن می‌شود؛ اما اگر به زن رجوع نمود و قسمش را شکست، کفارهٔ قسم می‌دهد.

### ۴-ظهار

تعریف ظهار: عبارت است از تشبیه دادن زن با زنی که نکاح او تا ابد برایش حرام باشد؛ به طور مثال به او بگوید: « تو برای من مانند پشت مادرم هستی».

### حکم ظهار

ظهار یک کار ناروا و حرام است، وظهار کننده با این عملش گنهکار می‌شود، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ﴾ [المجادلة: ۱].

ترجمه: «از میان شما کسانی که زنانشان را ظهار می‌کنند [و می‌گویند پشت تو چون پشت مادر من است] آنان مادرانشان نیستند، مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند؛ ولی خدا بدون شک درگذرندهٔ آمرزنده است».

## حکم ظهر

با انجام ظهر، جماع و یا دواعی جماع مانند بوسیدن و لمس کردن بر مرد تا زمانی حرام می‌شود که کفاره بدهد.

## کفاره ظهر

عبارت است از: آزاد کردن یک رقبه به نیت کفاره، و در صورت دسترسی نداشتن به آن، دو ماه پی در پی روزه گرفتن، و در صورت قادر نبودن به گرفتن روزه، خوراک دادن به شصت مسکین بطور شکم سیر و یا دادن قیمت خوراک به آن‌ها به گونه‌یی که بتوانند، صبح و شام شکم خود را سیر کنند.

اللَّهُ ﷻ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۗ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [المجادلة: ۲ - ۳]

ترجمه: «و کسانی که زناشان را ظهر می‌کنند سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند بر ایشان [فرض] است که پیش از آن که با یکدیگر همخواب‌گی کنند بنده‌یی را آزاد گردانند این [حکمی] است که بدان پند داده می‌شوید و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است، و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پردرد خواهد بود».



۱. ایلاء را در لغت و اصطلاح تعریف کنید؟
۲. دلیل مشروعیت ایلاء چیست؟
۳. حکم ایلاء را بیان کنید.
۴. ظهر را تعریف کنید.
۵. حکم ظهر را با دلیل بیان نمایید.
۶. کفاره ظهر چیست؟ شرح دهید.